

یا منکر

انتظار، بایدها و نبایدها

(چگونه می توان از فرهنگ مهدوی گفتگو کرد؟)

ابراهیم شفیع سرستانی



انتظار، باید‌ها و نباید‌ها

ابراهیم شفیعی سروستانی



انتظار، باید ها و نباید ها

کد: ۷۹۲

نویسنده: ابراهیم شفیعی سروستانی
ناشر و تهیه کننده: مؤسسه فرهنگی موعود و مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما
لیتوگرافی: سروش مهر
چاپ و صحافی: نگارش
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۳
شمارگان: ۴۰۰۰
بها: ۱۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است
نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما
پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.COM
تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمایان: ۲۹۳۳۸۹۲

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱
----------------	---

● فصل اول: انتظار در تفکر شیعه

مقدمه	۵
۱. مفهوم انتظار	۹
۲. ضرورت انتظار	۱۶
۳. فضیلت انتظار	۱۹
چرا این همه فضیلت؟	۲۱
۴. وظایف منتظران	۲۵
۴-۱. شناخت حجت خدا و امام عصر (عج)	۲۵
۴-۲. پیراستگی از بدی‌ها و آراستگی به خوبی‌ها	۳۲
۴-۳. پیوند با مقام ولایت	۳۷
۴-۴. کسب آمادگی برای ظهور حجت حق	۴۱
۴-۵. ارتباط با فقها و مراجع تقلید	۴۶
۴-۶. دعا برای تعجیل فرج	۴۷
۴-۷. بزرگداشت یاد و نام حضرت مهدی (عج)	۴۹
۵. نقش سازنده انتظار	۵۲
۵-۱. از زاویه مفهوم انتظار	۵۳
۵-۲. از زاویه متعلق انتظار	۵۵

● فصل دوم: بایدها و نبایدهای ترویج انتظار

۶۱	مقدمه
۶۳	۱. ارتباط معنوی با امام عصر (عج)
۶۸	۲. شناخت دیدگاه‌های موجود در زمینه باور مهدوی
۶۹	۲-۱. دیدگاه کلامی - تاریخی
۸۷	۲-۲. دیدگاه فرهنگی - اجتماعی
۱۰۰	۳. رعایت اخلاص در عمل و پیراسته داشتن نیت
۱۰۴	۴. توجه به جایگاه و شأن رفیع امام عصر (عج)
۱۰۸	۵. دشمن‌شناسی و دوست‌شناسی
۱۱۰	۵-۱. تولی و تبری در آموزه‌های اسلامی
۱۱۲	۵-۲. ضرورت دوست‌شناسی و دشمن‌شناسی
۱۱۳	۶. توجه به دیدگاه‌ها و نظرات مراجع عظام تقلید
۱۱۵	۷. توجه به آفت‌ها و آسیب‌های اندیشه مهدوی
۱۱۵	۷-۱. عوام‌زدگی و سطحی‌نگری
۱۱۷	۷-۲. روشنفکرزدگی و تأویل‌گرایی
۱۱۸	۸. زدودن مطالب ضعیف و باورهای نادرست
۱۲۲	۹. توجه به کارکردهای مجالس و مراسم مهدوی
۱۲۴	۱۰. گشودن زوایای جدید در طرح مباحث مهدوی
۱۲۶	۱۱. پرهیز از تعیین وقت برای ظهور
۱۲۹	۱۲. پرهیز از طرح مطالب سست، واهی و بی‌اساس
۱۳۲	۱۳. پرهیز از اغراض جناحی و گروهی
۱۳۳	۱۴. پرهیز از موضوعات و مباحث کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت
۱۳۵	کتابنامه

پیشگفتار

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مکتب تشیع، اعتقاد به امام مهدی علیه السلام به عنوان آخرین حجت خداوند، واسطه فیض الهی و نجات‌بخش موعود است. براساس این اعتقاد حضرت مهدی علیه السلام در حال حاضر نیز زنده، شاهد و ناظر اعمال همه جهانیان بویژه شیعیان خود، فریادرس در ماندگان و در انتظار روزی است که به فرمان خدا حرکت رهایی‌بخش و قیام عدالت‌گستر خود را آغاز کند.

با توجه به این اعتقاد موضوع «انتظار» در این مکتب جایگاه خاصی داشته و بخش عمده‌ای از معارف شیعی را به خود اختصاص داده است.

متأسفانه باید اذعان داشت که با وجود جایگاه بلندی که انتظار در مکتب شیعه دارد و با وجود تأکیدها و سفارش‌های فراوانی که از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام بر موضوع انتظار فرج شده است، شیعیان چنان‌که باید و شاید به این موضوع اهتمام نداشته و توجهی در خور به ابعاد مختلف آن نکرده‌اند. در چند سال گذشته نیز اگرچه اقبال مردم به باور مهدوی و فرهنگ انتظار چندین برابر شده و به‌ویژه از سوی جوانان شور و اشتیاق فراوانی برای شناخت بیشتر این موضوع ابراز می‌شود، اما تلاش مناسبی از سوی حوزه‌های علمیه، نهادهای آموزشی و مراکز علمی و فرهنگی کشور برای آشناسازی نسل جوان با این باور و فرهنگ صورت نگرفته است و جامعه ما همچنان از نبود آثار مستند، مستدل و متقن که با زبان روز و متناسب با استعداد و توانایی مخاطبان مختلف ابعاد گسترده

موضوع یادشده را تشریح و تبیین کنند، رنج می‌برد. از این رو بر متولیان امور فرهنگی، تبلیغی و آموزشی کشور، به ویژه رسانه‌های عمومی لازم است که پیش از پیش این موضوع را مورد توجه قرار دهند و با برنامه‌ریزی اساسی نیازهای مختلف نسل امروز را در این زمینه برآورده سازند.

کتاب حاضر با هدف پاسخگویی به پرسش‌ها و ابهام‌های موجود در زمینه فرهنگ انتظار از یک سو و تبیین بایسته‌های ترویج و تبلیغ این فرهنگ از سوی دیگر فراهم آمده است و از این رو در فصل اول آن مباحث مختلف مرتبط با فرهنگ انتظار، همچون مفهوم، ضرورت و فضیلت انتظار، وظایف منتظران و نقش سازنده انتظار به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است و در فصل دوم آن نیز مهم‌ترین باید‌ها و نباید‌هایی که شایسته است مراکز، مؤسسات و نهادهای فرهنگی، تبلیغی، تحقیقی و... در زمینه ترویج و تبلیغ فرهنگ و باور مهدوی مورد توجه قرار دهند، بررسی شده است.

در این کتاب تلاش شده که پس از تبیین و توضیح هر موضوع، منابع و کتاب‌های مرتبط با آن موضوع نیز معرفی شود تا خواننده به راحتی بتواند در زمینه آن موضوع به پژوهش و مطالعه تفصیلی بپردازد.

در پایان آرزو می‌کنیم که این اثر مورد قبول حضرت بقیة الله الاعظم، ارواحنا له الفداء، واقع شود و بتواند پرسش‌های مختلفی را که در زمینه موضوع انتظار مطرح است پاسخ گوید. ان شاء الله

ابراهیم شفیعی سروستانی

۱۳ رجب ۱۴۲۵

فصل اول

انتظار در تفکر شیعه

مقدمه

عظمت و جودی و ابعاد مختلف شخصیت حضرت صاحب الامر علیه السلام باعث شده است که در طول هزار و اندی سال که از غیبت کبری می‌گذرد، هر گروه از مردم بسته به گرایش‌های خاص اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی که داشته‌اند، از دیدگاهی خاص به تحلیل شخصیت و تعیین جایگاه آن حضرت در عالم هستی بپردازند و هر گروه تنها درک و تصور خود از این موضوع را تصور درست و مطابق با واقع از شخصیت آن یگانه هستی تلقی کنند.

در این میان جمعی از اصحاب سیر و سلوک و رهروان طریق عرفان و معنا با طرح موضوع خلیفه‌الله و انسان کامل و پرداختن به نقش حجت الهی در عالم هستی، تنها به جنبه فراطبیعی آن وجود مقدس توجه کرده و از سایر جنبه‌ها غفلت ورزیدند.

گروهی دیگر از اصحاب شریعت توجه خود را تنها معطوف به جنبه طبیعی آن وجود مقدس ساخته و ضمن مطرح کردن نقشی که آن حضرت به عنوان امام و پیشوای مردم به عهده دارند هیچ‌گونه مسئولیتی را در زمان غیبت متوجه مردم ندیدند و تنها تکلیف مردم را این دانستند که برای فرج آن حضرت دعا کنند تا خود بیایند و امور مردم را اصلاح کنند.

عده‌ای هم ضمن توجه به جنبه فراطبیعی و طبیعی وجود مقدس حضرت حجت (ع) تمام هم و غم خود را متوجه ملاقات با آن حضرت ساخته و تنها وظیفه خود را این دانستند که با توسل به آن حضرت به شرف ملاقات با آن ذات اقدس نائل شوند.

اما در این میان گروهی با در نظر گرفتن همه ابعاد آن که بدان‌ها اشاره شد، به طرح معنای درست انتظار پرداخته و در صدد تعیین وظیفه و نقش مردم در دوران غیبت برآمدند. در این دیدگاه، هم مسئله خلافت الهی انسان کامل مطرح است، هم به جایگاه و نقش مردم در قبال آن حضرت توجه شده و هم وظیفه‌ای که مردم در دعا برای حفظ آن وجود مقدس و تعجیل در ظهورش دارند از نظر دور داشته نشده است.

شاید بتوان امام راحل (امت، قدس سره)، را به عنوان درخشان‌ترین چهره از گروه اخیر ذکر کرد. ایشان با صراحت به نقد و بررسی برداشت‌های مختلفی که از مسئله انتظار فرج وجود دارد، پرداخته و دیدگاه خاص خود را در این زمینه چنین مطرح ساختند:

البته این پر کردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی‌توانیم بکنیم، اگر می‌توانستیم می‌کردیم. اما، چون نمی‌توانیم بکنیم ایشان باید بیایند... اما ما باید فراهم کنیم کار را، فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت (ع) ...^۱

ایشان در جایی دیگر نیز درباره مفهوم «انتظار فرج» می‌فرمایند:

انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند. و مقدمات ظهور آن شاء الله تهیه شود.^۲

۱. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج ۲۰، ص ۱۹۸-۱۹۹.

۲. همان، ج ۷، ص ۲۵۵.

برای شناخت جایگاه و مفهوم انتظار در تفکر شیعی برخی از روایاتی را که در این زمینه وارد شده است مورد بررسی قرار می‌دهیم تا روشن شود که:

۱. معنا و مفهوم انتظار چیست؟
۲. آیا انتظار ضرورت دارد؟
۳. فضیلت آن چیست؟
۴. چه وظایفی در عصر غیبت بر عهده منتظران است؟
۵. انتظار چه آثار سازنده‌ای بر فرد و جامعه دارد؟

مفهوم انتظار

«انتظار»، یعنی «چشمداشتن» و «چشم به راه بودن»^۱. چشمداشت یک تحول، چشمداشت یک رویداد خوب، چشمداشت یک گشایش،... یا چشم به راه یک آینده مطلوب، چشم به راه یک عزیز سفر کرده، چشم به راه یک دستگیر، چشم به راه یک منجی و... به این معنا انتظار مفهومی است که با نهاد همه انسان‌ها عجین شده است و می‌توان گفت که همه انسان‌ها به نوعی منتظرند.

به بیان دیگر انتظار یا امید به آینده همزاد انسان است و اگر امید به آینده را از او بگیرند، سرنوشتی جز سکون، رکود، مرگ و تباهی نخواهد داشت، از همین روست که در کلام نورانی پیامبر گرامی اسلام ﷺ آمده است:

الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِلْأُمِّيِّ وَ لَوْلَا الْأَمَلُ مَا أَرْضَعَتْ الْوَلَدَةُ وَلَدَهَا وَلَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجَرًا.^۲

۱. ر.ک: علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ذیل کلمه «انتظار»؛ محمد معین، فرهنگ فارسی، ذیل کلمه «انتظار».

۲. محمدباقر المجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۷۳، ح ۸.

امید برای امت من مایه رحمت است و اگر امید نبود هیچ مادری فرزندش را

شیر نمی داد و هیچ باغبانی درختی نمی کاشت.

همچنین حکایت شده است که:

روزی عیسی علیه السلام نشسته بود و پیرمردی با بیل زمینی را شیار می کرد، عیسی

فرمود: بار خدایا! امید (آرزو) را از او بگیر. آن پیر دردم، بیل را به کناری

انداخت و دراز کشید. ساعتی گذشت و عیسی گفت: بار خدایا! امید را به او

بازگردان؛ بی درنگ آن پیر برخاست و شروع به کار کرد.^۱

مولانا نیز این حقیقت را به زبان دیگری بیان می کند:

گر نبودی میل و امید شمر کی نشاندی باغبان بیخ شجر

لحظه لحظه زندگی انسان با امید همراه است و او هر دوره از عمر خود را به

امید رسیدن به دوره بعدی پشت سر می گذارد. کودکی که تازه به دبستان پا گذاشته

به امید رفتن به کلاس بالاتر و پشت سر گذاشتن دوران آموزش ابتدایی درس

می خواند و تلاش می کند. همین کودک دوران راهنمایی را با امید رسیدن به

دوران دبیرستان سپری می کند و دوران دبیرستان را با این امید که روزی به

دانشگاه راه یابد پشت سر می گذارد. وقتی همین کودک دیروز و جوان امروز

وارد دانشگاه می شود امیدهای تازه به او توش و توان می دهد و به زندگی او معنا

می بخشد؛ امید رسیدن به جایگاه مطلوب اجتماعی، تشکیل خانواده، داشتن

فرزند و... پس از تشکیل خانواده و به دنیا آمدن فرزندان، همه امیدها و

آرزوهای انسان متوجه پیشرفت و ارتقای فرزندانش می شود و به این ترتیب

حکایت پایان ناپذیر امید به آینده، تا آستانه مرگ، انسان را همراهی می کند.

۱. تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۲۷۲. به نقل از: محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ترجمه حمیدرضا

شیخی، ج ۱، ص ۱۸۴، ج ۶۷۵.

ناگفته نماند که این امید به آینده و انتظار تحقق فردای بهتر، خود ریشه در یک ویژگی فطری دارد و آن کمال جویی انسان است. انسان همواره طالب رسیدن به مراتب بالاتر و دست یافتن به قله‌های پیشرفت و ترقی است و این در همه انسان‌ها با تفاوت‌هایی در سطح کمال مورد نظر و تلاش و جدیتی که برای رسیدن به کمال مطلوب صورت می‌گیرد، وجود دارد.

در هر حال، انتظار و چشم به راه آینده بودن شعله‌ای است در وجود انسان که هرچه فروزان‌تر و پرفروغ‌تر باشد تحرک و پویایی او نیز بیشتر خواهد بود و برعکس هر چه این شعله به سردی و خاموشی بگراید؛ تلاش و فعالیت انسان نیز کاستی می‌پذیرد تا آنجا که او تبدیل به موجودی سرد، بی‌روح، بی‌نشاط، گوشه‌گیر و بی‌تحرک می‌شود و این همان حالتی است که در روانشناسی به «افسردگی» تعبیر می‌کنند. حالتی که شدت و ضعف و زمینه‌های به وجود آمدن آن‌ها در افراد مختلف متفاوت است، اما عامل آن در هر حال چیزی جز خشکیدن نهال امید در وجود انسان نیست.

با توجه به اهمیت و نقش اساسی امید به آینده و انتظار فرج در زندگی انسان‌ها مکتب اسلام تلاش نموده است با تقویت این روحیه، تلاش و سرزندگی جوامع اسلامی و مسلمانان را به نهایت درجه خود رسانده و آن‌ها را در هر زمان پویا و پایدار نگهدارد. به نظر می‌رسد امید به آینده و انتظار فرج به دو معنا در آموزه‌های دین اسلام به کار رفته است:

۱. انتظار به معنای عام؛ در این معنا مکتب اسلام تلاش کرده است که از یک سو با فضیلت بخشیدن به «انتظار گشایش» و امید به آینده و از سوی دیگر با نکو هشی یأس، ناامیدی، دل‌سردی و دل‌مردگی، روحیه تلاش و تکاپوی سازنده را در افراد جامعه اسلامی زنده نگهدارد و از ایجاد حالت یأس و ناامیدی در زندگی شخصی مسلمانان جلوگیری کند.

اهتمام اسلام به این معنای عام از انتظار و امید به آینده تا بدان حد بوده که از یک سو امید به فرا رسیدن گشایش از سوی خداوند در زمرهٔ برترین اعمال بر شمرده شده و از سوی دیگر یأس و ناامیدی از رحمت خداوند از جمله گناهان کبیره به شمار آمده است.^۱

قرآن کریم ناامیدی از رحمت خدا را از ویژگی‌های کافران بر شمرده و از زبان حضرت یعقوب علیه السلام چنین نقل می‌کند:

يَا بَنِيَّ اذْكُبُوا فَتَحَسُّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَاُخِيهِ وَلَا تَيَاسُّوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيَاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ.^۲

پسرانم! بروید و از یوسف و برادرش جست‌وجو کنید و از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ که تنها گروه کافران از رحمت خدا مأیوس می‌شوند.

شاید بتوان گفت بسیاری از روایاتی که در آن‌ها به فضیلت «انتظار فرج» به طور کلی و بدون ذکر متعلق فرج اشاره شده، به اصل تقویت روحیهٔ امید به آینده و مقابله با حالت ناامیدی و بدبینی نسبت به آینده نظر داشته‌اند، که از آن جمله می‌توان به این روایات اشاره کرد:

۱-۱. از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که:

مَنْ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِالْقَلِيلِ مِنَ الْعَمَلِ وَانْتِظَارُ الْفَرَجِ عِبَادَةٌ.^۳

هر کس نسبت به رزق کمی که خداوند به او داده خشنود باشد، خداوند نیز نسبت به عمل کمی که او انجام می‌دهد خشنود می‌گردد و انتظار گشایش عبادت است.

۱. ر.ک: سید عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، ص ۹۱-۹۸.

۲. سوره یوسف (۱۲) آیه ۸۷. ۳. محمد باقر المجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۳.

۱-۲. همچنین از آن حضرت روایت شده است که:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ^۱

برترین عبادت‌ها انتظار فرج است.

۱-۳. و باز می‌فرمایند:

أَفْضَلُ جِهَادٍ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ^۲

برترین جهاد امت من انتظار فرج است.

۱-۴. امام علی علیه السلام در بخشی از روایت مفصلی که در آن به چهارصد مورد از

اموری که برای صلاح دین و دنیای مؤمن شایسته است، اشاره می‌کنند؛ پس از

توصیه به طلب رزق در بین طلوع فجر و طلوع شمس می‌فرمایند:

إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ، عَزَّ وَجَلَّ،
إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ^۳

منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند ناامید نشوید. بدورستی که خوشایندترین

اعمال نزد خداوند، صاحب عزت و جلال، انتظار فرج است.

۱-۵. آن حضرت در بخش دیگری از روایت یادشده پس از اشاره به این

مطلب که ناشکیبایی در هنگام بروز ناگواری‌ها موجب از بین رفتن اجر انسان

می‌شود، می‌فرماید:

... أَفْضَلُ أَعْمَالِ الْمَرْءِ إِنْتِظَارُ فَرَجِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ^۴

برترین کارهای انسان، انتظار گشایش از سوی خداست.

۱. همان، ج ۲، ص ۲۸۷، ج ۲.

۲. ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه الحرانی، تحف العقول عن آل الرسول، ص ۳۷.

۳. محمد باقر المجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳، ج ۷.

۴. همان، ص ۹۹.

۱-۶. امام صادق (ع) نیز در ضمن سفارش‌های خود به ابوحنیفه می‌فرمایند:

... وَأَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ.^۱

برترین کارها انتظار گشایش از خداست.

۲. انتظار به معنای خاص: در این معنا، انتظار گشایش و امید به آینده از حالت امری محدود، سطحی و فردی خارج شده و تبدیل به امری گسترده، عمیق و اجتماعی می‌گردد.

در توضیح این مطلب باید گفت: تعالیم ادیان الهی و به‌ویژه دین مبین اسلام، دقیقاً بر گرایش‌های درونی انسان‌ها تکیه دارد و اهداف و برنامه‌های آن‌ها براساس همین گرایش‌های درونی و ویژگی‌های فطری سامان یافته است و در این میان نقش دین تنها جهت‌دهی، توسعه و تعمیق این گرایش‌هاست.

در موضوع مورد بحث نیز دین مبین اسلام با توجه به اینکه امید به آینده و انتظار یک گرایش فطری و جوهره زندگی انسان‌هاست تلاش نموده که این گرایش را از یک سو توسعه و از دیگر سو تعمیق بخشد.

به این بیان که دین اسلام به همه انسان‌ها می‌گوید: اولاً، شما فقط منتظر بهبود وضع زندگی خود و اطرافیان‌تان نباشید و تنها سعادت نزدیکان خود را طلب نکنید، بلکه این انتظار را نسبت به همه افراد جامعه گسترش دهید و چشم‌انتظار روزی باشید که رفاه، سعادت، عدالت و معنویت نه تنها در شهر و دیار شما بلکه در همه جهان گسترده شود.

ثانیاً، انتظار شما نباید تنها متوجه امور ظاهری، سطحی و محدود زندگی گردد. شما باید انتظارتان را تعمیق بخشید و چشم به راه آینده‌ای باشید که حقیقت مطلق، عدالت مطلق و معنویت مطلق در جهان حاکم شود.

در این معنا، انتظار تنها به ظهور مردی تعلق می‌گیرد که اگر بیاید نهایت خوبی‌ها برای همه انسان‌ها در سراسر جهان فراهم خواهد شد. این انتظار به همان اندازه فضیلت و برتری دارد که تحقق متعلق آن.

به هنگام بررسی فضیلت انتظار به برخی از روایت‌هایی که انتظار به معنای خاص را مورد توجه قرار داده‌اند اشاره می‌کنیم.

ضرورت انتظار

در تفکر شیعی، انتظار موعود، به عنوان یک اصل مسلم اعتقادی مطرح بوده و در بسیاری از روایات بر ضرورت انتظار قائم آل محمد علیهم السلام تصریح شده است، که از جمله می توان به روایات زیر اشاره کرد:

۱. محمد بن ابراهیم النعمانی در کتاب الغیبة روایت کرده است که روزی امام صادق علیه السلام خطاب به اصحاب خود فرمودند:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ، عَزَّوَجَلَّ، مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ؟ فَقُلْتُ: بَلَى، فَقَالَ: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ[رَسُولُهُ]، وَالْإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ، وَالْوَلَايَةُ لَنَا، وَالْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا - يَعْنِي الْأَيُّمَةَ خَاصَّةً - وَالتَّسْلِيمُ لَهُمْ، وَالْوَرَعُ، وَالْإِجْتِهَادُ، وَالطَّمَأْنِينَةُ، وَالْإِنْتِظَارُ لِلْقَائِمِ، عَلَيْهِ السَّلَامُ.^۱

۱. محمد بن ابراهیم النعمانی، کتاب الغیبة، ص ۲۰۰، ح ۱۶.

آیا شما را خبر ندهم به آنچه خدای، صاحب عزت و جلال، هیچ عملی را جز به آن از بندگان نمی‌پذیرد؟ گفتم: چرا. فرمود: گواهی دادن به اینکه هیچ شایسته پرستشی جز خداوند نیست و اینکه محمد [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] بنده و فرستاده او است، و اقرار کردن به آنچه خداوند به آن امر فرموده، و ولایت ما، و بیزاری از دشمنانمان - یعنی خصوص امامان - و تسلیم شدن به آنان، و پرهیزکاری و تلاش و مجاهدت و اطمینان و انتظار قائم علیه السلام.

۲. ثقة الاسلام الكلینی در کتاب الکافی روایت می‌کند که روزی مردی بر حضرت ابوجعفر امام باقر علیه السلام وارد شد و صفحه‌ای در دست داشت؛ حضرت باقر علیه السلام به او فرمود:

هَذِهِ صَحِيفَةٌ مُخَاصِمٌ سَأَلَ عَنِ الدِّينِ الَّذِي يَقْبَلُ فِيهِ الْعَمَلُ. فَقَالَ: رَحِمَكَ اللَّهُ، هَذَا الَّذِي أُرِيدُ. فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَتَقَرُّ بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَالْوَلَايَةُ لَنَا أَهْلِ الْبَيْتِ، وَالْبَرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا، وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِنَا، وَالْوَرَعُ، وَالتَّوَاضُّعُ وَالتَّيَّاسُ قَائِمِينَ، فَإِنَّ لَنَا دَوْلَةً، إِذَا شَاءَ اللَّهُ جَاءَ بِهَا.^۱

این نوشته مناظره‌کننده‌ای است که پرسش دارد از دینی که عمل در آن مورد قبول است. آن مرد عرض کرد: رحمت خداوند بر تو باد همین را خواسته‌ام. پس حضرت ابوجعفر باقر علیه السلام فرمود: گواهی دادن به اینکه خدا یکی است و هیچ شریکی برای او وجود ندارد، و این که محمد بنده و رسول او است، و این که اقرار کنی به آنچه از سوی خداوند آمده، و ولایت ما خاندان و بیزاری از دشمنان ما، و تسلیم به امر ما، و پرهیزکاری و فروتنی، و انتظار قائم ما، که ما را دولتی است که هر وقت خداوند بخواهد آن را خواهد آورد.

۱: محمد بن یعقوب الكلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۲، ح ۱۳.

۳. شیخ صدوق در کتاب کمال‌الدین از «عبدالعظیم حسنی» روایت می‌کند که:
روزی بر آقایم محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن
الحسین بن ابی طالب علیه السلام وارد شدم و می‌خواستم که دربارهٔ قائم از آن حضرت
سؤال کنم که آیا همان مهدی است یا غیر او پس خود آن حضرت آغاز سخن کرد
و به من فرمود:

يَا أَبَا الْقَاسِمِ، إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يُنْتَظَرَ فِي غَيْبِهِ وَيُطَاعَ
فِي ظُهُورِهِ، وَهُوَ الثَّالِثُ مِنْ وَلَدِي.^۱

ای ابوالقاسم! بدرستی که قائم از ماست و او است مهدی که واجب است در
[زمان] غیبتش انتظار کشیده شود و در [زمان] ظهورش اطاعت گردد، و او
سومین [امام] از فرزندان من است.

روایات یاد شده و بسیاری روایات دیگر - که در این مجال فرصت طرح آن‌ها
نیست - همگی بر لزوم انتظار حضرت قائم در دوران غیبت دلالت می‌کند، اما
حال باید دید که انتظار - که این همه بر آن تأکید شده و یکی از شرایط اساسی
اعتقاد اسلامی شمرده می‌شود - چه فضیلتی دارد و در کلام معصومین علیهم السلام از چه
جایگاهی برخوردار است.

۱. ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق)، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۲۷۷، ح ۱.

فضیلت انتظار

در روایات اسلامی آنچنان مقام و منزلتی برای منتظران موعود بر شمرده شده که گاه انسان را به تعجب و اُمی دارد که چگونه ممکن است عملی که شاید در ظاهر ساده جلوه کند از چنین فضیلتی برخوردار باشد. البته توجه به فلسفه انتظار و وظایفی که برای منتظران واقعی آن حضرت بر شمرده شده، سرّ این فضیلت را روشن می‌سازد.

در اینجا به پاره‌ای از فضائلی که برای منتظران قدوم، حضرت بقیه‌الله‌الاعظم بر شمرده شده، اشاره می‌کنیم:

۳-۱. امام سجاده علیه السلام منتظران را برترین مردم همه روزگاران بر می‌شمارند:

... إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ الْمُنْتَظِرُونَ لظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ كُلِّ أَهْلِ

زَمَانٍ.^۱

۱. محمدباقر المجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۴.

آن گروه از مردم عصر غیبت امام دوازدهم که امامت او را پذیرفته و منتظر ظهور او هستند برترین مردم همه روزگاران هستند.

۳-۲. شیخ صدوق در کتاب کمال‌الدین از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت به نقل از پدران بزرگوارشان - که بر آن‌ها درود باد - فرمود:

الْمُنْتَظَرُ لَأَمْرِنَا كَالْمُتَشَخَّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.^۱

منتظر امر (حکومت) ما، بسان آن است که در راه خدا به خون خود غلتیده باشد.

۳-۳. در همان کتاب به نقل از امام صادق علیه السلام روایت دیگری به این شرح در فضیلت منتظران وارد شده است:

طُوبَى لَشِبَعَةٍ قَائِمِنَا الْمُنتَظِرِينَ لظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.^۲

خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبتش چشم به راه ظهور او هستند و در هنگام ظهورش فرمانبردار او، آنان اولیاء خدا هستند، همان‌ها که نه ترسی برایشان هست و نه اندوه‌گین شوند.

۳-۴. در روایت دیگری مرحوم المجلسی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که:

مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ لِهَذَا الْأَمْرِ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي قُسْطَاطِهِ. قَالَ: ثُمَّ مَكَثَ هَنِيئَةً، ثُمَّ قَالَ: لَا بَلْ كَمَنْ قَارَعَ مَعَهُ بِسَيْفِهِ. ثُمَّ قَالَ: لَا وَاللَّهِ كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.^۳

هر کس از شما بمیرد در حالی که منتظر این امر باشد همانند کسی است که با حضرت قائم علیه السلام در خیمه‌اش بوده باشد. سپس حضرت چند لحظه‌ای درنگ

۱. ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق)، همان، ج ۲، ص ۶۴۵، ح ۶.
 ۲. همان، ج ۲، ص ۳۵۷، ح ۵۴.
 ۳. محمد باقر المجلسی، همان، ص ۱۲۶، ح ۱۸.

کرده، آنگاه فرمود: نه، بلکه مانند کسی است که در خدمت آن حضرت
شمشیر بزند، سپس فرمود: نه، به خدا همچون کسی است که در پیشگاه رسول
خدا ﷺ شهید شده باشد.

چرا این همه فضیلت؟

با مشاهده روایات یاد شده ممکن است برای بسیاری این پرسش پیش آید که چرا
انتظار از چنین فضیلت برجسته‌ای برخوردار است؟ برای رسیدن به پاسخ مناسبی
برای این پرسش چند نکته اساسی را باید مورد توجه قرار داد:

۱. انتظار حلقه اتصال شیعه با امام معصوم: چنانکه می‌دانید «ولایت» و «امامت» رکن
اساسی مکتب تشیع است و اعتقاد به ضرورت وجود حجت خدا و امام معصوم
در هر عصر و زمان از مهمترین نقاط تمایز این مکتب از سایر مکتب‌هاست. از
دیدگاه شیعه پذیرش ولایت معصومین علیهم‌السلام و به طور کلی تسلیم در برابر امام و
حجت عصر، سرآمد همه فضیلت‌ها و شرط اساسی قبولی همه اعمال عبادی
است. با توجه به این نکات در می‌یابیم که «انتظار» در زمان غیبت و عدم حضور
ظاهری امام در جامعه به نوعی اعلام پذیرش ولایت و امامت آخرین امام از
سلسله امامان شیعه است و همین انتظار موجب می‌شود که ارتباط شیعیان با
امامشان، اگر چه به صورت ارتباط قلبی و معنوی، حفظ شود و آن‌ها در همه
اعصار از فیض وجود امامشان برخوردار باشند.

در روایتی که از امام سجاده علیه‌السلام نقل شده، آن حضرت ضمن پیش‌بینی دوران
غیبت دوازدهمین امام از سلسله جانشینان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم کسانی را که در زمان
غیبت، امامت این امام را پذیرا می‌شوند و در انتظار او به سر می‌برند، برترین مردم
همه زمان‌ها معرفی می‌کنند و دلیل این برتری را این می‌دانند که برای آن‌ها غیبت

و حضور هیچ تفاوتی نداشته و همان وظایفی را که در زمان حضور باید انجام دهند در زمان غیبت انجام می‌دهند:

ثُمَّ تَمَّتْ الْغَيْبَةُ بِوَلِيِّ اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - الثَّانِي عَشَرَ مِنْ أَوْصِيَاءِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَالْأُتَمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ. يَا أَبَا خَالِدٍ! إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ، الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَالْمُنْتَظِرِينَ لظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ؛ لِأَنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمُشَاهَدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمَجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - بِالسَّيْفِ. أُولَئِكَ الْمَخْلُصُونَ حَقًّا وَشَيْعَتُنَا صِدْقًا وَالدُّعَاةُ إِلَى دِينِ اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - سِرًّا وَجَهْرًا.^۱

غیبت دوازدهمین ولی خداوند - صاحب عزت و جلال - از سلسله جانشینان رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندانش باد - و امامان بعد از او، به درازا می‌کشد.

ای اباخالد! آن گروه از مردم که در زمان غیبت او امامتش را پذیرفته و منتظر ظهور اویند برترین مردم همه زمان‌ها هستند؛ زیرا خداوند - که گرامی و بلندمرتبه است - چنان خرد، درک و شناختی به آن‌ها ارزانی داشته که غیبت [و عدم حضور امام] برای آن‌ها همانند مشاهده [و حضور امام] است. خداوند مردم این زمان را به مانند کسانی قرار داده که با شمشیر در پیشگاه رسول خدا - که درود خدا و او بر خاندانش باد - جهاد می‌کنند. آن‌ها مخلصان واقعی، شیعیان راستین ما و دعوت‌کنندگان به سوی دین خدا در پنهان و آشکار هستند.

۱. محمدبن علی بن الحسین (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۰؛ محمدباقر المجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۴.

بنابراین اگر «انتظار» را از مکتب شیعه بگیریم تفاوت چندانی میان این مکتب و دیگر مکاتب باقی نخواهد ماند؛ البته انتظار به همان مفهوم درست آن؛ یعنی امید به ظهور و قیام عدالت گستر دوازدهمین امام معصوم از خاندان پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله؛ همو که در حال حاضر حجت خدا، واسطه فیض الهی، زنده و شاهد و ناظر اعمال شیعیان خود و فریادرس آن‌ها در گرفتاری‌ها و ناملایمات است.

۲. انتظار، معیار ارزش انسان‌ها: آرزوها و آمال انسان‌ها معیار خوبی برای سنجش میزان رشد، کمال و تعالی آن‌هاست؛ تا آنجا که برخی می‌گویند: «بگو چه آرزویی داری تا بگویم کیستی.» آرزوهای بلند، متعالی و ارزشمند حکایت از کمال روح و رشد شخصیت انسان‌ها و بلندای همت آن‌ها می‌کند. به عکس آرزوهای خرد، حقیر و بی‌ارزش نشان از بی‌همتگی و رشد نیافتگی افراد دارد. آرزوها انسان را به حرکت وامی‌دارد و به طور طبیعی هر چه همت، بلندتر و آرزو، ارزشمندتر باشد حرکت و تلاش انسان نیز از ارزش بیشتری برخوردار خواهد بود.

امام علی علیه السلام در همین زمینه می‌فرماید:

قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ.^۱

ارزش مرد به اندازه همت اوست.

و در جای دیگر می‌فرماید:

قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ.^۲

مرد را آن بهاست که در دیده‌اش زیباست.

۱. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، باب گزیده سخنان حکمت‌آمیز امیر مؤمنان علیه السلام ش ۴۷.

۲. همان، ش ۸۱، ص ۳۷۳.

پس از این مقدمه می‌توان گفت که چون انسان منتظر برترین و ارزشمندترین آمال و آرزوهای ممکن را دارد است، به طور طبیعی از بهترین و والاترین ارزش‌ها نیز برخوردار است.

توضیح اینکه آرزوی نهایی انسان منتظر، حاکمیت نهایی دین خدا و مذهب اهل بیت علیهم‌السلام بر سراسر جهان، استقرار حکومت صالحان و مستضعفان در سراسر گیتی، کوتاه شدن دست ظالمان و مستکبران از گوشه گوشه جهان، برقراری نظام قسط و عدالت بر پهنه زمین و گسترش امنیت و رفاه در جای جای کره خاک است؛ یعنی آرزویی که از ابتدای تاریخ تاکنون و در زمان هیچ پیامبری محقق نشده است. قطعاً چنین آرزوی بلندی از ارزش و فضیلتی و صفت‌ناپذیر برخوردار است. البته به شرط آنکه «منتظر» به تناسب آرزوی بلند خود از تلاش و کوشش برای تحقق هر چه زودتر این آرزو کوتاهی نکند.

۳. انتظار عامل پویایی و سازندگی فرد و اجتماع: چنانکه از مطالب بعدی و در بحث از «وظایف منتظران» و «نقش سازنده انتظار» روشن خواهد شد، انتظار نقش مهمی در سازندگی، پویایی و اصلاح فرد و جامعه در زمان غیبت دارد، و اگر انسان منتظر به وظایفی که برای او بر شمرده شده عمل کند به الگوی مطلوب انسان دیندار دست می‌یابد و از جایگاه و مرتبه‌الایی برخوردار می‌شود. به عبارت دیگر انسان منتظر با رعایت همه شرایط انتظار به همان شأن و منزلتی که مورد انتظار دین اسلام است، رسیده و به بالاترین نقطه کمال نائل می‌شود.

با توجه به نکات بالا به رمز فضائل بی‌شماری که برای منتظران بر شمرده شد واقف می‌شویم و بدورستی درمی‌یابیم که چرا انسان منتظر از نظر اسلام از چنین مقام و مرتبه بلندی برخوردار است.

وظایف منتظران

در مورد وظایف و تکالیف شیعیان در دوران غیبت سخن‌های بسیاری گفته شده است و حتی در بعضی از کتاب‌ها، از جمله کتاب *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم* تا هشتاد وظیفه برای منتظران قدوم خاتم اوصیاء حضرت بقیه‌الله، ارواحنا له الفداء، بر شمرده شده است.^۱

اما، از آنجا که تبیین همه وظایفی که شیعیان در عصر غیبت بر عهده دارند در این محدوده نمی‌گنجد، به تعدادی از مهم‌ترین این وظایف اشاره می‌کنیم:

۴-۱. شناخت حجت خدا و امام عصر (عج)

اولین و مهم‌ترین وظیفه‌ای که هر شیعه منتظر بر عهده دارد کسب معرفت نسبت به وجود مقدس امام و حجت زمان خویش است. این موضوع تا بدان درجه از

۱. ر.ک: میرزا محمد تقی الموسوی الاصفهانی، *مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم*، ج ۲، ص ۱۰۴ به بعد.

اهمیت قرار دارد که در روایات بسیاری که به طریق شیعه و اهل سنت از پیامبر گرامی اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده، آمده است:

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.^۱

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است.

و در روایت دیگری که مرحوم الكلینی از امام محمد باقر علیهما السلام نقل می‌کند آمده است:

مَنْ مَاتَ وَلَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتَتُهُ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، وَمَنْ مَاتَ وَهُوَ غَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ، تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ، وَمَنْ مَاتَ وَهُوَ غَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي قُسْطَاطِهِ.^۲

هر کس در حالی که امامی نداشته باشد بمیرد، مردنش مردن جاهلیت است و هر آنکه در حال شناختن امامش بمیرد پیش افتادن و یا تأخیر این امر [دولت آل محمد ﷺ] او را زیان نرساند و هر کس بمیرد در حالی که امامش را شناخته همچون کسی است که در خیمه قائم [علیه السلام] با آن حضرت باشد.

امام حسین علیهما السلام نیز درباره معرفت امام می‌فرمایند:

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ، جَلَّ ذِكْرُهُ، مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ فَإِذَا عَبْدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنِ عِبَادَةِ مَا سِوَاهُ، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ بِأَبِي وَ أَنْتَ وَ أُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامُهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ.^۳

۱. محمد باقر المجلسی، همان، ج ۸، ص ۳۶۸ و ج ۳۲، ص ۳۲۱ و ۳۲۳؛ همچنین ر.ک: حافظ سلیمان بن

ابراهیم القندوزی، منابع المودة، ج ۳، ص ۲۷۲.

۲. محمد بن یعقوب الكلینی، همان، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۵.

۳. فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیهما السلام، صص ۶۰۴-۶۰۵.

هان ای مردم! همانا خداوند - بزرگ باد یاد او - بندگان را نیافرید مگر برای این که او را بشناسند. پس هرگاه او را بشناسند او را بپرستند و هرگاه او را بپرستند، با پرستش او از بندگی هر آنچه جز خداست بی نیاز گردند. مردی سؤال کرد: ای فرزند رسول خدا، پدر و مادرم فدایت، معرفت خدا چیست؟ حضرت فرمود: این است که اهل هر زمانی، امامی را که باید از او فرمان برند، بشناسند.

آری، فلسفه آفرینش انسان، رسیدن به مقام معرفت خداست. اما این معرفت حاصل نمی شود مگر به معرفت امام و حجت عصر علیه السلام؛ چرا که امام آینه تمام نمای حق و واسطه شناخت خداست. چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

... نَحْنُ الْعَالِمُونَ (الْقَائِمُونَ) بِأَمْرِهِ وَالِدَاعُونَ إِلَى سَبِيلِهِ، بِنَا عُرِفَ اللَّهُ وَبِنَا عُبِدَ اللَّهُ، نَحْنُ الْأَدِلَّةُ عَلَى اللَّهِ وَلَوْلَا مَا عُبِدَ اللَّهُ.^۱

ما دانایان (برپا دارندگان) به امر خدا و دعوت کنندگان به راه او هستیم. به واسطه ما خدا شناخته و پرستیده می شود. ما راهنمایان به سوی خدا هستیم و اگر ما نبودیم خدا پرستیده نمی شد.

توجه به مفاد دعاهایی که خواندن آن ها در عصر غیبت مورد تأکید قرار گرفته است، نیز ما را به اهمیت موضوع شناخت حجت خدا رهنمون می سازد؛ چنانکه در یکی از دعاهای معروف و معتبری که شیخ صدوق آن را در کتاب کمال الدین نقل کرده، می خوانیم:

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَبِيَّكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَبِيَّكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ

۱. محمد باقر المجلسی، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۶۰، ج ۳۸، همچنین رک: همان، ص ۲۴۷، ج ۱۴.

لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي. اللَّهُمَّ لَا تُمِثْنِي مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي
بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي...^۱

بار الها! خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من شناسانی پیغمبرت
را نخواهم شناخت. بار الها! پیغمبرت را به من بشناسان که اگر پیغمبرت را به
من شناسانی حجت تو را نخواهم شناخت. بار الها! حجت خود را به من
بشناسان که اگر حجتت را به من شناسانی از دینم گمراه می‌گردم. خداوند!
مرا به مرگ جاهلیت نمیران و دلم را [از حق] پس از آنکه هدایت فرمودی
منحرف مگردان...

امام صادق (علیه السلام) در مورد کمترین حد معرفت امام می‌فرماید:
أَدْنَى مَعْرِفَةِ الْإِمَامِ أَنَّهُ عَدْلُ النَّبِيِّ إِلَّا دَرَجَةُ النَّبُوَّةِ وَوَارِثُهُ وَأَنَّ طَاعَتَهُ طَاعَةُ اللَّهِ
و طَاعَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَالتَّسْلِيمُ لَهُ فِي كُلِّ أَمْرٍ وَالرَّدُّ إِلَيْهِ وَالْأَخْذُ بِقَوْلِهِ.
کمترین حد معرفت به امام آن است که [بدانی] امام مساوی با پیامبر،
صلی الله علیه و آله، است مگر در درجه نبوت. امام، وارث پیامبر است و همانا
اطاعت از او اطاعت از خدا و رسول خداست و باید در هر امری تسلیم او بود
و به سخن و فرمان او عمل کرد...^۲

مؤلف کتاب ارزشمند مکمال المکارم مراد و مقصود از «معرفت امام» را، که در
روایت‌های یادشده بر آن‌ها تأکید شده است، چنین توضیح می‌دهند:
بدون تردید مقصود از شناختی که امامان ما - که درووها و سلام‌های خداوند
برایشان باد - تحصیل آن را نسبت به امام زمانمان امر فرموده‌اند، این است که
ما آن حضرت را آنچنانکه هست بشناسیم؛ به گونه‌ای که این شناخت سبب

۱. ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق)، همان، ج ۲، ص ۵۱۲.

۲. السید هاشم الحسینی البهرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۴، ح ۳.

در امان ماندن ما از شبهه‌های ملحدان و مایه نجاتمان از اعمال گمراه کننده مدعیان دروغین باشد، و این چنین شناختی جز به دو امر حاصل نمی‌گردد: اول، شناختن شخص امام علیه السلام به نام و نسب، و دوم، شناخت صفات و ویژگی‌های او و به دست آوردن این دو شناخت از اهم واجبات است.^۱

البته امر دومی که در کلام یادشده بدان اشاره شده، در عصر ما از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و در واقع این نوع شناخت است که می‌تواند در زندگی فردی و اجتماعی منتظران منشأ اثر و تحول باشد؛ زیرا اگر کسی بحقیقت به صفات و ویژگی‌های امام عصر علیه السلام و نقش و جایگاه آن حضرت در عالم هستی و فقر و نیاز خود نسبت به او واقف شود، هرگز از یاد و نام آن حضرت غافل نمی‌شود.

نکته‌ای که در اینجا باید در نظر داشت این است که شناخت امام زمان علیه السلام از شناخت دیگر امامان معصوم علیهم السلام جدا نیست و اگر کسی به طور کلی به شأن و جایگاه ائمه هدی واقف شد، صفات و ویژگی‌های آن‌ها را شناخت و به مسئولیت خود در برابر آن‌ها پی برد، قطعاً نسبت به امام عصر علیه السلام نیز به شناختی شایسته می‌رسد.

بهترین راه برای پی بردن به مراتب و مقامات بلند امامان معصوم شیعه به طور کلی و امام عصر علیه السلام به طور خاص، مطالعه و تأمل در کتاب‌هایی است که در این زمینه نگاشته شده است که از جمله می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:

۱. الکافی، محمد بن یعقوب الکلینی (ج ۱، کتاب الحجۃ)، تهران، دارالکتب

الاسلامیه، ۱۳۶۵.

۱. میرزا محمد تقی الموسوی الإصفهانی، همان، ج ۲، ص ۱۰۷.

۲. معرفت حجت خدا (شرح دعای اَللّهُمَّ عَرَفْنِیْ نَفْسِکَ)، لطف‌الله الصّافی
الگلپایگانی، چاپ اول: قم، حضرت معصومه، ۱۳۷۵.
۳. معرفت امام عصر علیه السلام، سید محمد بنی‌هاشمی، چاپ اول: تهران،
نیک‌معارف، ۱۳۷۵.

۴. ولایت کلیه، سید حسن میرجهانی طباطبائی، تحقیق و تصحیح سید محمد
لولاکی، چاپ اول: قم، الهادی، ۱۳۸۲.
- خواندن زیارت «جامعه کبیره» و تأمل و تدبّر در اوصافی که در این زیارت
برای ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده نیز در حصول معرفت نسبت به مقام و جایگاه
امام در عالم هستی بسیار مؤثر است.

البته باید توجه داشت که شناخت و معرفت حقیقی نسبت به حجت خدا تنها
با مطالعه کتاب حاصل نمی‌شود و در این راه باید از عنایات حضرت حق نیز مدد
جویم و - همچنانکه در دعایی که پیش از این بدان اشاره کردیم، ملاحظه شد
- از درگاه الهی نیز توفیق شناخت حجتش را درخواست کنیم، تا بدین وسیله
از گمراهی و سرگردانی نجات یابیم. این موضوع را از روایتی که مرحوم
الکلینی از «محمد بن حکیم» نقل کرده، می‌توان استفاده کرد. در این روایت
آمده است:

قُلْتُ: لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْمَعْرِفَةُ مِنْ صُنْعٍ مِنْ هِيَ؟ قَالَ: مِنْ صُنْعِ اللَّهِ، لَيْسَ
لِلْعِبَادِ فِيهَا صُنْعٌ.^۱

از ابی عبدالله (امام جعفر صادق علیه السلام) پرسیدم: معرفت ساخته کیست؟ فرمود:
از ساخته‌های خداوند است و برای بندگان نقشی در حصول معرفت نیست.

۱. محمد بن یعقوب الکلیشی، همان، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۱.

شاید بتوان گفت که شناخت نشانه‌ها و علائم ظهور نیز یکی از فروع شناخت امام عصر علیه السلام است؛ زیرا شناخت دقیق نشانه‌ها و علائم ظهور موجب می‌گردد که انسان فریب مدعیان دروغین مهدویت را نخورد و در دام شیادانی که ادعای «مهدی» بودن دارند نیفتد.

توضیح اینکه برای ظهور منجی آخرالزمان نشانه‌ها و علائم حتمی و تردیدناپذیری برشمرده شده که با مشاهده آن‌ها می‌توان به حقانیت آن منجی و اینکه او واقعاً همان امام منتظر، یعنی امام مهدی علیه السلام است پی برد. بنابراین بر همه منتظران لازم است که پس از شناخت کامل امام عصر علیه السلام به مطالعه و شناسایی علائم و نشانه‌های ظهور نیز بپردازند.

برای آشنایی با نشانه‌های ظهور می‌توان به کتاب‌های زیر مراجعه کرد:

۱. **توابع الدهور فی علائم الظهور**، سید حسن میرجهانی، دو جلد در چهار مجلد، کتابخانه صدر، ۱۳۶۹.
۲. **عصر ظهور**، ترجمه کتاب **عصر الظهور**، علی کورانی، مترجم عباس جلالی، چاپ پنجم: تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.
۳. **روزگار‌هایی (یوم الخلاص)**، کامل سلیمان، ترجمه علی اکبر مهدی‌پور، ۲ جلد، ترجمه علی اکبر مهدی‌پور، چاپ سوم: تهران، آفاق ۱۳۷۶.
۴. **نشانه‌های ظهور او**، محمد خادمی شیرازی، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۸.^۱

۱. محمد برای آشنایی بیشتر با منابع مطالعاتی موضوع نشانه‌های ظهور رک: پیشگویی‌ها و آخرالزمان: مجموعه مقالات، گردآوری واحد پژوهش و تحقیق مؤسسه فرهنگی موعود، مقاله «آخرالزمان‌شناسی در آثار اسلامی»، ابراهیم شفیعی سروستانی، چاپ سوم: تهران، موعود عصر علیه السلام، ۱۳۸۳.

۴-۲. پیراستگی از بدی‌ها و آراستگی به خوبی‌ها

وظیفه مهم دیگری که هر شیعه منتظر بر عهده دارد پیراستن خود از خصایص ناپسند و آراستن خود به اخلاق نیکو است، چنانکه در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده، آمده است:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ، فَلْيَنْتَظِرْ، وَلْيَعْمَلْ بِالزُّورِ وَ مَخَاسِنِ الْأَخْلَاقِ، وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ...^۱

هر کس دوست می‌دارد از یاران حضرت قائم علیه السلام باشد باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید، در حالی که منتظر است. امام عصر علیه السلام نیز با توجه به ناگهانی بودن امر ظهور همه شیعیان را در زمان غیبت به انجام اعمال پسندیده و دوری از اعمال ناپسند فراخوانده، می‌فرماید:

فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ لِيَجْتَنِبَ (لِيَجْتَنِبَ) مَا يُدْنِيهِ مِنْ كَرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا، فَإِنْ أَمَرْنَا بِفَعْلَةٍ فُجَاءَةٍ حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَ لَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدَمٌ عَلَى حَوْبَةٍ.^۲

پس هر یک از شما باید آنچه را که موجب دوستی ما می‌شود، پیشه خود سازد و از هر آنچه موجب خشم و ناخشنودی ما می‌گردد، دوری گزیند؛ زیرا فرمان ما به یکباره و ناگهانی فرامی‌رسد و در آن زمان توبه و بازگشت برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کیفر ما نجات نمی‌بخشد.

موضوع تهذیب نفس و دوری گزیدن از گناهان و اعمال ناشایست، به عنوان یکی از وظایف منتظران در عصر غیبت، از چنان اهمیتی برخوردار است که در

۱. محمد بن ابراهیم النعمانی، همان، ص ۲۰۰، ح ۱۶.

۲. احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، الإحتجاج، ج ۲، ص ۵۹۹؛ محمد باقر المجلسی، همان، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

توقیع^۱ شریفی که از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الامر به مرحوم شیخ مفید، رضی الله عنه، صادر گردیده، اعمال ناشایست و گناهانی که از شیعیان آن حضرت سر می‌زند، یکی از اسباب و یا تنها سبب طولانی شدن غیبت و دوری شیعیان از لقای آن بدر منیر شمرده شده است:

... فَمَا يَخِشُّنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ، وَلَا تُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ.^۲

... پس تنها چیزی که ما را از آنان (شیعیان) پوشیده می‌دارد، همانا چیزهای ناخوشایندی است که از ایشان به ما می‌رسد و خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نمی‌رود.

باید توجه داشت که ما تنها زمانی می‌توانیم خود را منتظر امام عدالت‌گستر و پیرو او بدانیم که در زندگی فردی و اجتماعی خود، راه و روش مورد نظر او را اجرا کنیم. چنانکه در نامه امیرالمؤمنین علی (ع) خطاب به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره آمده است:

أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَيَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ، أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرْنِهِ وَمِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ. أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ، وَ لَكِنْ أَعْيُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ، وَ عِفَّةٍ وَ سَدَادٍ...^۳

۱. «توقیع» در لغت به معنای نشان گذاشتن، امضاء کردن حاکم بر نامه و فرمان، جواب مختصر که کاتب در نوشته به پرسش‌ها می‌دهد، دستخط فرمانروا و نوشتن عبارتی در ذیل مراسله آمده است. و در اصطلاح علم حدیث به معنای پاسخ پرسش‌ها، یا اطلاعیه‌هایی است که به صورت کتبی از طرف امام برای آگاهی شیعیان فرستاده شده است. چنانکه توقیعاتی از حضرت امام علی النقی و امام حسن عسکری (علیه السلام) نقل شده است. اما معمولاً توقیع به نامه‌های حضرت حجة بن الحسن امام زمان، عجل الله تعالی فرجه، گفته می‌شود که توسط چهار تن نابینا خاص ایشان در زمان غیبت صغری به دست شیعیان می‌رسیده است. (ر.ک: زکینی، محمد مهدی، نشانی از امام غایب، عجل الله تعالی فرجه، بازنگری و تحلیل توقیعات).

۲. محمد باقر المجلسی، همان، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

۳. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، نامه ۴۵، ص ۳۱۷.

آگاه باش که هر پیروی را پیشوایی است که پی وی را پوید و از نور دانش او
روشنی جوید، بدان که پیشوای شما بسته کرده است از دنیای خود به دو
جامه فرسوده و دو قرصه نان را خوردنی خویش نموده. بدانید که شما چنین
نتوانید کرد. لیکن مرا یاری کنید به پارسایی و کوشیدن و پاکدامنی و درستی
ورزیدن.

در اینجا ممکن است پرسیده شود: از کجا می توان فهمید که امام زمان علیه السلام از ما
چه می خواهند و چه کاری را می پسندند؟

در پاسخ این پرسش لازم است که دو نکته را یادآور شویم:

۱. امام زمان علیه السلام ادامه دهنده راه پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام است: از آنجا که به
اعتقاد ما همه امامان معصوم علیهم السلام مفسران کتاب خدا و بیان کنندگان سنت رسول
خدا صلی الله علیه و آله هستند، رضایت و خشنودی امام زمان علیه السلام در چیزی جز آنچه که در کتاب
خدا آمده یا در کلمات رسول خدا صلی الله علیه و آله و دیگر امامان معصوم علیهم السلام به آن اشاره شده
نیست. به بیان دیگر اگر کسی به همه تکالیف و وظایفی که در قرآن و روایات
معصومین علیهم السلام به آن ها امر شده عمل کند و از همه محرمات و گناهانی که در این
دو منبع الهی از آن ها نهی شده، دوری جوید خواهد توانست که رضایت امام
عصر علیه السلام را چنان که باید و شاید به دست آورد. بنابراین هیچ لزومی ندارد که ما
حتماً از زبان امام زمان علیه السلام بشنویم که ایشان از چه رفتار و گفتاری خشنود و از چه
رفتار و گفتاری ناخشنود می شوند بلکه چنانکه پیش از این نیز گفته شد ما
می توانیم با مراجعه به دعایی مانند «دعای مکارم الاخلاق» - که از امام سجاده علیه السلام
نقل شده - نیز به خصال و ویژگی هایی که امام زمان علیه السلام از ما انتظار دارند واقف
شویم.

۲. امام زمان علیه السلام به عوامل خرسندی و ناخرسندی خود اشاره کرده‌اند؛ در احادیث، زیارت‌ها و دعا‌هایی که در طول دوران غیبت صغری و پس از آن به صورت توقیع یا به صورت‌های دیگر از امام مهدی علیه السلام برای ما به یادگار مانده است به صراحت تمام آنچه که موجب خرسندی یا ناخرسندی آن حضرت می‌گردد بیان شده و چگونه عمل کردن، چگونه سخن گفتن و چگونه اندیشیدن به ما آموخته شده است. از این رو با مراجعه به مجموعه ارزشمند یادگارهای آن حضرت و تأمل و تدبیر در آن‌ها می‌توان به راحتی هدایت را از گمراهی و صراط مستقیم را از کژراهه‌ها باز شناخت.

گفتنی است که مجموعه سخنان و رهنمودهای امام عصر علیه السلام توسط برخی نویسندگان جمع‌آوری و در قالب کتاب منتشر شده است که از آن جمله می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد:

۱. مجموعه سخنان، توقیعات و ادعیه حضرت بقیه الله علیه السلام محمد خادمی شیرازی، چاپ دوم: قم، رسالت، ۱۳۷۷.

۲. کلمة الإمام المهدی علیه السلام سید حسن شیرازی، مترجم سید حسن افتخارزاده سبزواری، چاپ اول: تهران، آفاق، ۱۴۰۷ ق.

۳. المختار من کلمات الإمام المهدی علیه السلام ۳ ج، محمد الغروی، چاپ اول: قم، مؤلف، ۱۴۱۴ ق.

برای روشن‌تر شدن موضوع، خوب است که نگاهی داشته باشیم به یکی از این یادگارهای گرانقدر امام عصر علیه السلام؛ یعنی دعای معروفی که با جمله «اللهم ارزقنا توفیق الطاعة...» شروع می‌شود و در اوایل مفاتیح الجنان نیز آمده است.

در این دعای کوتاه و مختصر، امام مهدی علیه السلام همه آنچه را که شایسته است ما خود را بدانها آراسته یا از آن‌ها پیراسته سازیم در قالب درخواست از خدا بیان

کرده و به صورت غیر مستقیم به ما فهمانده‌اند که به عنوان حجت خدا، چه انتظاری از ما دارند و چگونه شیعه‌ای را برای خود می‌پسندند. با هم قسمت‌هایی از این دعا را می‌خوانیم:

اَللّٰهُمَّ اَرْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بَعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَ صِدْقَ النِّيَّةِ وَ عِزَّ اَنْ اَلْحُرْمَةِ وَ اَكْرَمْنَا بِالْهُدٰى وَ الْاِسْتِقَامَةِ وَ سَدِّ اَلْسِنَتِنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةِ وَ اَمَلْنَا قُلُوْبِنَا بِالْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ وَ طَهَّرْ بَطُوْنَنَا عَنِ الْحَرَامِ وَ الشُّبْهَةِ وَ اكْفُفْ اَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَ السَّرَقَةِ وَ اغْضُضْ اَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُوْرِ وَ الْخِيَانَةِ وَ اَسْمَعْنا عَنِ اللُّغْوِ وَ الْغِيْبَةِ.^۱

بار خدا یا! توفیق فرمانبرداری، دوری از گناهان، درستی و پاکی نیت و شناخت حرام‌ها را، روزی ما فرمای. و ما را به راهنمایی و پایداری گرامی دار و زبان ما را در درست‌گویی و گفتار حکیمانه استوار ساز و دل ما را از دانش و معرفت سرشار کن و درون ما را از حرام و مال شبهه ناک پاکیزه گردان و دست ما را از ستمگری و دزدی بازدار و چشم ما را از فجور و خیانت پویشان و گوش ما را از شنیدن سخن بیهوده و غیبت بربند و...

در ادامه این دعا، امام عصر علیه السلام صفات و ویژگی‌هایی را که شایسته عالمان، دانش‌پژوهان، پیران، جوانان، زنان، توانگران، تنگدستان، جنگ‌جویان، حکمرانان و... است برمی‌شمارند و از خداوند می‌خواهند که به هر یک از این گروه‌ها و اقشار اجتماعی صفات و ویژگی‌هایی را که شایسته آن‌هاست عطا فرماید. بیایید یک‌بار این دعا را با دید کسی که می‌خواهد بداند امامش از او چه انتظاری دارد مرور کنید تا ببینید آیا می‌توانید با استفاده از این دعا بفهمید که امام عصر علیه السلام به طور خاص از شما چه توقع و انتظاری دارند؟!

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای امام زمان علیه السلام.

۴-۳. پیوند با مقام ولایت

حفظ و تقویت پیوند قلبی با امام عصر علیه السلام و تجدید دایمی عهد و پیمان با آن حضرت یکی دیگر از وظایف مهمی است که هر شیعه منتظر در عصر غیبت بر عهده دارد. بدین معنا که یک منتظر واقعی حضرت حجت علیه السلام با وجود غیبت ظاهری آن حجت الهی هرگز نباید احساس کند که در جامعه رها و بی مسئولیت رها شده و هیچ تکلیفی نسبت به امام و مقتدای خود ندارد.

این موضوع در روایات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است که در این مجال به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

در روایتی که از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده آن حضرت در تفسیر این کلام خدای تعالی:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکیا باشید و دیگران را به شکیایی فرا خوانید و مراقب و مواظب باشید و از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید.

می‌فرمایند:

إِصْبِرُوا عَلَىٰ آدَاءِ الْفَرَائِضِ وَصَابِرُوا عَدُوَّكُمْ وَرَابِطُوا إِمَامَكُمْ [الْمُنْتَظَرُ].^۲

بر انجام واجبات صبر کنید و با دشمنان پایداری کنید، و پیوند خود را با امام منتظران مستحکم نمایید.

۱. سوره آل عمران (۳)، آیه ۲۰۰.

۲. محمد بن ابراهیم النعمانی، همان، ص ۱۹۹؛ همچنین ر.ک: السیدهاشم الحسینی البخرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۴.

همچنین امام صادق علیه السلام در روایت دیگری که در تفسیر آیه مزبور وارد شده می‌فرمایند:

إِصْبِرُوا عَلَى الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عَلَى الْمَصَائِبِ وَ رَابِطُوا عَلَى الْأَيْمَةِ.^۱

بر واجبات صبر کنید و یکدیگر را بر مصایب به صبر وادارید و خود را بر

پیوند با امامان [و یاری آنها] ملتمز سازید.

روایات دیگری نیز به همین مضمون از امام جعفر صادق و امام موسی کاظم، علیهما السلام، وارد شده است که به جهت رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.^۲

این‌که می‌بینیم در روایت‌های متعددی، امامان ما شیعیان خود را به تجدید عهد و بیعت با امام زمان خود سفارش کرده و از آنها خواسته‌اند که در آغاز هر روز و حتی بعد از هر نماز واجب، دعای عهد بخوانند، همه نشان از اهمیت پیوند دائمی شیعیان با مقام عظمای ولایت و حجت خدا دارد.

یکی از مشهورترین دعا‌های عهد، دعایی است که مرحوم سید بن طاووس آن را در کتاب ارزشمند مصباح الزائر به نقل از امام صادق علیه السلام روایت کرده و در ابتدای آن آمده است که:

مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِهَذَا الْعَهْدِ كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا، فَإِنْ مَاتَ قَبْلَهُ أَخْرَجَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ قَبْرِهِ، وَأَعْطَاهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ.^۳

۱. السید هاشم الحسینی البحرانی، همان، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۲.

۲. ر.ک: همان.

۳. ابن طاووس، علی بن موسی، مصباح الزائر، ص ۴۵۵؛ محمد باقر المجلسی، همان، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱.

هر کس چهل بامداد خدا را با این عهد بخواند، از یاوران قائم ما خواهد بود، پس اگر پیش از [ظهور] قائم از دنیا برود، خداوند تعالی او را از قبرش خارج می‌سازد [تا قائم را یاری دهد]. و خداوند به شماره هر کلمه [از آن] هزار حسنه به او عطا کند و هزار بدی را از او برطرف می‌سازد.

به دلیل اهمیت و اعتبار مضمون این دعای شریف در اینجا بخشی از آن را نقل

می‌کنیم:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُجَدُّ لَهٗ فِی صَبِيْحَةٍ یُّوْمِیْ هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ اَیَّامِ حَیَاتِیْ عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَیْعَةً لَهٗ فِی عُنُقِیْ لَا اَحُولُ عَنْهَا وَ لَا اُزُولُ اَبَدًا، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِیْ مِنْ اَنْصَارِهِ وَ اَعْوَانِهِ وَ الدَّائِمِیْنَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِیْنَ اِلَیْهِ فِی قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَ الْمُتَمَتِّلِیْنَ لِاَوَامِرِهِ وَ نَوَاهِیْهِ وَ الْمُحَامِلِیْنَ عَنْهُ وَ السَّابِقِیْنَ اِلَیْ اِرَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهَدِیْنَ بَیْنِ یَدَیْهِ.^۱

یار خدایا! من در بامداد این روز و تمام دوران زندگانی، عهد و عقد و بیعتی را که از آن حضرت برگردن دارم با او تجدید می‌کنم، که هرگز از آن عهد و بیعت برنگردم و بر آن پایدار بمانم. بار خدایا! مرا از انصار و یاران آن حضرت و از مدافعان [حریم مقدس] او، و شتابندگان در پی انجام مقاصد او و اطاعت‌کنندگان از دستورات و نواهی او و حمایت‌کنندگان از [وجود شریف] او و سبقت‌جویان به سوی خواسته او و شهید شدگان در حضور او قرار ده.

دقت در عبارت‌های بالا می‌تواند تصویری روشن از مفهوم عهد و پیمان با امام و حجت زمان به ما ارائه دهد؛ عهد و پیمانی ناگسستنی برای یاری و نصرت امام زمان خود و اطاعت مخلصانه و تا پای جان از اوامر و نواهی او.

آیا اگر هر شیعه منتظر در آغاز هر روز، با حضور و توجه، چنین عهد و پیمانی را با امام و مقتدای خود تجدید نماید، هرگز به رکود، ذلت و خواری و ظلم و بی‌عدالتی تن نخواهد داد؟

آیا هرگز حاضر خواهد شد که به رضای مولا و سرور خود بی‌اعتنایی کند و تن به گناه و معصیت دهد؟ مسلماً خیر. بدون هیچ تردیدی اگر در جامعه‌ای چنین فرهنگی حاکم شود و همه تنها در پی رضای امام زمان خود باشند، آن جامعه هرگز دچار بحران فرهنگی، از خودبیگانگی، یأس و نومیدی و انحطاط نخواهد شد. این نکته نیز مسلم است که اگر همه شیعیان با همدلی و همراهی دست بیعت و یاری به سوی مولا و سرور خود دراز کنند و بر نصرت او متفق شوند دیری نخواهد پایید که فرج مولایشان را درک خواهند کرد و برای همیشه از ظلم‌ها و ذلت‌ها رهایی خواهند یافت. چنانکه در توفیق شریفی که پیش از این نیز به بخشی از آن اشاره شد آمده است:

لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا، وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ، عَلَى إِجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا.^۱

اگر شیعیان ما، که خداوند آنان را در اطاعتش یاری دهد، در وفای پیمانی که از ایشان گرفته شده یکدل و مصمم باشند، نعمت لقای ما از آنان به تأخیر نمی‌افتد و سعادت دیدار ما برای آن‌ها با معرفت کامل و راستین نسبت به ما تعجیل می‌گردد.

شیعیان منتظر علاوه بر دعای عهد می‌توانند با بهره‌گیری از دعاها و زیارت‌های دیگری که مرتبط با امام عصر علیه السلام است، پیوند و ارتباط دائمی خود را با آن امام برقرار سازند که از آن جمله می‌توان به دعای ندبه، دعای فرج، دعای زمان غیبت، استغاثه به امام زمان علیه السلام زیارت آل یاسین، زیارت امام عصر در روز جمعه، نماز امام زمان و... اشاره کرد. دعا به امام زمان علیه السلام در قنوت و تعقیب نمازهای پنجگانه نیز می‌تواند در ایجاد ارتباط و انس بیشتر با آن حضرت مؤثر باشد. چشم‌انتظاران امام عصر علیه السلام همچنین می‌توانند با حضور در مساجد و مکان‌های مقدسی که منسوب به امام عصر علیه السلام است همچون مسجد جمکران در قم، مسجد سهله در نجف، سرداب مقدس سامرا و... پیوند خویش را با آن حضرت روز به روز مستحکم‌تر نمایند.

۴-۴. کسب آمادگی برای ظهور حجت حق

یکی دیگر از وظایفی، که به تصریح روایات، در دوران غیبت بر عهده شیعیان و منتظران فرج قائم آل محمد علیه السلام است کسب آمادگی‌های نظامی و مهیا کردن تسلیحات مناسب هر عصر برای یاری و نصرت امام غائب است. چنانکه در روایتی که النعمانی از امام صادق علیه السلام نقل کرده، آمده است:

لَيَعِدَنَّ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ علیه السلام وَلَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَبِيٍّ رَجَوْتُ لَأَنْ يَنْسِيَ فِي عُمْرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ [فَيَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ].^۱

هر یک از شما باید برای خروج حضرت قائم علیه السلام [سلاحی] مهیا کند. هر چند یک تیر باشد؛ خدای تعالی هر گاه بداند کسی چنین نیتی دارد امید آن

۱. محمد بن ابراهیم النعمانی، همان، ص ۳۲۰، ح ۱۰.

است که عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک کند [و از یاران و همراهانش قرار گیرد].

در روایت دیگری مرحوم الكلینی از امام ابوالحسن [موسی کاظم علیه السلام] نقل می‌کند که:

... مَنْ ارْتَبَطَ دَابَّةً مُتَوَقِّعًا بِهِ أَمْرُنَا وَ يَغِظُ بِهِ عَدُوَّنَا وَ هُوَ مَنُوبٌ إِلَيْنَا أَدَّرَ اللَّهُ رِزْقَهُ، وَ شَرَحَ صَدْرَهُ وَ بَلَّغَهُ أَمَلَهُ وَ كَانَ عَوْنًا عَلَيَّ خَوَائِجِهِ.^۱

... هر کس اسبی را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب آن دشمنان ما را خشمگین سازد، در حالی که او منسوب به ماست، خداوند روزیش را فراخ گرداند، به او شرح صدر عطا کند، او را به آرزویش برساند و در رسیدن به خواسته‌هایش یاری کند.

همچنین مرحوم الكلینی در الکافی از «ابو عبد الله جعفری» روایتی را نقل می‌کند که توجه به مفاد آن بسیار مفید است:

قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: كَمْ الرِّبَاطُ عِنْدَكُمْ؟ قُلْتُ: أَرْبَعُونَ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، لَكِنَّ رِبَاطَنَا الدَّهْرُ.^۲

حضرت ابو جعفر محمد بن علی (امام باقر) علیهما السلام، به من فرمودند: منتهای زمان مربوطه (مرز داری)^۳ نزد شما چند روز است؟ عرضه

۱. محمد بن یعقوب الكلینی، همان، ج ۶، ص ۵۳۵، ح ۱.

۲. همان، ج ۸، ص ۳۸۱، ح ۵۷۶.

۳. «مرباطه» چنانکه فقها در کتاب جهاد گفته‌اند، این است که شخص مؤمن برای جلوگیری از هجوم و نفوذ مشرکان و کافران در مرزهای کشور اسلامی و یا هر موضعی که از آن احتمال بروز حمله‌ای علیه مسلمانان می‌رود، به حال آماده باش و در کمین به سر برد. (ر. ک: محمد حسن النجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۳۹) این عمل در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام مستحب بوده و فضیلت‌های بسیاری برای آن بر شمرده شده است، چنانکه در روایتی که به طریق اهل سنت از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده آمده است:

داشتم: چهل روز فرمودند: ولی مرابطة ما مرابطة اى است که همیشه هست....

علامه المجلسى در شرح اين فرمايش امام عليه السلام مى فرمايد:

أَيُّ يَجِبُ عَلَى الشَّيْعَةِ أَنْ يَرْبِطُوا أَنْفُسَهُمْ عَلَى طَاعَةِ إِمَامِ الْحَقِّ، وَإِنْتَظَارِ فَرَجِهِ وَبَتَّيْنًا وَالتَّضَرُّعِ.^۱

بر شيعیان واجب است که خود را بر اطاعت امام بر حق و انتظار فرج او ملتزم سازند و برای یاری نمودنش مهیا باشند.

شیخ محمد حسن نجفی نیز در کتاب جواهر الکلام در شرح روایت مزبور مى فرمايد:

وَهُوَ مَحْمُولٌ عَلَى إِزَادَةِ تَرَقُّبِ الْفَرَجِ سَاعَةً بَعْدَ سَاعَةٍ كَمَا جَاءَتْ بِهِ التَّضَوُّصُ لَا الرِّبَاطُ الْمُضْطَلَحُ.^۲

مرابطه در این روایت به معنای اراده انتظار فرج در تمام ساعات شبانه روز است، همچنانکه در بعضی از روایات نیز به این معنا اشاره شده است، نه مرابطه مضطلع در فقه.

→ رِبَاطٌ يَوْمٌ وَلَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَ قِيَامِهِ، وَإِنْ مَاتَ مُرَاطِبًا جَزِيَ عَلَيْهِ عَمَلُهُ وَ أُجْرِي عَلَيْهِ رِزْقُهُ وَ أَمِنَ مِنَ الْفُتَانِ.

یک شبانه روز مرابطه (مرز داری) در راه خدا از اینکه شخص یک ماه روزها روزه باشد و شبها به عبادت قیام نماید ثوابش بیشتر است. پس هرگاه در این راه بپذیرد عملی که انجام می داده بر او جریان خواهد یافت، و روزیش بر او جاری خواهد شد و از فرشتهای که در قبر مرده ها را امتحان می کند ایمن خواهد ماند. (غلاء الدین علی المتقی الیرهان، کتزالعجبال فی سنن الأقوال والأفعال، ج ۴، ص ۲۸۴، ح ۱۰۵۰۹)

اما در مورد اینکه حداقل و حداکثر زمان مرابطه چه اندازه است باید گفت که: حداقل زمان مرابطه سه روز و حداکثر آن چهل روز است؛ زیرا اگر از این مقدار بیشتر شود دیگر بر آن صدق مرابطه نگردید و جهاد شمرده می شود و شخص هم از ثواب جهادکنندگان برخوردار نمی شود. (ر. ک: النجفی، محمد حسن، همان، ج ۲۱، ص ۴۱-۴۲).

۱. محمد باقر المجلسی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۶، ص ۵۸۲.

۲. محمد حسن النجفی، همان، ج ۲۱، ص ۴۳.

شاید بتوان گفت که کلام صاحب جواهر نیز در نهایت به همان کلام علامه المجلسی بر می‌گردد که فرمود: رابطه در روایت مزبور به معنای آمادگی و مهیا بودن برای یاری امام منتظر است.

رمز اینکه شیعه باید هر لحظه آماده یاری امام خود باشد این است که زمان ظهور برای ما مشخص نیست و هر آن که اراده خداوند تعلق گیرد ممکن است ظهور واقع شود. بنابراین شیعیان باید همواره در حال آماده‌باش به سر برند تا در موقع لزوم به فرمان امام خود برای مقابله با مستکبران و ظالمان جهان به پا خیزند. با نگاهی به تاریخ شیعه می‌توانیم به عمق باور مردم به موضوع ظهور و آمادگی همیشگی آن‌ها برای این موضوع پی ببریم. «ابن بطوطه» در سفرنامه خود می‌نویسد:

ندبه شیعیان جلّه برای امام زمان ... در نزدیکی بازار بزرگ شهر، مسجدی قرار دارد که بر در آن، پرده خریری آویزان است و آنجا را «مسجد صاحب الزمان» می‌خوانند. شب‌ها پیش از نماز عصر، صد مرد مسلح با شمشیرهای آخته ... اسبی یا استری زین‌کرده می‌گیرند و به سوی مسجد صاحب الزمان روانه می‌شوند. پیشاپیش این چارپا، طبل و شیپور و بوق زده می‌شود. سایر مردم در طرفین این دسته حرکت می‌کنند و چون به مسجد صاحب الزمان می‌رسند، در برابر در ایستاده و آواز می‌دهند که:

«بسم الله، ای صاحب الزمان، بسم الله بیرون آی که تباهی روی زمین را فرا گرفته و ستم فراوان گشته، وقت آن است که برآیی، تا خدا به وسیله تو حق را از باطل جدا گرداند ...» و به همین ترتیب به نواختن بوق و شیپور و طبل ادامه می‌دهند تا نماز مغرب فرا رسد...^۱

۱. ابن بطوطه، سفرنامه، ج ۱، ص ۲۷۲ به نقل از: محمد حکیمی، در فجر ساحل، ص ۵۵.

باید توجه داشت که نحوه آمادگی و مهیا بودن برای ظهور بستگی به شرایط زمان و مکان دارد و اگر در بعضی از روایات سخن از آماده کردن اسب و شمشیر برای ظهور ولی امر^(ع) به میان آمده، و برای آن فضیلت بسیار برشمرده شده است، به این معنا نیست که این‌ها موضوعیت دارند، بلکه با قدری تأمل روشن می‌شود که ذکر این موارد تنها به عنوان تمثیل و بیان لزوم آمادگی رزمی برای یاری آخرین حجت حق است و مسلماً در این عصر بر شیعیان لازم است که با فراگرفتن فنون رزمی و مسلح شدن به تجهیزات نظامی روز، خود را برای مقابله با دشمنان قائم آل محمد^(ع) آماده سازند. البته در حال حاضر به دلیل حاکمیت دولت شیعی و حکومت فقیه جامع‌الشرایط بر سرزمین اسلامی ایران این وظیفه در درجه اول بر عهده حکومت اسلامی است که در هر زمان قوای مسلح کشور را در بالاترین حد آمادگی نظامی قرار دهند تا به فضل خدا در هر لحظه که اراده الهی بر ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی، عجل الله تعالی فرجه، قرار گرفت بتوانند به بهترین نحو در خدمت آن حضرت باشند.

امام راحل، قدس سره، با وسعت دیدی که داشتند «کسب آمادگی برای ظهور» را بسیار فراتر از آنچه گفته شد مطرح می‌کردند و معتقد بودند که ما باید از هم‌اکنون برای گسترش قدرت اسلام در جهان تلاش کنیم تا زمینه ظهور چنانکه باید فراهم شود. ایشان در این زمینه می‌فرمودند:

همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور آن‌شاءالله تهیه شود.^۱

۱. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)، ج ۷، ص ۲۵۵.

۴-۵. ارتباط با فقها و مراجع تقلید

ما از یک سو می‌دانیم که در دوران غیبت هیچیک از احکام اسلام تعطیل نشده و باید تا آمدن امام عصر علیه السلام به همه آنچه اسلام از ما خواسته است عمل کنیم. و از سوی دیگر می‌دانیم که امکان دسترسی به امام معصوم علیه السلام و فراگرفتن مستقیم احکام دین از ایشان، برای ما وجود ندارد. حال در این شرایط چه باید کرد؟ آیا دست روی دست بگذاریم و به هیچیک از احکام اسلام عمل نکنیم یا به هر آنچه خود احتمال می‌دهیم درست باشد عمل کنیم؟ قطعاً هیچیک از این دو راه ما را به مقصود نمی‌رساند. اما آیا امامان معصوم علیهم السلام فکری برای شیعیان خود در زمان غیبت نکرده‌اند؟ در پاسخ این پرسش باید گفت که: ائمه علیهم السلام تکلیف ما را در زمان غیبت و عدم دسترسی به امام معصوم مشخص کرده و به ما امر فرموده‌اند که به فقهای جامع‌الشرایط مراجعه کنیم. چنانکه در روایتی که امام حسن عسکری علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند چنین می‌خوانیم:

فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ ضَائِباً لِنَفْسِهِ، خَافِظاً لِدِينِهِ، مُخَالِفاً عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعاً لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا كُلُّهُمْ.^۱
... اما هر یک از فقها که نفس خود را بازدارنده، دین خود را نگهدارنده، هوای خود را پس‌زننده و اوامر مولای خود را اطاعت‌کننده بود، بر عوام (مردم) لازم است که از او پیروی کنند و تنها بعضی از فقهای شیعه هستند که از این صفات برخوردارند نه همه آنها.

امام عصر علیه السلام نیز در یکی از توقیعات خود در پاسخ «اسحاق بن یعقوب» می‌فرماید:

۱. محمد بن الحسن الحر العاملی، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱۸، ص ۹۵، ح ۲۰.

وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَازْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثًا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.^۱

... و اما در رویدادهایی [که در آینده] پیش می آید به راویان حدیث ما

مراجعه کنید؛ زیرا آن ها حجت بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشان.

چنانکه می دانید در طول ۶۹ سال غیبت صغری؛ یعنی از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ ق.

چهار تن از بزرگان شیعه به عنوان «نواب خاص» واسطه بین امام مهدی علیه السلام و مردم بودند. آن ها پرسش های علما و بزرگان شیعه و حتی برخی از مردم معمولی را با آن حضرت مطرح می کردند و ایشان نیز پاسخ آن ها را می دادند. اما با پایان دوران غیبت صغری و آغاز دوران غیبت کبری دیگر کسی به عنوان نایب خاص معرفی نشد و مردم موظف شدند برای یافتن پاسخ پرسش های دینی خود به راویان احادیث اهل بیت علیهم السلام که همان فقهای جامع الشرایط بودند مراجعه کنند. از آن زمان به بعد فقها به عنوان نواب عام امام عصر علیه السلام مطرح شدند و رسالت هدایت شیعه را در عصر غیبت بر عهده گرفتند.

بنابراین بر همه منتظران امام عصر علیه السلام لازم است که بنا به فرموده امامان خود با

پیروی از فقها و مجتهدان واجد شرایط، اعمال دینی خود را انجام دهند.

در زمینه امور اجتماعی و سیاسی نیز وظیفه مردم اطاعت از فقیهی است که از

سوی بزرگان شیعه به عنوان «ولی فقیه» انتخاب شده است.

۴-۶. دعا برای تعجیل فرج

یکی از وظایف مهمی که بنا به تصریح حضرت صاحب الامر علیه السلام بر عهده همه منتظران گذاشته شده، دعا برای تعجیل فرج است.

۱. ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق)، همان، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

امام عصر علیه السلام در توقیعی که خطاب به «اسحاق بن یعقوب» صادر شده، می‌فرماید:

وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ.^۱

برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که فرج شما همان است.

امام حسن عسکری علیه السلام نیز دعا برای تعجیل فرج را شرط رهایی از فتنه‌های دوران غیبت دانسته، می‌فرماید:

وَاللَّهِ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهَ اللَّهُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَفَّقَهُ [فِيهَا] لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ.^۲

به خدا سوگند [او] غیبتی خواهد داشت که در آن تنها کسانی از هلاکت نجات می‌یابند که خداوند آن‌ها را بر قول به امامتش ثابت‌قدم داشته و در دعا برای تعجیل فرجش موفق کرده است.

دعا برای تعجیل فرج از چنان اهمیتی برخوردار است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَبَعْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ» لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُدْرِكَ الْقَائِمُ.^۳

هر کس بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: «خداوند! بر محمد و خاندان او درود فرست و در فرج ایشان تعجیل کن» نمیرد تا قائم [علیه السلام] را دریابد.

در روایت دیگری نیز آمده است که هر کس چنین کند خداوند شصت حاجت او را برآورده می‌سازد؛ سی حاجت از حوائج دنیا و سی حاجت از حوائج آخرت.^۴

۱. همان؛ ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی (شیخ طوسی)، کتاب الغیبة، ص ۱۷۶.

۲. ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق)، همان، ص ۳۸۴.

۳. ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی (شیخ طوسی)، مصباح‌المتجهّد، ص ۳۲۸.

۴. ابراهیم بن علی الکفعمی، المصباح، ص ۴۲۱.

بنابراین همه شیعیان باید در طول شبانه روز، در اوقات نماز و در همه ایامی که در آن‌ها دعا سفارش شده، دعا برای تعجیل فرج را به عنوان یک تکلیف و وظیفه مهم عصر غیبت فراموش نکنند. بلکه این دعا را بر همه دعا‌های خود مقدم کنند تا خداوند به برکت این دعا آن‌ها را از همه فتنه‌ها و آشوب‌های زمان غیبت در امان نگهدارد و همه گرفتاری‌ها و غم و غصه‌های آن‌ها را برطرف سازد.

۷-۴. بزرگداشت یاد و نام حضرت مهدی علیه السلام

مؤمنان باید نام همه معصومین علیهم السلام را بزرگ بدارند و جز با تعظیم و احترام از آن‌ها یاد نکنند. اما در این میان امام مهدی علیه السلام جایگاه و شأن ویژه‌ای دارند؛ زیرا:

۱. ایشان امام عصر و زمان ما و حجت حق و حاضر و ناظر خداوند هستند؛
۲. آن حضرت وارث همه فضایل و شایستگی‌هایی هستند که در خاندان رسالت وجود داشته است؛

۳. آن امام احیاکننده مکتب اهل بیت علیهم السلام بلکه احیاکننده دین و دین‌باوری در سراسر جهان هستند؛

۴. ایشان، در بین امامان پیش از خود نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند. تا آنجا که امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که از ایشان می‌پرسد: «آیا قائم علیه السلام متولد شده است» می‌فرماید:

لَا وَلَوْ أَذْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي.^۱

خیر، اما اگر او را دریابم در همه ایام زندگانی‌ام خدمتگزارش خواهم بود.

اما بزرگداشت یاد و نام امام مهدی علیه السلام مصادیق مختلفی دارد که ما در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. محمد بن ابراهیم النعمانی، همان، ص ۲۴۵، ح ۴۶.

۴-۷-۱. برپا‌خاستن به هنگام شنیدن نام‌های آن حضرت: بر همه ارادتمندان حضرت مهدی علیه السلام لازم است که به هنگام شنیدن نام‌ها و القاب آن حضرت، بویژه نام مبارک «قائم» از جا برخیزند و نسبت به امام خود ادای احترام کنند.

روایت شده است که روزی در مجلس حضرت صادق علیه السلام نام مبارک حضرت صاحب‌الامر علیه السلام برده شد، امام ششم به منظور تعظیم و احترام نام آن حضرت از جای خود برخاسته قیام فرمود.^۱

همچنین نقل شده است: زمانی که «دعبل خزاعی» قصیده معروف خود در وصف اهل بیت علیهم السلام را در پیشگاه امام رضا علیه السلام می‌خواند، آن امام با شنیدن نام حضرت حجت علیه السلام از جای برمی‌خیزد، دست خود را به نشانه تواضع بر سر می‌گذارد و برای تعجیل در فرج آن حضرت دعا می‌کند.^۲

برپا‌خاستن به هنگام شنیدن نام امام مهدی علیه السلام می‌تواند به معنای اعلام آمادگی برای یاری و نصرت آن حضرت و همچنین اعلام درک حضور و شهود آن حضرت باشد.

۴-۷-۲. نکوداشت روزهای منسوب به آن حضرت: شیعیان باید در روزهایی مانند اعیاد چهارگانه اسلامی (فطر، قربان، غدیر و جمعه)، شب و روز نیمه شعبان به طور ویژه به یاد امام غایب خود باشند و با خواندن زیارت آن حضرت و خواندن دعا‌هایی مانند دعای ندبه، عهد، فرج و... پیمان خود را با امامشان تجدید کنند.

۴-۷-۳. آغاز کردن هر روز با سلام به پیشگاه آن حضرت: مستظران امام مهدی علیه السلام باید که در آغاز هر روز و در تعقیب نماز صبح، سلام به مولای خود را

۱. میرزا حسین نوری، نجم‌الثاقب، ص ۵۲۳.

۲. لطف‌الله الصافی، الکلیپ‌گانی، منتخب‌الأثر فی الإمام الثانی عشر (علیه السلام)، ص ۵۰۶ و ۵۰۸.

فراموش نکنند و بسته به فرصت و وقتی که دارند با یکی از زیارت‌های وارد شده و یا دعای عهد به امام خود عرض ارادت کنند تا هرگز یاد و نام آن حضرت از دل‌هایشان زایل نگردد.

با توجه به آنچه گفته شد اگر بخواهیم مفهوم انتظار در مکتب تشیع را در چند جمله بیان کنیم می‌توانیم بگوییم که انتظار در مکتب تشیع حالت انسانی است که ضمن پیراستن وجود خویش از بدی‌ها و آراستن آن به خوبی‌ها، در ارتباطی مستمر با امام و حجت زمان خویش همه همت خود را صرف زمینه‌سازی ظهور مصلح آخر الزمان نموده و در جهت تحقق وعده الهی نسبت به برپایی دولت کریمه اهل بیت علیهم‌السلام با تمام وجود تلاش می‌کند.

نقش سازنده انتظار

انتظار منجی موعود از سویی عاملی برای پایداری و شکنجایی در برابر سختی‌ها و مشکلات عصر غیبت و از سویی دیگر عاملی برای پویایی، تحرک و آماده‌باش همیشگی شیعیان است. براساس تعالیم ائمه معصومین علیهم‌السلام منتظر باید هر لحظه آماده ظهور باشد و زندگی خود را چنان سامان دهد که هر زمان اراده خدا به ظهور تعلق گرفت بتواند با سربلندی در پیشگاه حجت خدا حاضر شود.

با توجه به این نگرش، انتظار نقشی سازنده در فرد و جامعه داشته و در صورت شناخت دقیق و درست آن می‌تواند مبنای نظری مستحکمی برای تحول مادی و معنوی جامعه اسلامی باشد.

برای روشن تر شدن نقش سازنده انتظار در فرد و جامعه، در اینجا از دو زاویه به تحلیل این موضوع می‌پردازیم: ۱. از زاویه مفهوم انتظار؛ ۲. از زاویه متعلق انتظار.

۵.۱. از زاویه مفهوم انتظار

برای درک درست نقش سازنده انتظار و امید به آینده در فرد و جامعه لازم است که ارکان و پایه‌های اساسی آن را بررسی کنیم.

هر کس با مراجعه به خود و بررسی مصادیق مختلف انتظار درمی‌یابد که این مفهوم سه پایه اساسی دارد:

۱. ناخوشنودی از وضع موجود یا قانع نبودن به آن؛

۲. امید و باور به آینده مطلوب؛

۳. تلاش در جهت تحقق آینده مطلوب.

بدون تردید، انتظار، چه در معنای عام و چه در معنای خاص آن، زمانی فعلیت می‌یابد که سه رکن یاد شده محقق شود. کسی که هیچ احساس ناخوشایندی نسبت به وضع موجود خود و شرایطی که در آن به سر می‌برد ندارد، یا آینده روشنی پیش روی خود نمی‌بیند و از باور درستی نسبت به امکان تغییر شرایط موجود برخوردار نیست، یا هیچ تلاشی در راه تحقق آینده‌ای که آن را مطلوب می‌داند و رسیدن به هدفی که چشم‌انتظار رسیدن آن است، نمی‌کند، هرگز نمی‌تواند در زمره منتظران باشد.

حال اگر بخواهیم با توجه به سه رکن اساسی انتظار، به تحلیل مفهومی انتظار ظهور امام مهدی عج بپردازیم و مشخص کنیم که چه زمانی می‌توان فردی را واقعاً منتظر ظهور دانست، باید به سه نکته اساسی اشاره کنیم:

۱. آگاهی نسبت به شرایط موجود و معرفت نسبت به شرایط عصر موعود؛

۲. باور به تحقق وعده الهی در مورد آینده جهان و حاکمیت نهایی دین خدا بر

سراسر زمین؛

۳. حرکت و تلاش در راه زمینه‌سازی و یا تحقق جامعه موعود.

نخستین شرط انتظار این است که انسان به آن حد از آگاهی و شناخت برسد که بفهمد وضع موجود جهان و مناسبات حاکم بر آن به هیچ وجه خشنود کننده نیست و شرایطی که در آن زندگی می‌کند تناسبی با عظمت و جودی انسان و شأن او ندارد. این شناخت تنها در صورتی حاصل می‌شود که آدمی ابتدا شرایط موجود جامعه خود و شرایط جامعه موعود را به درستی بشناسد و آنگاه به مقایسه آن‌ها پرداخته و به داوری بنشیند که واقعاً کدامیک از این شرایط، شایسته مقام انسان به عنوان اشرف مخلوقات است.

شرط دوم باور به سعادت‌مند شدن جهان و رستگاری بشر در پایان تاریخ است. باور به این حقیقت که جهان بالاخره طعم خوش حقیقت، عدالت و معنویت را خواهد چشید و ریشه هر چه دروغ، ستم، فساد و تباهی است از زمین برکنده خواهد شد.

بدون تردید تحقق شرایط یاد شده مستلزم تلاش فراگیر فردی و اجتماعی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است. تلاشی که اگر به واقع محقق شود، فرد و جامعه مصداق روایاتی خواهند شد که در آن‌ها منتظران ظهور را یا یاوران امام مهدی علیه السلام و حاضران در صحنه‌های نبرد عصر ظهور مقایسه کرده و اجر و ثواب و شأن و مرتبه آن‌ها را یکسان دانسته‌اند.

کلام خود را با ذکر روایتی از امام صادق علیه السلام به پایان می‌بریم؛ روایتی که با تأمل در آن می‌توان همه بایسته‌های انتظار فرج را دریافت:

إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ. ثُمَّ قَالَ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ، وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ، فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ، فَجِدُّوا وَانْتَظِرُوا، هُنِيئاً لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْخُومَةُ.^۱

۱. محمد بن ابراهیم النعمانی، همان، ص ۲۰۰، ج ۱۶؛ محمد باقر المجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰.

برای ما دولتی است که هر زمان خداوند بخواهد، آن را محقق می‌سازد. و آنگاه [امام] فرمود: هر کس دوست می‌دارد از یاران حضرت قائم، باشد باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید، در حالی که منتظر است، پس چنانچه بمیرد و پس از مردنش قائم، به پا خیزد، پاداش او همچون پاداش کسی خواهد بود که آن حضرت را درک کرده است، پس کوشش کنید و در انتظار بمانید، گوارا باد بر شما [این پاداش] ای گروه مشمول رحمت خداوند!

۵.۲. از زاویه متعلق انتظار

آنچه درباره نقش سازنده انتظار گفته شد تنها زمانی مفهوم خود را به درستی باز می‌یابد که بدانیم در مذهب شیعه «منجی موعود» تنها به عنوان انسان برتری که در آخرالزمان زمین را از عدالت پر می‌سازد و انسان‌های در بند راهایی می‌بخشد مطرح نیست؛ بلکه در این مذهب او به عنوان تداوم بخش رسالت انبیا، وارث اولیای الهی و در یک کلام «حجت خدا»^۱ بر روی زمین نیز مطرح است. حجتی که زنده، شاهد و ناظر بر اعمال آدمیان است و بنابراین نقش او در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها تنها به آخرالزمان و زمان ظهور منحصر نمی‌شود و وجود او در لحظه لحظه زندگی ساکنان زمین نقش دارد.

۱. «حجت» در لغت به معنای دلیل، پرهان و راهنماست. به عبارت دیگر «آنچه را که به آن دعوی یا مطلبی را ثابت کنند» حجت گویند. (ر.ک: احمد بن محمد الفیومی، المصباح المنیر، ص ۱۲۱؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۵۳؛ سعید الجوزی الشرتونی اللبانی، أقرب الموارد فی فصح العربیة والشوارد، ج ۱، ص ۱۶۴؛ خلیل جرج، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طبیبیان، ج ۱، ص ۸۰۸؛ حسین عمید، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۷۷۹). راغب اصفهانی نیز حجت را این گونه معنا کرده است: «راهنمایی آشکار به راه مستقیم و آنچه که به آن می‌توان به درستی یکی از دو تقیض پی برد» (ابوالقاسم الحسین بن محمد الراغب الاصفهانی، مفردات الفاظ القرآن فی غریب القرآن، ص ۱۰۷).

به اعتقاد شیعه حجت خداوند بر روی زمین از طرفی دلیل و راهنمای آشکار مردم به سوی صراط مستقیم و از طرف دیگر ملاک و معیاری است که انسان‌ها می‌توانند با رجوع به او میزان انطباق خود را با دین خدا بسنجند.

با توجه به این مفهوم آنکه در انتظار ظهور حجت است خود را مکلف می‌کند که تا همه مناسبات فردی و جمعی‌اش انعکاس انتظارش باشد؛ زیرا در غیر این صورت انتظار مفهوم خود را از دست می‌دهد و به لقلقه زبان تبدیل می‌شود. منتظر نمی‌داند حجت خدا کدامین روز می‌آید؛ اما می‌داند بایستی چنان زندگی کند که هر زمانی ایشان ظهور کرد اعمال و شیوه زندگی‌اش را بپذیرد.

به بیان دیگر تنها کسانی در زمان «ظهور» سربلندند که در زمان «غیبت» در جهت تأمین رضایت مولایشان تلاش کرده باشند.

این معنا را بصراحت می‌توان از قرآن و روایات استفاده کرد. در یکی از آیات قرآن کریم آمده است:

يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ.^۱

روزی که برخی نشانه‌های خدا آشکار شود، ایمان کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا به هنگام ایمان کار نیکی انجام نداده است، برای او سودی نخواهد داشت. بگو چشم به راه باشید، ما نیز چشم به راهیم.

در ذیل آیه یادشده، روایات متعددی به طریق شیعه و اهل سنت نقل شده که در آن‌ها «روزی که برخی نشانه‌های خدا آشکار شود» به زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام تفسیر شده است.^۲

۱. سورة انعام (۶)، آیه ۱۵۸.

۲. برک: السيد هاشم البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۲۱-۱۲۳؛ مؤسسه المعارف الاسلامیه، معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۱۰۰-۱۰۹.

از جمله در روایتی که از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه مزبور وارد شده، چنین آمده است:

الآيَاتُ هُمُ الْأَيُّمَةُ، وَالْآيَةُ الْمُنْتَظَرَةُ هُوَ الْقَائِمُ عليه السلام فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلِ قِيَامِهِ بِالسَّيْفِ وَإِنْ آمَنَتْ بِمَنْ تَقَدَّمَ مِنْ آبَائِهِ، عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.^۱

مراد از نشانه‌ها امامان هستند و آن نشانه‌ای که انتظار کشیده می‌شود، قائم علیه السلام است. در آن زمان ایمان کسی که پیش از قیام آن حضرت با شمشیر، ایمان نیاورده برای او سودی نخواهد داشت، اگرچه به پدران آن حضرت که پیش از او بودند، ایمان آورده باشد.

امام صادق علیه السلام در روایت دیگری آیه یادشده را چنین تفسیر می‌کنند:

يَعْنِي خُرُوجَ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ مَتَى ثُمَّ قَالَ عليه السلام يَا أَبَا بَصِيرٍ طُوبَى لَشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنْتَظَرِينَ لظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.^۲

[مراد از آن روز] زمان خروج قائم ماست که انتظارش کشیده می‌شود، آنگاه فرمود: ای ابابصیر! خوشا به حال پیروان قائم ما که در زمان غیبت او چشم به راه ظهور اویند و در زمان ظهورش او را پیروی می‌کنند. آن‌ها دوستان خدا هستند که نه بیمناک می‌شوند و نه اندوهگین می‌گردند.

در زیارت «آل یاسین» نیز که از ناحیه مقدسه امام عصر علیه السلام نقل شده، با اشاره به آیه مذکور، خطاب به ائمه معصومین علیهم السلام آمده است:

... وَأَنْ رَجَعْتُكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا.^۳

۱. ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق)، همان، ص ۱۸.

۲. همان، ص ۳۵۷، ح ۵۴. ۳. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان.

... رجعت شما [امامان] حق است و هیچ تردیدی در آن نیست، روزی که ایمان کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا به هنگام ایمان کار نیکی انجام نداده است، برای او سودی نخواهد داشت.

با توجه به این نکته که «رجعت» از رویدادهای مقارن با عصر ظهور امام مهدی علیه السلام است بروشنی می‌توان نتیجه گرفت که آیه یادشده نیز در زمان ظهور تحقق می‌یابد.

نکته‌ای که از آیه و روایات یادشده استفاده می‌شود این است که هر کس باید تا پیش از آشکار شدن حجت خداوند چنان زندگی کند و خود و جامعه‌اش را چنان بسازد که بتواند به هنگام ظهور در پیشگاه آن حضرت پاسخگو باشد؛ چرا که در آن روز دیگر توبه و پشیمانی سودی ندارد.

در روایتی که پیش از این از حضرت صاحب الامر علیه السلام نقل کردیم، دیدیم که آن حضرت همه شیعیان را دعوت می‌کنند که در زمان غیبت آنچه را که موجب دوستی و محبت ایشان می‌شود، پیشه خود سازند و از هر آنچه که موجب خشم و ناخشنودی ایشان می‌گردد، دوری گیرند؛ زیرا امر فرج به یکباره و ناگهانی فرا می‌رسد و در آن زمان توبه و بازگشت برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کفر ایشان نجات نمی‌بخشد.

با توجه به آنچه گفته شد در می‌یابیم که انتظار «حجت» انتظاری است زنده و پویا که در لحظه لحظه حیات آدمی جاری می‌شود و زندگی فردی و اجتماعی او را متحول می‌سازد. به بیان دیگر انتظار «حجت» تنها به زمان «آینده» مربوط نمی‌شود بلکه زمان «حال» را هم در بر می‌گیرد و می‌تواند منشأ تحولی اساسی در زندگی منتظر باشد.

فصل دوم

بایدها و نبایدهای ترویج انتظار

مقدمه

در چند سال گذشته شور و شوق ظهور منجی موعود در سراسر جهان و در میان همه اقوام، ملل و مذاهب رشدی شتابان داشته و مباحث مربوط به آخرالزمان شناسی و منجی گرایی با سرعتی باورنکردنی گسترش یافته است. پیروان اهل بیت علیهم السلام در سرزمین اسلامی ایران نیز به مدد انقاس قدسی حضرت بقیة الله الأعظم - ارواحنا له الفداء - توجه روزافزونی نسبت به موضوع مهدویت و انتظار پیدا کرده و عاشقان مهدی علیه السلام گوشه، گوشه این سرزمین را تبدیل به مجالس ذکر یاد و نام آن عزیز سفر کرده نموده اند.

امروزه در کشور ما کم تر مرکز علمی، آموزشی و فرهنگی دیده می شود که در آن محفل، انجمن، کانون، گروه یا نشریه ای با هدف تبلیغ و ترویج باور مهدوی و یا تحقیق و پژوهش در این زمینه شکل نگرفته باشد. اما حساسیت ها و ظرافت های باور مهدوی، از یک سو، و آسیب هایی که ممکن است در این میان از سوی دشمنان دانا یا دوستان نادان متوجه این باور شود، از سوی دیگر، ضرورت توجه به رسالت ها و وظایف مبلغان و مروّجان باور مهدوی را دو چندان ساخته است.

با توجه به آنچه گفته شد در این فصل تلاش شده که ضمن تبیین مهم‌ترین باید‌ها و نباید‌های ترویج فرهنگ انتظار و ارائه راهکارهایی برای تعمیق و گسترش هرچه بیشتر این‌گونه فعالیت‌ها، برخی از آسیب‌ها و آفت‌هایی که فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی در حوزه مباحث مهدوی را تهدید می‌کنند، نیز بررسی شود.

با امید به این‌که مورد توجه شما عزیزان واقع شود.

ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام

در فرهنگ اسلامی کسی که نقش دعوت کننده (داعی) مردم را به عهده می گیرد، رسالت و مسئولیت سنگینی دارد و لازم است خود بیش از هر کس دیگر به آنچه مردم را به آن فرا می خواند پای بند باشد؛^۱ زیرا سخن آنگاه بر دل می نشیند که از دل برآمده باشد و تنها سخنی از دل بر می آید که از مرحله ادای زبانی فراتر رفته و به عمق جان راه یافته باشد. روشن است که انسان تا چیزی را با همه وجود نپذیرد و در عمل بدان پای بند نباشد به عمق جانش راه نمی یابد.

با توجه به آنچه گفته شد کسی که می خواهد جامعه پیرامون خود را به سوی امام زمان علیه السلام فراخواند و آن ها را دعوت به توجه و انس و التفات بیش تر نسبت به

۱. با توجه به همین موضوع است که امام علی علیه السلام به نقل از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «إِنَّ أَشَدَّ أَهْلَ النَّارِ تَدَامَةً وَ حَسْرَةً رَجُلٌ دَعَا عَبْدًا إِلَى اللَّهِ فَاسْتَجَابَ لَهُ وَ قَبِلَ مِنْهُ فَأُطَاعَ اللَّهُ فَأُدْخِلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَ أَدْخَلَ الدَّاعِيَ النَّارَ بِتَرْكِهِ عِلْمَهُ وَ اتِّبَاعِهِ الْهَوَى وَ طَوْلِ الْأَمَلِ»؛ از میان اهل آتش کسی که پشیمانی و حسرت او از همه بیشتر است مردی است که بنده ای را به سوی خدا دعوت کرده و او هم دعوتش را پذیرفته و اطاعت خدا را پیش گرفته و خدا هم او را داخل بهشت کرده است اما آن دعوت کننده را به دلیل ترک علمش و پیروی از هوی و درازی آرزو داخل جهنم نموده است. (محمّد بن یعقوب الكلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۴، ح ۱).

آن حضرت کند، قطعاً باید خود پیش و پیش از دیگران با امام زمان علیه السلام رابطه معنوی برقرار کند و در زندگی فردی و اجتماعی خود یاد و نام آن حضرت را همواره در نظر داشته باشد.

افزون بر این، انس و ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام از جهت دیگری نیز برای مروجان و مبلغان فرهنگ مهدوی ضروری است و آن به دست آوردن پشتوانه لازم در فعالیت تبلیغی و ترویجی است. توضیح آنکه؛ به دلیل شرایط فرهنگی خاص حاکم بر برخی از محیط‌ها، فعالیت تبلیغی و ترویجی چندان ساده نیست و قطعاً مسائل و مشکلاتی را به همراه خواهد داشت؛ از این رو اگر مروج و مبلغ این فرهنگ از ظرفیت و تحمل بالایی برخوردار نباشد چه بسا که پس از مدتی دچار یأس و دل‌سردی شود. در این شرایط تنها چیزی که می‌تواند ظرفیت و تحمل لازم را به فعالان در این حوزه ببخشد و پشتوانه لازم را برای آن‌ها فراهم کند ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام است. در صورت وجود این ارتباط معنوی، ظرفیت و تحمل محدود ما در پیوند با ظرفیت و تحمل نامحدود آن امام وسعت و گسترش می‌یابد و توان تحمل سختی‌ها و مشکلات این راه را پیدا می‌کنیم.

در اینجا ممکن است پرسیده شود؛ چگونه می‌توان با امام مهدی علیه السلام رابطه معنوی برقرار کرد؟ در پاسخ باید گفت: این کار بسیار ساده است. البته به شرط آن‌که از همان ابتدا به دنبال دست یافتن به جایگاه‌های بسیار بالایی چون تشریف خدمت آن حضرت نباشید، بلکه قدم به قدم و به تدریج این رابطه معنوی را گسترش داده و تعمیق بخشید.

نخستین قدم‌ها برای ایجاد ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام می‌تواند با انجام یک یا چند مورد از کارهای زیر آغاز شود: خواندن دعای عهد در هر صبحگاه؛ عرض سلام خدمت آن حضرت در آغاز و پایان هر روز؛ خواندن زیارت آل یاسین یا

دعای ندبه در هر روز جمعه؛ دعا برای سلامتی آن حضرت در مواقعی چون قنوت نماز و تعقیب نمازهای روزانه؛ خواندن نماز امام زمان؛ توسل به آن حضرت در مواقع سختی و مشکلات و....

همانطور که گفته شد لازم نیست همه این کارها را به یکباره و همزمان آغاز کنید، یکی دو مورد از کارهای یادشده را انتخاب و سعی کنید به طور مرتب و مستمر آن را انجام دهید و به تدریج کارهای دیگر را نیز به برنامه خود اضافه کنید.

گفتنی است که کتاب‌ها و آثار مختلفی در زمینه وظایف و تکالیف منتظران و راه‌های افزایش انس و پیوند معنوی با امام عصر^{علیه السلام} تألیف شده که در اینجا به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی (تکالیف الأنام فی غیبة الإمام، علیه الصلوة والسلام)، دبیرالدین صدرالاسلام علی اکبر همدانی (در گذشته به سال ۱۳۲۶ ق.) چاپ اول: تهران، بدر، ۱۳۶۱.

در این کتاب پس از مقدمه مؤلف، تکالیف منتظران در زمان غیبت، در شصت عنوان مستقل مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم^{علیه السلام} سید محمد تقی موسوی اصفهانی (۱۳۴۸-۱۳۰۱ ق.)، ۲ ج، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، چاپ دوم: تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۴۱۲ ق.

گفتنی است که این کتاب در سال ۱۳۸۰ با اصلاحاتی از سوی انتشارات برگ شقایق به چاپ رسیده است.

۱. ترجمه نام کتاب چنین است: «پیمانه‌های خوبی‌ها، درباره فواید دعا برای قائم^{علیه السلام}».

مرحوم سید محمد تقی اصفهانی در مقدمه کتاب مکشال المکارم یادآور می‌شود که این کتاب را براساس سفارشی که امام مهدی علیه السلام در خواب به او نموده بود تألیف کرده است.

کتاب یادشده که یکی از منابع ارزشمند در زمینه شناخت ادعیه و زیارت‌های مرتبط با امام عصر علیه السلام و وظایف شیعیان در برابر آن حضرت است در پنج بخش، به شرح زیر سامان یافته است:

- ۲-۱. شناخت امام زمان علیه السلام واجب است؛
- ۲-۲. اثبات امامت حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام؛
- ۲-۳. در بیان قسمتی از حقوق و مراحم آن حضرت نسبت به ما؛
- ۲-۴. درجات و خصوصیات امام زمان علیه السلام که موجب دعا برای آن جناب می‌باشد؛
- ۲-۵. بیان نتایج خوب از دعا برای فرج؛
- ۲-۶. اوقات و حالات تأکید شده برای دعا؛
- ۲-۷. چگونگی دعا برای تعجیل فرج و ظهور امام؛
- ۲-۸. تکالیف عصر غیبت.

همچنین شما می‌توانید با بهره‌برداری از کتاب‌های زیر، بیش از پیش با دعاها، زیارت‌ها، نمازها و صلوات و توسلات مرتبط با امام عصر علیه السلام آشنا شوید:

۱. صحیفه المهدی، جواد قیومی اصفهانی، چاپ سوم: قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷.

۲. صحیفه مهدیه: مجموعه مهمی از نمازها، دعاها و زیارت‌هایی که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام صادر شده و یاس، سید مرتضی مجتهدی، ترجمه محمدحسین رحیمیان، چاپ سوم: قم، الماس، ۱۳۸۱.

۳. راز و نیاز منتظران: دعاها، زیارت‌ها و نمازهای ویژه حضرت صاحب‌الزمان، چاپ اول: تهران، موعود، ۱۳۸۰.

این نخستین قدم در راه ایجاد ارتباط معنوی با امام عصر علیه السلام است و قطعاً با مواظبت بر انجام کارهایی که از آنها یاد شد، رفته رفته روح انتظار در شما زنده‌تر شده، پیوند معنوی شما با امام مهدی علیه السلام مستحکم‌تر می‌شود و با آن حضرت انس و الفتی بیشتر پیدا می‌کنید. اما پس از این مرحله باید تلاش نمایید که حضور امام عصر علیه السلام را بیش از پیش در زندگی فردی و اجتماعی خود احساس کنید. احساس حضور امام به این است که شما آن حضرت را شاهد و ناظر بر رفتار، گفتار و پندار خود بدانید و هر آنچه را که خشنودی امام علیه السلام در آن است انجام دهید و از هر آنچه که موجب ناخشنودی آن امام می‌شود دوری گزینید. این حداقل وظیفه‌ای است که ما در برابر حجت خدا داریم و در روایتی که پیش از این بیان شد دیدیم که آن حضرت نیز به صراحت انجام این وظیفه را به عهده همه ما گذاشته‌اند.^۱

شناخت دیدگاه‌های موجود در زمینه باور مهدوی

براساس روایات قطعی و تردیدناپذیری که پیش از این از آن‌ها یاد شد بر هر مسلمانی واجب است که امام زمان خود را بشناسد.^۱ با توجه به این موضوع هر یک از ما وظیفه داریم که در حد توان، امام و حجت عصر خود؛ یعنی امام مهدی علیه السلام را - که دوازدهمین امام از سلسله امامان شیعه و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است - بشناسیم. قطعاً به همان میزان که ما امام زمان علیه السلام را بشناسیم به همان میزان هم از تیرگی، تباهی و گمراهی عصر جاهلی دور و به روشنائی، سعادت و رستگاری نزدیک می‌شویم.

نکته‌ای که در اینجا باید بدان توجه داشت این است که به دلیل گستردگی و ژرفای شخصیت امام مهدی علیه السلام و تأثیرات گوناگونی که این امام بر ابعاد مختلف حیات بشر دارند، در طول تاریخ دیدگاه‌های مختلفی در زمینه شناخت ایشان و

۱. ر.ک: همین کتاب، ص ۲۸ - ۲۶.

همچنین شناخت باور مهدوی و فرهنگ انتظار به وجود آمده که آشنایی با آنها برای مروجان و مبلغان فرهنگ مهدوی ضروری است. مهم‌ترین دیدگاه‌هایی که در اینجا می‌توان به آنها اشاره کرد عبارتند از:

۱. دیدگاه کلامی (اعتقادی) - تاریخی؛

۲. دیدگاه فرهنگی - اجتماعی؛

پیش از آن‌که به بررسی هر یک از دیدگاه‌ها بپردازیم، لازم است یادآوری کنیم که این دو دیدگاه، مکمل یکدیگرند و بدون شک نمی‌توان بدون شناخت درست کلامی - تاریخی از امام مهدی علیه السلام به شناخت فرهنگی - اجتماعی از آن حضرت دست یافت.

۲-۱. دیدگاه کلامی - تاریخی

در این دیدگاه به طور عمده دو بعد از ابعاد شخصیت و زندگانی امام مهدی علیه السلام مورد توجه قرار می‌گیرد: نخست این که آن حضرت، حجت خدا، تداوم بخش سلسله حجت‌های الهی و دوازدهمین امام معصوم از تبار امامان معصوم شیعه علیهم السلام است که در حال حاضر در غیبت به سر می‌برند؛ دوم این که ایشان شخصیتی است تاریخی که در مقطع زمانی معینی از پدر و مادر مشخصی به دنیا آمده، حوادث متعددی را پشت سر گذاشته، با انسان‌های مختلفی در ارتباط بوده و منشأ رویدادها و تحولات مختلفی در عصر غیبت صغرا بوده‌اند.

براین اساس در بیشتر کتاب‌هایی که با دیدگاه کلامی - تاریخی به بررسی شخصیت و ابعاد وجودی امام مهدی علیه السلام پرداخته‌اند با سرفصل‌های مشابهی روبرو می‌شویم که برخی از مهم‌ترین آنها به قرار زیر است:

۱. لزوم وجود حجت الهی در هر عصر؛

۲. اثبات ولادت؛

۳. دلایل امامت؛

۴. ویژگی‌های شخصی؛

۵. فلسفه غیبت؛

۶. نواب خاص؛

۷. راز طول عمر؛

۸. معجزات؛

۹. توقیعات (پیام‌ها)؛

۱۰. نشانه‌های ظهور آن حضرت و...

قطعاً پرداختن به همه کتاب‌هایی که از قرن‌ها پیش تا کنون یادیدگاه یادشده به رشته تحریر درآمده‌اند، در گنجایش این مقاله نیست، پس به ناچار تنها به ذکر عناوین، نویسندگان و سرفصل‌های برخی از مهم‌ترین این کتاب‌ها - که در واقع مصادر اصلی باور مهدوی شیعی به شمار می‌آیند - به ترتیب تاریخ بسنده می‌کنیم.

شایان ذکر است که برخی از این کتاب‌ها در زمره مجموعه کتاب‌های حدیثی یا تاریخی شیعه‌اند که بخشی از آن‌ها به بررسی ابعاد اعتقادی و تاریخی باور مهدوی اختصاص یافته است:

۱. الکافی، ابی جعفر محمد بن یعقوب الکلینی (درگذشته به سال ۳۲۸ یا ۳۲۹

ق)، ۸ ج، چاپ چهارم: تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

همانطور که می‌دانید کتاب الکافی جزء کتاب‌های چهارگانه (کتب اربعه) روایی شیعه است. این مجموعه ۸ جلدی در مجموع بین ۱۶ تا ۱۸ هزار روایت را در خود جمع کرده و شامل سه بخش کلی اصول (جلد ۱ و ۲)، فروع (جلد ۳-۷) و روضه (جلد ۸) است. «اصول کافی» در بر دارنده روایات اعتقادی، «فروع کافی»

در بردارنده روایات فقهی و عبادی و «روضه کافی» شامل روایات اخلاقی و موضوعات متفرق دیگر است.

شایان ذکر است که جلد اول و دوم کتاب *الکافی* که مباحث اعتقادی را دربر دارد، با عنوان *اصول کافی* در چهار جلد ترجمه شده و در دسترس همه علاقه‌مندان به معارف شیعی قرار گرفته است.^۱

بخش عمده‌ای از جلد اول (متن عربی) این کتاب (صص ۱۶۸-۵۵۴) با عنوان «کتاب الحجّة» به مباحث مختلف مرتبط با موضوع امامت، اعم از مباحث نظری و تاریخی اختصاص یافته است. برخی از موضوعاتی که در ابواب مختلف این کتاب بدانها پرداخته شده به شرح زیر است:

- ۱-۱. وجود حجت خدا در عالم هستی؛
 - ۱-۲. ویژگی‌های امامان معصوم علیهم‌السلام؛
 - ۱-۳. دلایل امامت هر یک از امامان شیعه از جمله امام مهدی علیه‌السلام؛
 - ۱-۴. اسامی کسانی که در دوران غیبت امام مهدی علیه‌السلام را دیده‌اند؛
 - ۱-۵. ویژگی‌های عصر غیبت؛
 - ۱-۶. نهی از تعیین وقت برای ظهور و...
- در ادامه همین کتاب با عنوان «ابواب التاریخ» شاهد تاریخ زندگانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام هستیم.

گفتنی است که در جلد هشتم *الکافی* نیز به صورت متفرق، احادیثی در زمینه برخی ویژگی‌های آخرالزمان، نشانه‌های ظهور و... آمده است.^۲

۱. مترجم این کتاب سید جواد معطفوی و ناشر آن دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام است.

۲. رک: محمد بن یعقوب الكلینی، همان، ج ۸، صص ۳۶، ۲۱۲، ۲۲۱، ۲۴۱، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۸۷، ۲۹۰، ۲۹۵، ۳۰۶، ۳۱۰ و ۳۳۱.

عزیزانی که علاقه‌مندند مباحث یادشده را در متن ترجمه شده جست‌وجو کنند می‌توانند به جلد اول این کتاب (صص ۲۳۶-۳۹۵) و جلد دوم آن مراجعه کنند.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین، معروف به ابن بابویه و شیخ صدوق (در گذشته به سال ۳۸۱ ق)، ۲ ج، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری، مترجم منصور پهلوان، چاپ اول: قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۰.

چنانکه مرحوم شیخ صدوق در مقدمه این کتاب آورده است، امام مهدی علیه السلام در رؤیایی صادقانه دستور تألیف کتاب یادشده را به ایشان داده‌اند.

کتاب کمال الدین و تمام النعمة که یکی از مصادر منحصر به فرد موضوع مهدویت به شمار می‌آید، مشتمل بر یک مقدمه و ۵۸ باب است. در مقدمه این کتاب به پاسخ برخی شبهات در مورد امام مهدی علیه السلام پرداخته شده و در ابواب کتاب موضوعات متنوعی مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از موضوعاتی که در این ابواب بررسی شده به شرح زیر است:

۲-۱. احوال کسانی که عمرهای طولانی داشته‌اند؛

۲-۲. دلایل نیاز مردم به امام؛

۲-۳. روایاتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام معصوم علیه السلام در مورد غیبت امام دوازدهم وارد شده است؛

۲-۴. میلاد امام مهدی علیه السلام؛

۲-۵. کسانی که آن حضرت را دیده‌اند؛

۲-۶. توقیعاتی که از امام مهدی علیه السلام رسیده است و....

۳. کتاب الغیبة، ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم بن جعفر، معروف به النعمانی (از علمای قرن چهارم هجری قمری)، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، مترجم محمد جواد غفاری، چاپ دوم: تهران، صدوق، ۱۳۷۶.

کتاب یادشده مشتمل بر یک مقدمه و ۲۶ باب است. نویسنده در مقدمه نسبتاً طولانی این کتاب، به بیان دلایل و انگیزه تألیف کتاب پرداخته و در ابواب مختلف آن موضوعات گوناگونی را بررسی کرده که مهم ترین آن ها به شرح زیر است:

۳-۱. ضرورت شناخت امام علیه السلام؛

۳-۲. غیبت امام زمان علیه السلام؛

۳-۳. ویژگی ها و خصائص حضرت صاحب علیه السلام؛

۳-۴. علائم پیش از ظهور؛

۳-۵. وضع شیعه هنگام قیام قائم علیه السلام و....

۴. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن محمد بن نعمان، معروف به

شیخ مفید (در گذشته به سال ۴۱۳ ق)، ۲ ج، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، علمیه اسلامیة، بی تا.

این کتاب مجموعه کاملی از تاریخ زندگانی و شرح احوال و اوصاف امامان شیعه است که در یک مقدمه و ۴۰ باب سامان یافته است. باب ۳۵ تا ۴۰ این کتاب به امام مهدی علیه السلام اختصاص دارد و در آن موضوعات مختلف مرتبط با آن امام بررسی شده است که از آن جمله می توان به این موضوعات اشاره کرد:

۴-۱. تاریخ ولادت؛

۴-۲. ادله امامت؛

۴-۳. معجزات؛

۴-۴. نشانه های ظهور و....

شایان ذکر است که شیخ مفید رحمه الله رساله‌های مستقلی نیز در باب غیبت امام عصر و پاسخ به سؤالات و شبهات مطرح در این زمینه دارند که از آن جمله می‌توان به الرسالة فی الغیبة^۱ (چهار رساله مستقل) و الفصول العشرة فی الغیبة^۲ اشاره کرد.

۵. کتاب الغیبة، ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، معروف به شیخ طوسی (در گذشته به سال ۴۶۰ ق.)، تحقیق عباد الله الطهرانی و علی احمد ناصح، چاپ دوم: قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۳۷۴ ق.

این کتاب که در مجموعه معارف مهدوی شیعه جایگاه خاص و قابل توجهی دارد، از دیرباز مورد توجه علما و اندیشمندان بوده و بسیاری از کسانی که در سده‌های اخیر به تألیف کتاب در این زمینه پرداخته‌اند، از آن بهره‌برداری کرده‌اند. چنانکه شیخ طوسی رحمه الله در مقدمه کتاب آورده است، ایشان این کتاب را برای بررسی مباحث مختلف مرتبط با غیبت حضرت صاحب الزمان علیه السلام دلیل آغاز غیبت و علت استمرار آن و همچنین پاسخ به شبهات و سؤالاتی که در این زمینه‌ها از سوی مخالفان مطرح می‌شده، به رشته تحریر درآورده‌اند. برخی از مهم‌ترین موضوعاتی که در این کتاب بدانها پرداخته شده به شرح زیر است:

- ۱-۵. امامت امام عصر علیه السلام در زمان غیبت و دلایل موجود در این زمینه؛
- ۲-۵. اثبات تولد آن حضرت؛
- ۳-۵. برخی از توقیعاتی که از سوی آن حضرت صادر شده؛
- ۴-۵. معرفی برخی از کسانی که در دوران غیبت صغرا توفیق و کفایت و نمایندگی از سوی امام مهدی علیه السلام را داشته‌اند؛

۱. ر.ک: مصنفات الشیخ المفید، ج ۷. ۲. ر.ک: همان‌جا، ج ۳.

۵-۵. بیان برخی نشانه‌های ظهور و....

کتاب یاد شده توسط «شیخ محمد رازی» ترجمه و با نام تحفه قدسی در علائم ظهور مهدی موعود^ع در سال ۱۳۵۰ از سوی انتشارات کتابفروشی اسلامیّه منتشر شده است.

۶. إعلام الوری بأعلام الهدی^۱، ابي علی الفضل بن الحسن الطبرسی معروف به امین الاسلام طبرسی (۴۶۸-۵۴۸ ق.)، ۲ ج، تحقیق مؤسسه آل البيت^ع لإحياء التراث، چاپ اول: قم، مؤسسه آل البيت^ع لإحياء التراث، ۴۱۷ ق.

این کتاب دربردارنده تاریخ زندگانی، دلایل و معجزات و فضائل و مناقب پیامبر گرامی اسلام^ص و اهل بیت عصمت و طهارت^ع است. در بخش پایانی کتاب یادشده مباحث مختلف مرتبط با امام دوازدهم شیعیان در ضمن پنج باب به شرح زیر بررسی شده است:

۶-۱. نام، کنیه، لقب، محل تولد، نام مادر امام دوازدهم و کسانی که آن حضرت را دیده‌اند؛

۶-۲. روایاتی که در زمینه امامت امام دوازدهم از پدران آن حضرت رسیده است؛

۶-۳. چگونگی استدلال به روایات برای اثبات امامت آن حضرت، دلایل و نشانه‌هایی که در دوران غیبت صغرا از آن حضرت آشکار شده و دلالت بر امامت ایشان می‌کنند، برخی از توقیعات (نامه‌ها و پیام‌هایی) که از آن حضرت رسیده است، کسانی که آن حضرت را دیده‌اند و یا وکیل ایشان بوده‌اند؛

۶-۴. نشانه‌های سال و روز قیام قائم^ع سیره آن حضرت در زمان ظهور و خصال ظاهری آن حضرت؛

۶-۵. پاسخ به شبهات و پرسش‌هایی که مخالفان مطرح می‌کنند.

۱. ترجمه نام این کتاب این است: «شناساندن پیشوایان (نشانه‌های) هدایت به مردمان».

۷. کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة، أبی الحسن علی بن عیسی بن أبی الفتح الإربلی (در گذشته به سال ۶۹۳ ق.)، ۳ ج، چاپ دوم: بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۵ ق.
کتاب یادشده که دوره کامل تاریخ زندگی و فضائل و مناقب پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت گرامی ایشان است از دیرباز مورد توجه اهل تحقیق بوده و به دلیل نیکویی روش، روشنی عبارات، امانت در نقل و استناد به مصادر مورد قبول شیعه و اهل سنت ستایش شده است.^۱

بخش عمده‌ای از جلد سوم این کتاب (از ص ۲۳۳ تا ۲۶۳) به شرح حال امام دوازدهم اختصاص یافته و در آن این موضوعات بررسی شده است:

۷-۱. تاریخ زندگی؛

۷-۲. دلایل امامت؛

۷-۳. نشانه‌های ظهور؛

۷-۴. ویژگی‌های ظاهری؛

۷-۵. معجزات؛

۷-۶. توقیعات و ...

۸. إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، محمد بن الحسن الخیر العاملی (در گذشته به سال ۱۰۴۱ ق.)، ۷ ج، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، مترجم احمد جنتی، چاپ اول: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۶.

این کتاب براساس گفته مؤلف آن در بردارنده بیش از بیست هزار حدیث و دلیل نقلی در زمینه اثبات نبوت خاصه حضرت خاتم الانبیاء ﷺ و امامت ائمه اطهار علیهم السلام است.

۱. ر.ک: کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة، ج ۱، مقدمه به قلم رضا استادی.

از مهم‌ترین ویژگی‌های کتاب یادشده این است که در بررسی زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و هر یک از ائمه اهل بیت علیهم السلام روایاتی که در کتاب‌های معروف و معتبر شیعه و اهل سنت درباره این بزرگواران وارد شده به تفکیک، نقل و بررسی شده است.

بخش پایانی کتاب *إثبات الهداة* که دربردارنده قسمتی از جلد ششم (ص ۲۲۹-۲۵۹) و تمامی جلد هفتم این کتاب است، به امام دوازدهم حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام اختصاص یافته و در آن موضوعات زیر مطرح شده است:

۸-۱. نصوصی که از طریق شیعه و اهل سنت بر امامت صاحب‌الزمان علیه السلام وارد شده است؛

۸-۲. معجزات صاحب‌الزمان علیه السلام؛

۸-۳. صفات امام مهدی علیه السلام و نشانه‌های خروج آن حضرت؛

۸-۴. رد اندیشه‌های غلات و...

۹. *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، محمد باقر المجلسی معروف به علامه المجلسی (۱۰۲۷-۱۱۱۱ ق)، ج ۱۱۰، چاپ سوم: بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

کتاب یادشده یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های روایی شیعه به شمار می‌آید و دربردارنده روایات بسیاری در زمینه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی، فقهی، تاریخی و... است. سه جلد از این کتاب: یعنی جلد‌های ۵۱ تا ۵۳ با عنوان «تاریخ الحجة» به بررسی ابعاد مختلف زندگی امام عصر علیه السلام از تولد تا غیبت و از غیبت تا ظهور اختصاص یافته و در آن بخش عمده‌ای از روایاتی که در هر یک از این زمینه‌ها از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده، جمع‌آوری گردیده است.

مجلدات یادشده که دربردارنده مطالب جلد ۱۳ از چاپ‌های قدیمی بخارالانوار است به دفعات ترجمه شده و برای همه علاقه‌مندان قابل استفاده است. معروف‌ترین این ترجمه‌ها، ترجمه آقای علی دوانی است که با نام مهدی موعود علیه السلام از سوی انتشارات دارالکتب الاسلامیه منتشر شده است. اخیراً هم این کتاب با ترجمه حسن بن محمد ولی ارومیه‌ای از سوی انتشارات مسجد مقدس جمکران منتشر شده است.

برخی از مهم‌ترین موضوعاتی که در مجلدات سه‌گانه بخارالانوار بدانها پرداخته شده به شرح زیر است:

- ۹-۱. ولادت و احوال مادر امام مهدی علیه السلام؛
- ۹-۲. اسامی، القاب و کنیه‌ها؛
- ۹-۳. نهی از تسمیه آن حضرت؛
- ۹-۴. صفات، علامات و نسب؛
- ۹-۵. آیاتی که به قیام قائم تأویل شده‌اند؛
- ۹-۶. اخباری که از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین درباره آن حضرت رسیده است (به تفکیک)؛
- ۹-۷. اخبار کسانی که در طول تاریخ عمرهای طولانی داشته‌اند؛
- ۹-۸. معجزات امام مهدی علیه السلام؛
- ۹-۹. احوال سفرای آن امام در زمان غیبت صغری؛
- ۹-۱۰. احوال کسانی که به دروغ ادعای بابیت و سفارت از سوی آن حضرت کرده‌اند؛
- ۹-۱۱. معرفی کسانی که آن حضرت را دیده‌اند؛
- ۹-۱۲. علت غیبت و چگونگی بهره‌مندی مردم از امام عصر علیه السلام در زمان غیبت؛

۹-۱۳. فضیلت انتظار و آنچه شایسته است در زمان غیبت بدان عمل شود؛

۹-۱۴. معرفی کسانی که در زمان غیبت کبرا آن حضرت را دیده‌اند؛

۹-۱۵. نشانه‌های ظهور؛

۹-۱۶. ویژگی‌های روز ظهور و چگونگی و مدت حکومت آن حضرت؛

۹-۱۷. سیره و اخلاق آن حضرت و یارانش؛

۹-۱۸. آنچه به هنگام ظهور اتفاق می‌افتد؛

۹-۱۹. رجعت؛

۹-۲۰. توقیعات و

گفتنی است که در پایان جلد ۵۳ بحار الأنوار، کتاب جنة المأوی اثر مرحوم حاج میرزا حسین نوری که در آن به احوال کسانی که در دوران غیبت کبرا توفیق تشریف خدمت امام عصر علیه السلام داشته‌اند، آمده است.

در سال‌های اخیر نیز کتاب‌های زیادی براساس دیدگاه کلامی - تاریخی و با بهره‌گیری از مصادر اولیه مهدویت به رشته تحریر درآمده‌اند که برخی از آنها به شرح زیر است:

۱۰. إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب علیه السلام شیخ علی یزدی حائری (در گذشته

به سال ۱۳۳۳ ق.)، ۲ ج، چاپ دوم: قم، مکتبة الرضی، ۱۴۰۴ ق.

جلد اول این کتاب شامل مباحث زیر است:

۱۰-۱. لزوم وجود حجت الهی در زمین؛

۱۰-۲. معرفت امام علیه السلام؛

۱۰-۳. بشارت‌های الهی به ظهور امام مهدی علیه السلام در قرآن و دیگر کتاب‌های

آسمانی؛

۱۰-۴. اخبار پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام به ظهور حجت علیه السلام؛

- ۵-۱۰. آیاتی که به امام مهدی علیه السلام تفسیر شده‌اند؛
۶-۱۰. امکان غیبت و کسانی از انبیا و اولیا که غیبت داشته‌اند، فلسفه غیبت و....

- در جلد دوم این کتاب نیز این عناوین به چشم می‌خورد؛
۷-۱۰. حکایت کسانی که در زمان غیبت کبرا ادعای رؤیت کرده‌اند؛
۸-۱۰. اخبار اهل سنت به وجود حجت علیه السلام؛
۹-۱۰. نشانه‌های ظهور، حوادث عصر ظهور و رجعت و....
شایان ذکر است که این کتاب توسط «سید محمد جواد مرعشی نجفی» ترجمه و با نام *چهره درخشان امام زمان علیه السلام* در سه جلد منتشر شده است.
۱۱. *امامت و مهدویت*، لطف الله الصافی الکلبایگانی، ۲ ج، چاپ اول: قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵.

این کتاب مجموعه‌ای از مقالات و کتاب‌هایی است که پیش از این به صورت مستقل چاپ و منتشر شده است. عناوین آثار منتشر شده در این مجموعه به شرح زیر است:

۱-۱۱. انتظار عامل مقاومت؛

۲-۱۱. فروغ ولایت؛

۳-۱۱. وابستگی جهان به امام زمان علیه السلام؛

۴-۱۱. عقیده نجات بخش؛

۵-۱۱. اصالت مهدویت؛

۶-۱۱. معرفت حجت خدا؛

۷-۱۱. نوید امن و امان؛

۸-۱۱. پاسخ به ده پرسش.

۱۲. امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور (ترجمة الإمام المهدی علیه السلام من المهد إلى الظهور)، سید محمد کاظم قزوینی (۱۳۷۳-۱۳۰۸ ش)، ترجمه حسین فریدونی، چاپ اول: تهران، آفاق، ۱۳۷۶.

کتاب یاد شده که در زمره محدود کتاب‌های ارزشمند تألیف شده در سال‌های اخیر است، مشتمل بر ۲۴ فصل است که عناوین آن‌ها به این شرح است:

- ۱۲-۱. امام زمان علیه السلام کیست؟
- ۱۲-۲. نام و نسب حضرت؛
- ۱۲-۳. بشارات قرآن؛
- ۱۲-۴. بشارات احادیث نبوی؛
- ۱۲-۵. بشارات احادیث اهل بیت علیهم السلام؛
- ۱۲-۶. آیا امام زمان علیه السلام به دنیا آمده است؟
- ۱۲-۷. چگونه از دیده‌ها پنهان شده است؟
- ۱۲-۸. پنهانی کوتاه مدت؛
- ۱۲-۹. تاییدان چهارگانه؛
- ۱۲-۱۰. چه کسانی در غیبت کوتاه آن حضرت را دیده‌اند؟
- ۱۲-۱۱. پنهانی بلند مدت؛
- ۱۲-۱۲. چه کسانی در غیبت بلند آن حضرت را دیده‌اند؟
- ۱۲-۱۳. چگونه تا امروز عمر کرده است؟
- ۱۲-۱۴. هنگام ظهور؛
- ۱۲-۱۵. اوصاف و علائم آن حضرت؛
- ۱۲-۱۶. نشانه‌های ظهور؛
- ۱۲-۱۷. مدعیان دروغین مهدویت و مهدی خوانده‌ها؛

- ۱۸-۱۲. چگونگی و محل ظهور؛
- ۱۹-۱۲. چگونگی تسلیم شدن قدرت‌ها؛
- ۲۰-۱۲. چگونگی حکومت به هنگام ظهور؛
- ۲۱-۱۲. جامعه در عصر ظهور؛
- ۲۲-۱۲. شمار سال‌های زمامداری؛
- ۲۳-۱۲. پایان زندگی آن حضرت؛
- ۲۴-۱۲. پس از آن حضرت.
۱۳. روزگار‌رهایی (ترجمه یوم الخلاص)، کامل سلیمان، ۲ ج، ترجمه علی اکبر مهدی پور، چاپ سوم: تهران، آفاق، ۱۳۷۶.
- کتاب یادشده از نظر جامعیت مباحث، کثرت تتبع روایات، روانی و شیوایی نگارش و نگاهی جدید به برخی روایات قابل توجه است. عناوین فصول بیست‌گانه این کتاب به شرح زیر است:
- ۱-۱۳. مهدی منتظر کیست؟
- ۲-۱۳. سیمای حضرت مهدی علیه السلام؛
- ۳-۱۳. میلاد مسعود؛
- ۴-۱۳. راز غیبت؛
- ۵-۱۳. استفاده از امام غائب؛
- ۶-۱۳. راز طول عمر؛
- ۷-۱۳. غیبت صغرا؛
- ۸-۱۳. غیبت کبرا؛
- ۹-۱۳. دوران حیرت؛
- ۱۰-۱۳. انتظار؛

۱۱-۱۳. یاران امام زمان علیه السلام؛

۱۲-۱۳. روزگار رهایی؛

۱۳-۱۳. فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام؛

۱۴-۱۳. دولت حق؛

۱۵-۱۳. نشانه‌ها؛

۱۶-۱۳. اهل آخرالزمان؛

۱۷-۱۳. نشانه‌های خارق‌العاده؛

۱۸-۱۳. آشوب‌های جهانی؛

۱۹-۱۳. آشوب‌های بیگانگان؛

۲۰-۱۳. انقلابی‌ها و شورشی‌ها.

در پایان چاپ فارسی این کتاب فهرست‌های ارزشمندی آمده که برای اهل تحقیق بسیار قابل استفاده است.

در پایان این قسمت از مقاله برای آشنایی عزیزانی که قصد تحقیق و پژوهش در حوزه مباحث مهدوی دارند دو مجموعه حدیثی و دو کتابنامه را نیز معرفی می‌کنیم:

۱۴. منتخب الآثار فی الإمام الثانی عشر علیه السلام لطف‌الله الصافی الکلبایگانی، ۳ ج،

چاپ اول: قم، مکتب المؤلف، ۱۴۲۲ق.

این کتاب که برای نخستین بار در سال ۱۳۳۳ (برایربا ۱۳۷۳ق.) به چاپ رسیده دربردارنده ۱۲۸۷ حدیث در موضوعات مختلف مرتبط با امام مهدی علیه السلام است که با بهره‌گیری از ۳۹۰ کتاب از منابع معتبر شیعه و اهل سنت - که در موضوعاتی چون تفسیر، حدیث، عقاید، فقه، رجال، تاریخ، لغت و... نوشته شده‌اند - به رشته تحریر درآمده است.

کتاب یادشده در یازده باب و ۹۴ فصل تنظیم شده است و در هر باب، احادیث مرتبط با یک یا چند موضوع مشخص جمع آوری و دسته‌بندی شده‌اند. مهم‌ترین موضوعاتی که در ابواب یازده گانه کتاب بدانها پرداخته شده به شرح زیر است:

۱۴-۱. خلفای دوازده گانه پیامبر ﷺ و اینکه تعداد آنها به تعداد نقبای

بنی اسرائیل و حواری عیسی ﷺ است؛

۱۴-۲. اسامی امامان دوازده گانه؛

۱۴-۳. ظهور مهدی ﷺ اسماء، اوصاف، خصائص و شمائل آن حضرت؛

۱۴-۴. ولادت امام مهدی ﷺ کیفیت و تاریخ آن و...؛

۱۴-۵. حالات و معجزات امام مهدی ﷺ در دوران غیبت صغرا و ذکر کسانی

که در این دوران به مقام سفارت رسیدند؛

۱۴-۶. حالات و معجزات امام مهدی ﷺ در دوران غیبت کبرا و ذکر کسانی که

در این دوران موفق به زیارت آن حضرت شدند؛

۱۴-۷. نشانه‌های ظهور و آنچه قبل از ظهور اتفاق می‌افتد؛

۱۴-۸. آنچه پس از ظهور امام مهدی ﷺ اتفاق می‌افتد؛

۱۴-۹. حالات اصحاب و یاران آن حضرت؛

۱۴-۱۰. مدت حکومت آن حضرت پس از ظهور و کیفیت زندگی او در میان

مردم و...؛

۱۴-۱۱. فضیلت انتظار فرج، تکالیف شیعه، فضیلت کسانی که آن حضرت را درک و

ایشان را اطاعت کنند، کیفیت تسلیم و صلوات بر ایشان، دعا‌های آن حضرت و...؛

در پایان معرفی کتاب منتخب‌الآثر لازم است دو نکته را یادآور شویم:

۱. مؤلف محترم این کتاب، چنان‌که خود در مقدمه جلد اول تصریح می‌کند،

در صدد جمع‌آوری همه احادیث که در موضوعات مختلف مرتبط با امام

مهدی علیه السلام وارد شده‌اند نبوده و در هر زمینه تنها به بیان نمونه یا نمونه‌هایی از احادیث موجود بسنده کرده است.

۲. این کتاب آثار و فوائد بسیاری دارد که از آن جمله می‌توان به اثبات وجود تواتر^۱ در زمینه بسیاری از موضوعات مرتبط با امام مهدی علیه السلام و اتفاق نظر شیعه و اهل سنت در زمینه بسیاری دیگر از این موضوعات اشاره کرد.

۱۵. معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام مؤسسة المعارف الإسلامية، تحت اشراف: علی کورانی، ۵ ج، چاپ اول: قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ق.

در این مجموعه پنج جلدی که با استفاده از ۴۰۸ کتاب از منابع تفسیری روایی، تاریخی و... شیعه و اهل سنت تدوین شده، مجموعاً ۱۹۴۱ حدیث از احادیث پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام - که در موضوع امام مهدی علیه السلام و مباحث مختلف مرتبط با آن حضرت وارد شده‌اند - جمع‌آوری و دسته‌بندی شده است.

ناگفته نماند که در این کتاب در ذیل هر موضوع یک یا چند حدیث که در مصادر اولیه و متقدم ذکر شده‌اند، در متن آورده شده و در زیر نویس نیز به حدیث

۱. «تواتر» [در لغت] یعنی یکی پس از دیگری و همراه با فاصله... و در اصطلاح، حدیث «متواتر» خبر جماعتی است که سلسله روایات آن تا به معصوم در هر طبقه به حدی باشد که امکان توافق آن‌ها بر کذب به طور عادی محال می‌باشد و موجب علم گردد. «سید رضا مؤدب، علم الحدیث: پژوهشی در مصطلح الحدیث با علم الدراية، ص ۲۳. همچنین ر. ک: کاظم مدیر شانه‌چی، علم الحدیث و درایة الحدیث، ج ۲، ص ۳۳. خبر متواتر به لفظی، معنوی و اجمالی تقسیم شده است. «متواتر لفظی خبری است که همه ناقلین، مضمون آن را یکسان و یا الفاظ واحد ذکر نمایند و یا هم تطابق لفظی دارند... متواتر معنوی خبری است که همه ناقلین مضمون واحدی را با عبارات مختلف نقل می‌نمایند» سید رضا مؤدب، همان، ص ۲۷. «متواتر اجمالی و آن علم اجمالی به صحت یکی از چند حدیثی است که در یک موضوع وارد شده» کاظم مدیر شانه‌چی، همان، ص ۳۷.

یا احادیث مشابهی که در همان موضوع در سایر مصادر یافت می‌شود، اشاره شده است؛ از این رو با احتساب احادیث مشابه تعداد روایات این مجموعه بسیار فراتر از رقم یادشده خواهد بود.

از آنجا که در این مجال اندک امکان معرفی همه موضوعات مطرح شده در کتاب مذکور وجود ندارد، تنها به معرفی اجمالی مجلدات پنجگانه این کتاب پیوسته می‌کنیم:

۱۵-۱. جلد اول و دوم، این دو جلد به احادیث نقل شده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - که غالباً از طریق اهل سنت روایت شده - اختصاص یافته و در آن‌ها ۵۶۰ حدیث در ذیل نزدیک به ۱۰۰ عنوان دسته‌بندی و ارائه شده است.

۱۵-۲. جلد سوم و چهارم، این دو جلد دربردارنده نزدیک به ۸۷۶ حدیث از ائمه معصومین علیهم السلام است. گفتنی است که در این دو جلد احادیث هر یک از امامان به طور جداگانه دسته‌بندی و عنوان‌گذاری شده است.

۱۵-۳. جلد پنجم، در این جلد نیز ۵۰۵ حدیث که در تفسیر برخی آیات قرآن وارد شده و در آن‌ها برخی آیات که به امام مهدی علیه السلام و موضوعات مختلف مرتبط با ایشان تفسیر و تأویل شده‌اند، دسته‌بندی و ارائه شده است.

۱۶. در جست‌وجوی قائم: معرفی ۱۸۵۲ جلد کتاب پیرامون احوالات حضرت بقیه‌الله‌الاعظم امام زمان علیه السلام سید مجید پور طباطبائی، چاپ اول: قم، مسجد مقدس صاحب‌الزمان قم (جمکران)، ۱۳۷۰.

۱۷. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام: معرفی بیش از ۲۰۰۰ عنوان کتاب مستقل به زبان‌های مختلف، ۲ ج، علی‌اکبر مهدی‌پور، چاپ اول: قم، مؤسسه چاپ الهادی، ۱۳۷۵.

۲-۲. دیدگاه فرهنگی - اجتماعی

این دیدگاه ضمن پذیرش همه مبانی و اصولی که در دیدگاه کلامی - تاریخی در زمینه تولد، غیبت و ظهور آخرین حجت الهی، حضرت مهدی علیه السلام پذیرفته شده و براساس براهین و شواهد قطعی و تردیدناپذیر عقلی و نقلی به اثبات رسیده، در پی این است که موضوع مهدویت و انتظار را به عنوان مبنایی برای پی ریزی کلیه مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مسلمانان در عصر غیبت؛ طرحی برای رهایی جوامع اسلامی از تارهای درهم تنیده فرهنگ و مدنیت مغرب زمین و راهکاری برای گذر همه اهل ایمان از فتنه‌ها و آشوب‌های آخرالزمان مطرح سازد.

پیش از پرداختن به مهم‌ترین شاخصه‌های دیدگاه فرهنگی - اجتماعی لازم است به عنوان مقدمه نکاتی را یادآور شویم:

چنانکه در بررسی نقش سازنده انتظار گفته شد، در معارف شیعی، برخلاف دیگر ادیان و مذاهب، منجی موعود تنها به عنوان شخصیتی مربوط به آینده که در آخرالزمان زمین را از هرگونه بی عدالتی و نابرابری پیراسته می‌سازد، مطرح نیست؛ بلکه او شخصیتی است فرازمانی که سه زمان گذشته، حال و آینده را به هم پیوند می‌دهد.

امام مهدی علیه السلام از یک سو شخصیتی تاریخی و مربوط به گذشته است؛ چرا که او براساس قرائن و شواهد تاریخی انکارناپذیر در زمان و مکان مشخص و از نسل و تبار شناخته شده به دنیا آمده و حوادث و رویدادهای مختلف تاریخی را رقم زده است. این امام از دیگر سو، شخصیتی است مربوط به زمان حال؛ زیرا او به موجب نصوص فراوان، حجت خداوند بر بندگان در عصر حاضر و امام زمان شیعیان است و مردم در همین زمان حال نیز وظایف و تکالیف مشخصی در برابر

او دارند. و بالاخره این امام؛ همچون موعود دیگر ادیان، شخصیتی مربوط به زمان آینده است؛ چرا که بنا بر روایات بی‌شماری که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نقل شده، او جهان را پس از آنکه از ظلم و ستم پر شده از عدل و داد آکنده می‌سازد و آینده بشر را رنگ و بویی خدایی می‌دهد.

براین اساس می‌توان گفت: همچنان که محدود کردن شخصیت امام مهدی علیه السلام به زمان گذشته و تنها سخن از موضوعاتی مانند تاریخ غیبت صغرا و غیبت کبرا و نواب اربعه گفتن جفایی آشکار به این شخصیت است، محدود کردن آن حضرت به زمان آینده و معرفی کردن ایشان تنها به عنوان منجی موعود و کسی که فقط در آینده نامعلوم منشأ تحولاتی در جوامع انسانی خواهد بود، نیز ستمی بزرگ به حجت خدا و امام حق و شاهد و ناظر است. بنابراین تنها زمانی می‌توان به شناختی جامع از شخصیت امام مهدی علیه السلام و اندیشه مهدویت و انتظار شیعی دست یافت که جایگاه و نقش این شخصیت و اندیشه را در سه زمان گذشته، حال و آینده بررسی کنیم و ضمن توجه به ریشه‌های تاریخی اندیشه مهدویت، رسالتی را که در عصر حاضر در برابر آن امام بزرگوار علیه السلام بر عهده داریم به فراموشی نسپاریم و در عصر غیبت تمام تلاش خود را برای کسب رضایت آن حضرت و دوری از ناخشنودی ایشان، به کار بندیم.

شاید بتوان گفت معنای «معرفت امام زمان علیه السلام»، که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام این همه در روایات بر آن تأکید کرده و دست نیافتن به آن را برابر با مرگ جاهلی دانسته‌اند، نیز چیزی غیر از این نیست؛ زیرا معرفت امام زمان علیه السلام آنگاه می‌تواند ما را از مرگ جاهلی برهاند که بتوانیم با شناسایی امام عصر خود از هدایت‌های او بهره‌مند شویم و اوامر و نواهی او را پاس داریم و گرنه صرف این که بدانیم چه کسی در عصر حاضر امام ماست بی‌آنکه این امام

تأثیری در زندگی و فعل و ترک ما داشته باشد، نمی تواند مایه نجات و رستگاری ما باشد.

با این نگاه به انتظار است که دیدگاه فرهنگی - اجتماعی، شکل گرفته و نگاهی متفاوت را نسبت به آنچه تا کنون در زمینه فرهنگ مهدوی وجود داشته، مطرح کرده است.

در این قسمت از مقاله اگر بخواهیم به شاخص ترین اندیشمندانی که بر اساس دیدگاه فرهنگی - اجتماعی به تحلیل و بررسی اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار پرداخته و تلاش کرده اند با طرح این اندیشه راهی برای خروج شیعیان از بن بست های عصر غیبت بیابند، اشاره کنیم، به جرأت می توانیم بگوییم در طول یازده قرنی که از آغاز غیبت کبرای امام عصر علیه السلام می گذرد، هیچ فقیه، متکلم، فیلسوف و مصلح اجتماعی به اندازه امام خمینی رهبر به این دیدگاه اهتمام نداشته و در این زمینه تأثیرگذار نبوده است.

امام راحل با طرح اندیشه تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت و تلاش خستگی ناپذیر در راه تحقق این اندیشه، به «انتظار» معنا و مفهوم تازه ای بخشید و تعریفی نو از رسالت و تکلیف شیعیان در برابر حجت خدا ارائه داد.

برای روشن تر شدن دیدگاه حضرت امام در این زمینه، به برخی از مهم ترین شاخصه های این دیدگاه اشاره می کنیم:

۱. ارائه برداشتی متفاوت از مفهوم حجت: ایشان با ارائه مفهومی عمیق و بنیادین از «حجت بودن امام معصوم» اعلام می دارند که چون خداوند در روز قیامت به سبب وجود امام زمان و پدران بزرگوارش علیهم السلام بر بندگان احتجاج و نسبت به عمل بر اساس سیره، رفتار و گفتار این بزرگواران از مردم بازخواست می کند، بر آنان لازم است که همه تلاش خود را برای تحقق سیرت امامان معصوم علیهم السلام در

جامعه به کار بندند و در این زمینه هیچ عذر و بهانه‌ای از آن‌ها پذیرفته نمی‌شود.

حضرت امام در کتاب البیع خود به هنگام بررسی ادله ولایت فقیه، ضمن برشمردن توقیع شریف حضرت صاحب الامر (ع) که در آن آمده است:

... وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَأَرْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.^۱

... و اما در رویدادهایی که برای شما پیش می‌آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ چرا که آن‌ها حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشان هستم. می‌فرماید:

مقصود از حجت خدا بودن امام معصوم این نیست که فقط بیان‌کننده احکام است؛ زیرا گفته بزرگانی چون زراره و محمد بن مسلم نیز حجت است و هیچ‌کس حق مردود دانستن و عمل نکردن به روایات ایشان را ندارد و این امر بر همگان آشکار است. بلکه منظور از حجت بودن امام زمان و پدران بزرگوارش، صلوات الله علیهم اجمعین، این است که خداوند تعالی به سبب وجود ایشان و سیره و رفتار و گفتار آنان در تمام شئون زندگی‌شان، بر بندگان احتجاج می‌کند. از جمله شئون امامان، عدالت آنان در همه زمینه‌های حکومت است. به عنوان مثال، وجود امیرالمؤمنین (ع) برای تمام فرمانداران و حاکمان ستم‌پیشه حجت است؛ زیرا خداوند به واسطه سیرت آن بزرگوار، باب عذر و بهانه را بر همه آنان در تعدی از حدود الهی و تجاوز به اموال مسلمانان و سرپیچی از قوانین اسلامی بسته است. همین گونه‌اند سایر

۱. محمد بن غالی بن الحسین (شیخ صدوق)، همان، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

حجت‌های خداوند، به ویژه حضرت ولی عصر علیه السلام که عدل را در میان مردم می‌گستراند و زمین را از قسط پر می‌کند و بر اساس نظامی عادلانه بر مردم حکم می‌راند.^۱

بر اساس همین نگاه به حجت خدا بود که ایشان خطاب به مسئولان جمهوری اسلامی ایران می‌فرمودند:

ما باید خودمان را مهیا کنیم از برای اینکه اگر چنانچه موفق شدیم ان شاء الله به زیارت ایشان طوری باشد که رؤسایید باشیم پیش ایشان. تمام دستگاه‌هایی که الان به کار گرفته شده‌اند در کشور ما [...] باید توجه به این معنا داشته باشند که خودشان را مهیا کنند برای ملاقات حضرت مهدی، سلام الله علیه.^۲

۲. دگرگون ساختن مفهوم انتظار: امام خمینی مفهوم می‌را که در طول قرون و اعصار از «انتظار» در اذهان بسیاری از شیعیان نقش بسته بود دگرگون ساخت و با همه دیدگاه‌هایی که انتظار را برابر با سکون، رکود و تن دادن به وضع موجود معرفی می‌کردند به مقابله جدی پرداخت:

بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه و در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان علیه السلام را از خدا بخواهند [...] یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد، به این چیزها کار نداشته باشیم، ما تکلیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله درست.

۱. امام خمینی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۷۴-۴۷۵؛ همو، شئون و اختیارات ولی فقیه (ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع)، ص ۴۶.

۲. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج ۱۲، ص ۲۰۸-۲۰۹.

می‌کنند [...] یک دسته‌ای می‌گفتند که خوب! باید عالم پر معصیت بشود تا حضرت بیاید ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند، گناهان زیاد بشود که فرج نزدیک بشود [...] یک دسته‌ای از این بالاتر بودند و می‌گفتند باید دامن زد به گناهان، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از ظلم و جور شود و حضرت ﷺ تشریف بیاورند [...] یک دسته دیگر بودند که می‌گفتند هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است.^۱

ایشان ضمن ردّ همه دیدگاه‌های یادشده دیدگاه خود در باب انتظار فرج را این‌گونه بیان می‌کند:

همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور آن شاء الله تهیه شود.^۲

همه انتظار داریم وجود مبارک ایشان را، لکن با انتظار تنها نمی‌شود، بلکه با وضعی که بسیاری دارند، انتظار نیست. ما باید ملاحظه وظیفه فعلی شرعی - الهی خودمان را بکنیم و باکی از هیچ امری از امور نداشته باشیم.^۳

۳. تلاش برای تحقق عدالت در عصر غیبت: حضرت امام، تلاش برای تحقق عدالت و جلوگیری از ظلم در عصر غیبت را یک تکلیف الهی دانسته و همه مسلمانان را دعوت می‌کردند که تا سرحد توان خود این تکلیف الهی را به انجام رسانند:

ما اگر دستمان می‌رسد، قدرت داشتیم باید برویم تمام ظلم‌ها و جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست منتها ما نمی‌توانیم، این که هست این

۲. همان، ج ۷، ص ۲۵۵.

۱. همان، ج ۱۹، ص ۱۹۶-۱۹۷.

۳. همان، ج ۱۹، ص ۱۵۴.

است که حضرت عالم را پر می‌کنند از عدالت، نه شما دست بردارید از این تکلیفتان، نه این که شما دیگر تکلیف ندارید.^۱

البته این پر کردن دنیا را از عدالت، این را ما نمی‌توانیم بکنیم. اگر می‌توانستیم می‌کردیم اما چون نمی‌توانیم بکنیم ایشان باید بیابند.^۲

۴. زمینه‌سازی برای ظهور منجی موعود: رهبر فقید انقلاب اسلامی معتقد بود که باید با گسترش اسلام راستین در جهان و مبارزه با سلطهٔ جهانخواران، راه را برای ظهور منجی موعود هموار ساخت:

ما با خواست خدا دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان، که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا راه را برای ظهور منجی و مصلح کل و امامت مطلقه حق امام زمان، ارواحنا فدا، هموار می‌کنیم.^۳

۵. حرکت در جهت تحقق حکومت جهانی اسلام: امام راحل به جدّ بر این باور بود که انقلاب اسلامی ایران، نقطهٔ شروع انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام است و از این رو پیوسته به مسئولان نظام توصیه می‌کردند که هرگز از آرمان عظیم انقلاب اسلامی که تشکیل حکومت جهانی اسلام است غافل نشوند:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران نقطهٔ شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت، ارواحنا فدا، است - که خداوند بر همهٔ مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد - مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای

۱. همان، ص ۱۹۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۹۷.

۳. همان.

مسئولین را از وظیفه‌ای که برعهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمام سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، و این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.^۱

در سال‌های اخیر گروهی از فرزندان انقلاب اسلامی و وفاداران به آرمان‌های امام خمینی تلاش کردند که با الهام از اندیشه‌های این پیر فرزانه ابعاد و زوایای دیگری از دیدگاه فرهنگی - اجتماعی را تبیین کنند. این گروه با درک عمیق از موقعیت کنونی انقلاب اسلامی در جهان، نیازهای فرهنگی جامعه اسلامی ایران و شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حاکم بر جهان معاصر، تبلیغ و ترویج باور مهدوی و فرهنگ انتظار را سر لوحه فعالیت‌های خود قرار داده و پرداختن به امور زیر را در عصر حاضر ضروری می‌دانند:

۱. شناسایی و نقد بنیادین وجوه مختلف فرهنگ و تمدن مغرب زمین، به عنوان فرهنگ و مدنیته‌ای که در تقابل جدی با آرمان «حقیقت‌مدار»، «معنویت‌گرا» و «عدالت‌محور» مهدوی قرار دارد؛ زیرا انسان‌های عصر غیبت تنها زمانی می‌توانند به ریسمان ولایت مهدوی چنگ زنند و به تمام معنادر سلک منتظران موعود قرار گیرند که باطل زمان خویش را به درستی بشناسند و با تمام وجود از آن بیزاری جویند؛
۲. شناخت و نقد جدی مناسبات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر جوامع اسلامی؛ مناسباتی که عمدتاً به تقلید از الگوهای توسعه غربی و تحت

۱. همان، ج ۲۱، ص ۱۰۸. برای مطالعه بیشتر زمینه جایگاه انتظار در اندیشه امام خمینی ر.ک: ابراهیم شفیع‌ی سروستانی، شناخت زندگی بخش، ص ۱۵۱ - ۱۷۱. مقالات «احیای اندیشه انتظار» و «امام خمینی و رسالت جهانی انقلاب اسلامی».

تأثیر اندیشه‌های عصر مدرنیته در این جوامع شکل گرفته است؛ چرا که این جوامع بدون شناخت جدی از وضع موجود خود نمی‌توانند به راهکارهای مبتنی بر آموزه‌های دینی برای خروج از فتنه‌های فراگیر عصر غیبت دست یابند؛

۳. تلاش در جهت تدوین استراتژی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی جوامع اسلامی در عصر غیبت و تارسیدن به عصر طلایی ظهور، براساس اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار؛

۴. بازشناسی وجوه مختلف اعتقادی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار با بهره‌گیری از منابع متقن و مستدل و استفاده از همه توان مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی در زمینه مباحث، کلامی، فلسفی، عرفانی، اخلاقی، علوم اجتماعی و سیاسی و...؛

۵. تلاش در جهت پالایش اندیشه ناب مهدوی از هرگونه شائبه جعل و تحریف و زدودن این اندیشه از زنگارهای جهل و خرافه، سخنان سست و بی‌اساس و هرگونه دیدگاه انحرافی مبتنی بر افراط یا تفریط؛

۶. پاسخگویی عالمانه و متناسب با نیازهای روز به شبهات، پرسشها و ابهام‌های موجود در زمینه منجی‌گرایی شیعی؛

۷. احیا و گسترش فرهنگ انتظار و تلاش برای شناساندن نقش سازنده این فرهنگ در پایداری و پویایی جوامع اسلامی؛

۸. تبیین وظایف و تکالیف مردم در برابر حجت خدا و امام عصر (عج) نهادینه ساختن این وظایف و تکالیف در فرد و اجتماع و آماده ساختن جامعه اسلامی برای استقبال از واقعه مبارک ظهور؛

۹. مقابله جدی با کلیه جریان‌های سیاسی-فرهنگی که در قالب کتاب، نشریه، فیلم، نرم‌افزارهای رایانه‌ای، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی جهانی (ایسترن‌نت) و... به تقابل با اندیشه موعودگرایی شیعی می‌پردازند؛

۱۰. بررسی و نقد کلیه دیدگاه‌هایی که از سوی متفکران مغرب زمین در زمینه جهان آینده و آینده جهان مطرح شده است.

برخی از مهم‌ترین آثاری که می‌توان با استفاده از آن‌ها به شناختی نسبتاً جامع از دیدگاه فرهنگی-اجتماعی رسید، به شرح زیر است:

۱. خورشید مغرب (غیبت، انتظار، تکلیف)، محمد رضا حکیمی، چاپ اول: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.

کتاب یادشده در زمره محدود آثار ارزشمندی است که در سال‌های اخیر در زمینه فرهنگ مهدوی نوشته شده است. نویسنده گرانمایه این کتاب در مقدمه خود بر این نکته تأکید می‌کند که «آرمان والا، در کار ابلاغ حقایق مذهبی، گسترش تربیت صحیح و برپایی قسط و عدالت بوده است، در همه شئون جامعه، به ویژه در امور اقتصادی و معیشتی برای همگان، که صورت نهایی آن در حکومت مهدی (عج) تحقق خواهد یافت» و بر همین اساس در فصول مختلف کتاب به ویژه از فصل یازدهم به بعد تلاش می‌کند که از جامعه آینده آل مهدوی پللی به جامعه امروز مسلمانان بزند و راهی برای تحقق آن آرمان متعالی در دوران غیبت بیابد؛ چرا که به گفته او: «خلق که در انتظار ظهور مصلح به سر می‌برد، باید خود صالح باشد».

عناوین فصول این کتاب به شرح زیر است:

۱-۱. میلاد؛

۱-۲. شمایل و سیرت؛

۱-۳. غیبت؛

- ۱-۴. در کتاب‌های پیشینیان؛
 - ۱-۵. در کتاب‌های مسلمین (اهل سنت)؛
 - ۱-۶. در کتاب‌های مسلمین (شیعه)؛
 - ۱-۷. در قرآن کریم؛
 - ۱-۸. در سوره قدر؛
 - ۱-۹. در علوم عقلی؛
 - ۱-۱۰. در علوم تجربی؛
 - ۱-۱۱. در فلسفه تربیتی و سیاسی؛
 - ۱-۱۲. غیبت مقاومت نه غیبت تسلیم؛
 - ۱-۱۳. انتظار؛
 - ۱-۱۴. در طلب خورشید.
۲. درآمدی بر استراتژی انتظار؛ اسماعیل شفیعی سروستانی، ۲ ج در یک مجلد، چاپ اول: تهران، موعود عصر، ۱۳۸۱.
- چنانکه در مقدمه جلد اول این کتاب آمده است «در جلد اول این اثر نگارنده از دریچه «باور مهدوی» سعی در عرضه تحلیلی کلی از اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایران اسلامی (طی دو دهه اخیر) دارد تا پس از آن از لابلای این اندیشه (و با توجه به شرایط ویژه تاریخی عصر حاضر) زمینه‌های گفت‌وگو از «استراتژی انتظار» را فراهم آورد» و در جلد دوم این کتاب نیز نویسنده تلاش کرده است ضرورت تدوین استراتژی و ملزومات آن را تبیین و ثابت نماید که «گفت‌وگو از امام عصر علیه السلام و طرح استراتژی انتظار تنها طریق گذر از شرایط فعلی برای رسیدن به شهر امن منتظران و ورود به خیل طالبان و داعیان حضرت صاحب‌الزمان، ارواحنا له الفداء، است».

عناوین فصول جلد اول و دوم کتاب یاد شده به شرح زیر است:

۲-۱. چهار حرکت (چهار مرحله حیات انقلاب اسلامی ایران)؛

۲-۲. هفت غفلت (مهم‌ترین اموری که در سال‌های اخیر از آن‌ها غفلت شده

است)؛

۲-۳. استراتژی انتظار؛

۲-۴. استراتژی و ملزومات آن؛

۲-۵. چرا باید از موعود و استراتژی انتظار گفت؟؛

۲-۶. حجت موجه؛

۲-۷. عهد.

۳. شناخت زندگی‌بخش (گفتارهایی در شناخت آخرین حجت حق)، ابراهیم

شفیعی سروستانی، چاپ اول: تهران، موعود عصر، ۱۳۷۸.

کتاب یاد شده دربردارنده دوازده مقاله است که نویسنده در طول سال‌های

۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ در مجله موعود منتشر ساخته است. این کتاب، فرهنگ مهدوی را

هم از دیدگاه اعتقادی - تاریخی و هم از دیدگاه فرهنگی - اجتماعی مورد بررسی

قرار داده و خواننده خود را به اجمال با مبانی هر یک از این دو دیدگاه آشنا

می‌سازد.

عناوین مقالات منتشر شده در این کتاب به شرح زیر است:

۳-۱. با مرزداران حریم تفکر شیعی؛

۳-۲. دعای شب و آه سحر؛

۳-۳. از تولد تا غیبت؛

۳-۴. چشمه سار جاری امامت؛

۳-۵. غیبت، مفهوم و علل آن؛

۳-۶. چشم به راه حجت، در آرزوی منجی؛

۳-۷. جامعه منتظر، جامعه پویا؛

۳-۸. جامعه موعود، الگوی جامعه مطلوب؛

۳-۹. نشانه‌های ظهور؛

۳-۱۰. یاران قائم؛

۳-۱۱. احیای اندیشه انتظار؛

۳-۱۲. امام خمینی و رسالت جهانی انقلاب اسلامی.

۴. ماهنامه فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی موعود.

این مجله که از سال ۱۳۷۶ تاکنون به طور مستمر منتشر شده است، در شماره‌های مختلف خود تلاش نموده است که ضمن پرداختن به مبانی اعتقادی فرهنگ مهدوی و بررسی تاریخی این موضوع، فرهنگ مهدوی را به عنوان یک موضوع جاری و ساری در متن اجتماع که نسبت به همه تحولات و رویدادهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی که در سطح ملی و بین‌المللی به وقوع می‌پیوندد بی تفاوت نبوده و نسبت به همه آنها دارای موضع و دیدگاه مشخص است، مطرح سازد و این فرهنگ را به عنوان راهی برای خروج از بن‌بست‌های مختلف که جامعه ما در عرصه‌های مختلف با آنها روبروست معرفی کند.

رعایت اخلاص در عمل و پیراسته داشتن نیت

کلیه فعالیت‌هایی که با هدف احیا، گسترش و تعمیق اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار در جامعه صورت می‌گیرد از مصادیق بارز «انتظار فرج» و در نتیجه از جمله عبادات، بلکه از شایسته‌ترین آن‌ها، به شمار می‌آید. چنانکه پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ^۱

برترین عبادت‌ها انتظار فرج است.

از این رو در این گونه فعالیت‌ها چون هر عبادتی دیگر، نیت و اخلاص شرط اساسی بوده و بدون نیت خالصانه این فعالیت‌ها هیچ ثمری برای انجام دهندگان آن‌ها نخواهد داشت.

۱. محمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق)، همان، ج ۲، ص ۳۷۷، ج ۱.

اما انجام فعالیت تبلیغی و ترویجی خالصانه برای امام عصر علیه السلام مستلزم درک چند مطلب اساسی است که در اینجا برخی از آن‌ها را یادآور می‌شویم:

۳-۱. مدیون بودن همه ما نسبت به امام عصر علیه السلام: استمرار هستی و بقای همه ما بسته به وجود آخرین حجت الهی است؛ چرا که به فرموده امام باقر علیه السلام:

لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ يَوْمًا بِلاَ إِمَامٍ مِّنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا.^۱

اگر زمین یک روز بدون امامی از ما بماند اهلش را در خود فرو می‌برد.

و همه نعمت‌ها و خیرات و برکاتی که در عالم هستی نصیب ما می‌شود، به واسطه امام عصر علیه السلام و به طفیل هستی ایشان است. چنان‌که در «دعای عدیله» می‌خوانیم:

يُقَاتِلُهُ بِقِيَّتِ الدُّنْيَا وَيُغْنِيهِ رُزْقُ الْوَرَى وَبُجُودُهُ ثَبَّتَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ.^۲

به بقای او دنیا باقی است و به برکت وجود او مردم روزی داده می‌شوند و به واسطه وجود اوست که زمین و آسمان پابرجاست.

از این رو می‌توان گفت که همه ما در زندگی خود مدیون و وامدار امام عصر علیه السلام هستیم و ایشان نسبت به همه ما حق حیات دارند و به همین دلیل اگر موفق شویم که قدمی در راه ترویج و تبلیغ نام و یاد آن حضرت برداریم جز ادای بخش بسیار ناچیزی از دین خود نسبت به ایشان کاری انجام نداده‌ایم.

۳-۲. خدمت به امام عصر علیه السلام: افتخار همه اولیاء و بزرگان: امام مهدی علیه السلام چنان جایگاه رفیعی در عالم هستی دارند که حتی ائمه معصومین علیهم السلام خدمت به ایشان را افتخار خود دانسته و آرزو می‌کردند که خداوند توفیق خدمت به آن حضرت را نصیبشان فرماید. چنان‌که وقتی از امام صادق علیه السلام می‌پرسند که: «آیا قائم به دنیا

۱. محمدباقر المجلسی، همان، ج ۲۳، ص ۳۷، ح ۶۴.

۲. شیخ عباس قمی، همان، دعای عدیله.

آمده است؟» می‌فرماید:

لَا، وَلَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَّمْتُه أَيَّامَ حَيَاتِي.^۱

خیر، اما اگر او را درک کنم همه روزهای زندگی‌ام خدمتگزارش خواهم بود. با توجه به این موضوع کسی که توفیق خدمت به آرمان‌ها و اهداف فرهنگ مهدوی را به دست می‌آورد، نه تنها منتی بر امام عصر علیه السلام ندارد، بلکه باید خدا را به خاطر توفیقی که نصیب او کرده شکر کند.

۳-۳. جاری شدن برکت در زندگی خدمتگزاران به امام عصر علیه السلام: بدون تردید هرگونه فعالیت‌هایی که با هدف ترویج معارف اهل بیت علیهم السلام گسترش فرهنگ امامت و ولایت در جامعه و تعمیق عشق و ارادت مردم به خاندان رسالت صورت گیرد مورد رضایت حضرت حق بوده و موجب نزول خیرات و برکات در زندگی انسان می‌شود.

با نگاهی اجمالی به زندگی کسانی که عمر خود را وقف خدمت به اهل بیت علیهم السلام نموده و در این راه از استعدادها، توانایی‌ها و امکانات مادی و معنوی خود حداکثر استفاده را کرده‌اند، نشان می‌دهد که این‌گونه افراد در زندگی خود از توفیق‌ها و برکت‌های الهی بیشتری برخوردار شده و در فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود شاهد رشد و توسعه بیشتری بوده‌اند. رمز این مسئله نیز روشن است؛ چرا که به اعتقاد ما هر کس در راه امیر مؤمنان علی علیه السلام و خاندان او قدم بردارد و آن‌ها را در حد توان خود، یاری نماید، مشمول این دعای پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام نسبت به یاری دهندگان اهل بیت عصمت و

۱. محمد بن ابراهیم النعمانی، کتاب الغیبة، ص ۲۴۵؛ محمدباقر المجلسی، همان، ج ۵، ص ۱۴۸، ح ۲۲. شایان ذکر است که در برخی از کتاب‌ها این روایت به امام حسین علیه السلام استناد داده شده که ظاهراً صحیح نباشد.

طهارت خواهد شد که:

اللَّهُمَّ أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَأَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ.^۱

خدایا یاری کن هر کس که او (علی علیه السلام) را یاری کند و خوار کن هر کس که او را خوار کند.

اللَّهُمَّ أَنْصُرْهُ وَانْصُرْ بِهِ لِدِينِكَ وَانْصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ... وَانْصُرْ نَاصِرِيهِ وَأَخْذُلْ خَاذِلِيهِ.^۲

خدایا او را (مهدی علیه السلام) یاری کن به وسیله او دینت را، دوستانت را، دوستان او را و شیعیان و یاران او را یاری کن و ما را از ایشان قرار بده... و هر کس که او را یاری می کند یاری ده و هر کس که او را خوار می کند خوار کن.

توجه به نکات یادشده، مبلغ و مروج فرهنگ مهدوی را از هرگونه انگیزه و غرضی جز کسب رضایت حضرت ولی عصر علیه السلام و ادای وظیفه به ساخت مقدس آن حضرت فارغ می سازد و به او یاری می دهد که با نیت خالصانه، به دور از هرگونه انگیزه مادی و بدون توجه به مدح و ذم این و آن به فعالیت در این حوزه بپردازد.

۱. محمد باقر المجلسی، همان، ج ۳۷، ص ۱۲۶، ح ۲۴.

۲. شیخ عباس قمی، همان، زیارت آل یاسین.

توجه به جایگاه و شأن رفیع

امام عصر علیه السلام

امام مهدی علیه السلام عصاره خلقت، خاتم اوصیا و وارث همه انبیا و اولیای پیشین است. چنان که در یکی از زیارات حضرت صاحب الامر علیه السلام خطاب به ایشان عرض می‌کنیم:

السَّلَامُ عَلَى وَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتَمِ الْأَوْصِيَاءِ... الْمُتَمَتِّهِ إِلَيْهِ مَوَارِثُ الْأَنْبِيَاءِ
وَلَذِيهِ مَوْجُودُ آثَارِ الْأَصْفِيَاءِ.^۱

سلام بر وارث پیامبران و خاتم اوصیا... آن که میراث تمام پیامبران بدو رسیده و آثار همه برگزیدگان در نزد او موجود است.

آن حضرت چنان مقامی در نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام دارند که خطاب به ایشان از تعبیر «پدر و مادرم به فدای او» استفاده کرده‌اند. از جمله در

۱. شیخ عباس قمی، همان، زیارت حضرت صاحب الامر به نقل از سید بن طاووس.

روایات زیر که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام نقل شده، آمده است:

يَا بِي وَأُمِّي سَمِيَّيْ وَشَبِيهِي وَشَبِيهَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ، عَلَيْهِ جُيُوتٌ (جَلَالِيْبُ)
النُّورِ يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ الْقُدْسِ.^۱

پدر و مادرم به فدای او که همنام من، شبیه من و شبیه موسی پسر عمران
است، بر او جامه‌هایی از نور است که از پرتو قدس روشنایی می‌گیرد.

يَا بِي ابْنِ خَيْرَةِ الْإِمَاءِ...^۲

پدرم به فدای فرزند بهترین کنیزان... .

امام راحل نیز در بیان جایگاه و شأن بی‌مانند امام مهدی علیه السلام در عالم هستی
می‌فرماید:

من نمی‌توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم، بزرگ‌تر از این است. نمی‌توانم
بگویم که شخص اول است، برای اینکه دومی در کار نیست. ایشان را
نمی‌توانیم یا هیچ تعبیری تعبیر کنیم، الا همین که مهدی موعود علیه السلام است. آنی
است که خدا ذخیره کرده است برای بشر.^۳

با توجه به همین مقام و مرتبت رفیع امام عصر علیه السلام است که در روایات سفارش شده
برای عرض سلام و ارادت به پیشگاه آن حضرت از کلمات و عبارات‌های خاصی
استفاده کنیم. از جمله در روایتی که از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده، می‌خوانیم:

مَنْ أَدْرَكَ مِنْكُمْ قَائِمَنَا فَلْيَقُلْ حِينَ يَرَاهُ «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ وَ
مُعَذِّنِ الْعِلْمِ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ».^۴

۱. محمدباقر المجلسی، همان، ج ۳۶، ص ۳۳۷، ح ۲۰۰.

۲. همان، ج ۵۱، ص ۱۲۱.

۳. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی، قدس سره)، ج ۱۲، ص ۲۰۸.

۴. محمدباقر المجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۳۳۱، ح ۵.

هر کس از شما که قائم ما علیه السلام را دریابد، پس باید به هنگام دیدار با او بگوید:

«سلام بر شما ای خاندان نبوت و معدن علم و جایگاه رسالت».

در روایت دیگری کیفیت سلام دادن مردم به آن حضرت در زمان ظهور چنین

بیان شده است.

لَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ».^۱

هیچ سلام دهنده‌ای بر آن حضرت سلام نمی‌دهد، مگر این‌که می‌گوید:

«سلام بر تو ای باقی‌مانده خدا در زمین».

مطالعه سیره و اقوال علما و بزرگان نیز نشان می‌دهد که آن‌ها نهایت ادب و

احترام را نسبت به حضرت صاحب الامر علیه السلام رعایت و از هر سخن و عملی که در

آن اندک شائبه بی‌توجهی به جایگاه و شأن آن حضرت وجود داشت، پرهیز

می‌کردند. در این باره حکایت زیر که از مرجع عالی قدر حضرت آیه الله العظمی

الضافی الکلبایگانی در زمینه ادب و احترام حضرت آیه الله العظمی بروجردی

نسبت به امام عصر علیه السلام نقل شده، بسیار خواندنی است:

یک روز در منزلشان مجلسی بود، در آن مجلس شخصی با صدای بلند گفت:

برای سلامتی امام زمان و آیه الله بروجردی، صلوات! در همان حال، ایشان که

در حیاط قدم می‌زد، با شتاب و ناراحتی به طرف در بیرونی آمد و با عصا

محکم به در زد، به طوری که آقایانی که در بیرون بودند، ترسیدند که نکند

اتفاقی افتاده باشد. چندین نفر به طرف در اندرونی رفتند که ببینند چه خبر

است. آیت الله بروجردی گفتند: «این که بود که اسم مرا در کنار نام مبارک امام

زمان علیه السلام آورد؟ این مرد را بیرون کنید و به خانه راهش ندهید».^۲

۱. همان، ج ۲۴، ص ۲۱۲.

۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ویژه بزرگداشت آیه الله بروجردی و شیخ شلتوت.

براساس آنچه گفته شد، بر همهٔ مبلغان فرهنگ مهدوی، اعم از نویسندگان، سخنرانان، شاعران، مدیحه‌سرایان و... لازم است که در نوشته‌ها، گفته‌ها، سرودها و به تعبیر عام‌تر در کلیهٔ فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی خود، نکات زیر را مورد توجه جدی قرار دهند.

۴-۱. خودداری از به کار بردن کلمات و تعبیری که شایسته جایگاه و شأن رفیع امام عصر علیه السلام نیست؛

۴-۲. رعایت نهایت ادب و احترام به هنگام بر زبان راندن نام آن حضرت و یاد کردن از ایشان؛

۴-۳. ذکر سلام و صلوات پس از نام بردن از آن حضرت و برخاستن به هنگام بیان نام خاص ایشان؛

۴-۴. رعایت ساحت قدسی آن امام و پرهیز از تعمیم اوصاف و ویژگی‌های خاص ایشان به دیگران.

دشمن شناسی و دوست شناسی

در فرهنگ اسلامی، جهان عرصه تقابل و همآوری دو «ولایت» است؛ ولایت خدا و دوستان او از یک سو و ولایت شیطان (طاغوت) و پیروان او از سوی دیگر.

در این فرهنگ انسان‌ها یا در خط ولایت خدا و دوستان خدا هستند که خدا آن‌ها را از تاریکی‌های نادانی و گمراهی خارج و به روشنی دانایی و رستگاری داخل می‌کند و یا در خط ولایت شیطان و دوستان شیطان که اولیائشان آن‌ها را از روشنائی هدایت به تاریکی‌های ضلالت سوق می‌دهند:

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيائُهُمُ
الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ.^۱

۱. سوره بقره (۲) آیه ۲۵۷؛ همچنین رک: سوره جاثیه (۴۵)، آیه ۱۹.

خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده‌اند. آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی به در می‌برد. و [لی] کسانی که کفر ورزیده‌اند، سرورانشان طاغوتند، که آنان را از روشنایی به سوی تاریکی‌ها به در می‌برند، آنان اهل آتشند که خود، در آن جاودانند.

با توجه به این نگرش بوده است که در آموزه‌های اسلامی به نقش «ولایت» در زندگی انسان‌ها توجه ویژه‌ای شده و همه اهل ایمان موظف شده‌اند که از یک سو سر در گرو ولایت حق و پیروان آن داشته باشند و از سوی دیگر از ولایت شیطان و پیروان او بی‌زاری جویند.

و این همان حقیقت «تولی»^۱ و «تبری»^۲ است که در مکتب تشیع این همه بر آن تأکید شده است.

۱. «تولی» بر وزن ترقی مصدر باب تفعّل از ماده «ولی» و در لغت به معنای پذیرش ولایت و کسی را ولی خود قرار دادن است. «ولی» در زبان عرب به معنای دوست، یاور و سرپرست آمده است. چنانکه مصدر آن «ولایت» نیز به معنای دوستی، یآوری و سرپرستی استعمال شده است. بنابراین تولی هم می‌تواند به معنای پذیرش دوستی و کسی را دوست خود قرار دادن باشد و هم می‌تواند به معنای پذیرش سرپرستی و کسی را سرپرست خود قرار دادن. اما با توجه به موارد استعمال این کلمه در آیات و روایات می‌توان گفت که دوستی و سرپرستی لازم و ملزوم یکدیگرند و پذیرش دوستی مقدمه پذیرش سرپرستی است؛ چرا که دل سپردن مقدمه سرسپردن است و انسان تا به کسی دل نبندد نمی‌تواند سرسپرده او شود و چنانکه باید و شاید تسلیم او گردد. (ر.ک: ابی‌الفصل جمال الدین محمد بن مکرم (ابن منظور)، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۰۷، ماده «ولی»؛ احمد بن محمد بن علی المقرئ الفیومی، المصباح المتیر فی غریب شرح الکبیر، ص ۶۷۳-۶۷۲؛ علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ج ۵، ص ۶۲۷۲، ماده تولی).

۲. «تبری» نیز بر همان وزن و از همان مصدر از ماده «برء» و به معنای بی‌زاری چشتن، بی‌زار شدن و دوری گزیدن آمده است. (ر.ک: احمد بن محمد بن علی المقرئ الفیومی، همان، ص ۴۶-۴۷، ماده تبری. علی اکبر دهخدا، همان، ج ۴، ص ۵۷۵، ماده تبری). در مورد معنای اصطلاحی این دو کلمه نیز گفته‌اند: تولی و تبری؛ یعنی انسان از لحاظ عاطفی، قلب خود را از محبت و علاقه خدا، پیامبران و ائمه معصومین و جانشینان به حق آنان (فقیهان) و مؤمنان بر کند و در عین حال، بغض و کینه دشمنان آنها را به دل بگیرد و از نظر سیاسی و اجتماعی، سرپرستی، رهبری، دوستی و حکومت الهی را بپذیرد و از حکومت دشمنان اسلام دوری جوید. (ابوالفضل شکوری، فقه سیاسی اسلام، ص ۴۲۹-۴۴۶).

۵. تولی و تبری در آموزه‌های اسلامی

اگر چه «تولی» و «تبری» در اصطلاح از فروع دین پرشمرده شده‌اند، اما از مجموعه معارف اسلامی، به ویژه آموزه‌های مکتب اهل بیت علیهم‌السلام چنین برمی‌آید که این دو موضوع نه فرع دین بلکه همه دین و تمامیت ایمان‌اند و به بیان دیگر دین و ایمان چیزی جز دوستی و رزیدن و بیزاری جستن به خاطر خدا نیست.

«فضیل بن یسار» یکی از یاران امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام مِنَ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ أَمِنَ الْإِيمَانُ هُوَ؟ فَقَالَ: وَهَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ.^۱

از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: آیا دوستی و دشمنی از ایمان است؟ فرمود: آری

ایمان جز دوستی و دشمنی است؟

همچنین از آن حضرت نقل شده است که:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم لِأَصْحَابِهِ: أَيُّ عُرَى الْإِيمَانِ أَوْثَقُ؟ فَقَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ وَقَالَ بَعْضُهُم: الصَّلَاةُ وَقَالَ بَعْضُهُم: الزَّكَاةُ وَقَالَ بَعْضُهُم: الصَّيَامُ وَقَالَ بَعْضُهُم: الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ وَقَالَ بَعْضُهُم: الْجِهَادُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم لِكُلِّ مَا قُلْتُمْ فَضْلٌ وَلَيْسَ بِهِ وَلَكِنْ أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْبُغْضُ فِي اللَّهِ وَتَوَالِي (تَوَلَّى) أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَالتَّبَرُّيُّ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ.^۲

رسول خدا، که درود و سلام خدا بر او و خاندانش باد، به یارانش فرمود:

استوارترین دستاویزهای ایمان کدام است؟ گفتند: خدا و رسولش بهتر

می‌دانند. بعضی گفتند: نماز، بعضی گفتند: زکات، بعضی گفتند: روزه، بعضی

گفتند: حج و عمره و بعضی گفتند: جهاد. پس پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: برای

۱. محمد بن یعقوب الكلینی، همان، ج ۲، ص ۱۲۵، ح ۵.

۲. همان، ص ۱۲۵-۱۲۶، ح ۶.

همه آنچه گفتید فضیلتی است، اما استوارترین دستاویزهای ایمان نیست، بلکه استوارترین دستاویز ایمان، دوستی در راه خدا، پیروی کردن از اولیای خدا و بیزاری جستن از دشمنان خداست.

این همه نیست مگر به دلیل آنکه دوستی‌ها و دشمنی‌های آدمی مبدأ همه کنش‌ها و واکنش‌ها و تأثیر و تأثرهای او و تعیین‌کننده منش و روش او در زندگی فردی و اجتماعی است و نجات و رستگاری یا سقوط و گمراهی هر انسانی بستگی تام و تمامی به این موضوع دارد که او در زندگی خود دل به چه کسی یا چه چیزی بسته و سر به ولایت که سپرده است.

بنابراین می‌توان گفت از آنجا که عصر حاضر، عصر امامت و ولایت امام مهدی علیه السلام است و ایشان حجت الهی در زمان هستند ما از یک سو وظیفه داریم که به ریسمان ولایت مهدوی چنگ زنیم و همه مناسبات فردی و اجتماعی خود را براساس خواست و رضایت او سامان دهیم و از سوی دیگر مکلفیم که از تمسک به ولایت دشمنان آن حضرت خودداری کنیم و از هر آنچه که در تقابل با این ولایت است بیزاری جویم. بدون تردید امروز فرهنگ و تمدن برخاسته از «اومانیزم»، «سکولاریسم» و «لیبرالیسم» غربی - که با خوی استکباری و برتری‌طلبی خود در پی حاکمیت بخشیدن ولایت خود بر سراسر جهان است - در تقابل جدی با فرهنگ ولایت محور شیعی و آرمان «حقیقت‌مدار»، «معنویت‌گرا» و «عدالت‌محور» مهدوی قرار دارد و از این رو بر همه متمسکان به ولایت مهدوی لازم است که از این فرهنگ و تمدن بیزاری جویند و با سلطه‌طلبی آن مقابله کنند. سلطه‌طلبی‌ای که هر روز با شکل و چهره‌ای جدید رخ می‌نماید و تمامیت ایمان، استقلال و آزادی ما را مورد حمله قرار می‌دهد. روزی در چهره استعمار و با بهانه تمدن‌ساختن ملل عقب مانده مشرق زمین و روزی در لباس آزادسازی کشورهای تحت ستم و صدور دموکراسی به این کشورها.

۵.۲. ضرورت دوست‌شناسی و دشمن‌شناسی

البته در اینجا باید به این نکته توجه داشت که شناخت دوستان و دشمنان اهل ایمان مقدمه دل بستن و درآویختن به یکی و بیزاری جستن و دوری گزیدن از دیگری است^۱ و از این رو برای همه کسانی که طالب هدایت و رستگاری‌اند، به ویژه برای کسانی که سر در گرو ولایت آخرین امام از سلسله اولیای خدا، حضرت مهدی علیه السلام دارند، دوست‌شناسی و دشمن‌شناسی ضروری است؛ چرا که اینان تا ولایت مهدوی را - که استمرار ولایت الهی، ولایت محمدی و ولایت علوی است - چنانکه باید نشناسند و از کسانی که در تقابل با جریان ولایت مهدوی هستند شناخت جدی نداشته باشند نمی‌توانند آنچنان که شایسته است به ریسمان ولایت مهدوی درآویزند و از دشمنان این ولایت بیزاری جویند.^۲

با توجه به آنچه گفته شد بر همه مبلغان و مروجان فرهنگ مهدوی به ویژه لازم است که همه تلاش خود را برای شناخت توطئه‌ها و نقشه‌هایی که در عصر حاضر از سوی نظریه پردازان، استراتژیست‌ها و سیاستمداران غربی برای مقابله با اصول‌گرایی اسلامی و تحت سلطه درآوردن کشورهای اسلامی مطرح می‌شود، به کار بندند و با جریان‌های خطرناک و سلطه‌طلبی چون «مسیحیت صهیونیستی» که امروزه با حاکمیت در کاخ سفید در پی نابودی همه کشورهای اسلامی گسترش و توسعه نفوذ اسرائیل در اراضی مقدس مسلمانان است، بیش از پیش آشنا شوند.^۳

۱. در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده آمده است: «والحب قرع المعروفة»؛ دوستی قرع (حاصل) معرفت است. محمد باقر المجلسی، همان، ج ۶۷، ص ۲۲، ج ۲۲.

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: ابراهیم شفیعی سروستانی، «اصلی‌ترین فروع»، مجله موعود، سال هشتم، شماره ۴۶، مرداد و شهریور ۱۳۸۲.

۳. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: مجله موعود، شماره ۳۹-۴۶.

توجه به دیدگاه‌ها و نظرات مراجع عظام تقلید

در طول تاریخ پر فراز و نشیب شیعه افراط‌ها و تفریط‌های فراوانی در موضوع مهدویت صورت گرفته و جریان‌های انحرافی بسیاری در این زمینه شکل گرفته‌اند. اما در همه این زمان‌ها جریان قدرتمند فقاقت و مرجعیت شیعه به عنوان یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های خط تعادل در اندیشه شیعی با همه این انحراف‌ها و کج‌اندیشی‌های مقابله کرده و همواره مبلغ و مروج اندیشه ناب برگرفته شده از تعالیم معصومین علیهم‌السلام بوده است. از این رو بر گروه‌ها و تشکلاتی فعال در حوزه مباحث مهدوی لازم است که برای در امان ماندن از هرگونه افراط و تفریط در فعالیت‌های خود، همواره دیدگاه‌ها و نظرات مراجع عالی‌قدر تقلید و بزرگان حوزه علمیه را مدنظر داشته باشند و از انجام هر نوع فعالیت مغایر با اندیشه و دیدگاه‌های ایشان پرهیز کنند؛ چرا که براساس فرمایش امام عصر علیه‌السلام آن‌ها حجت بر همه ما هستند:

... وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ
أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.^۱

... و اما در رویدادهایی که [برای شما] پیش می‌آید به راویان حدیث ما
مراجعه کنید؛ چرا که آن‌ها حجت بر شما هستند و من حجت خدا برایشان
هستم.

از این رو می‌توان گفت هر فعالیت فرهنگی و تبلیغی، هر چند به نام مبارک
امام عصر علیه السلام که در آن دیدگاه مراجع عظام تقلید نادیده گرفته شود نه تنها مورد
رضایت آن حضرت واقع می‌شود، بلکه چه بسا ممکن است موجب دور شدن
مردم از آرمان‌های واقعی امامشان و گرفتاری هر چه بیش‌تر در دام غفلت گردد.

۱. محمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق)، همان، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴.

توجه به آفت‌ها و آسیب‌های اندیشه مهدوی

اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار نیز چون هر اندیشه و فرهنگی آفت‌ها و آسیب‌هایی دارد که اگر به آن‌ها توجه نشود و به موقع برای برطرف ساختن آن‌ها اقدام نگردد می‌تواند آثار منفی و مخربی داشته باشد. البته این آسیب‌ها می‌تواند در هر زمان متفاوت از زمان دیگر باشد، از این رو مقابله با آن‌ها نیازمند آسیب‌شناسی مستمر و روزآمد از سوی عالمان زمان شناس و مراکز فرهنگی و تحقیقاتی حوزوی و دانشگاهی است. به نظر می‌رسد در حال حاضر فرهنگ مهدوی در جامعه ما با آسیب‌های مختلفی روبروست که می‌توان آن‌ها را در ذیل دو عنوان کلی دسته‌بندی کرد:

۷-۱. عوام‌زدگی و سطحی‌نگری

امروزه شاهد هستیم که گروهی از نویسندگان، سخنرانان و گردانندگان محافل و مجالس مذهبی برای جلب توجه عوام و جذب هر چه بیشتر آن‌ها به موضوعات

و مباحث مهدوی، با به فراموشی سپردن فلسفه واقعی انتظار و کارکردهای اجتماعی آن، مردم را صرفاً به نقل خواب و رؤیا و حکایت‌های ضعیف و بی‌اساس مشغول داشته و با بستن باب هرگونه تعقل و تدبر در معارف مهدوی، برداشت‌های سطحی خود از روایات را ملاک تحلیل و بررسی پدیده ظهور قرار داده‌اند.

سخنرانی‌ها و آثار مکتوبی که از سوی این گروه ارائه می‌شوند، مخاطبان جوان خود را از رسالت سنگینی که در برابر حجت خدا، حضرت صاحب‌الامر علیه السلام و مسئولیت بزرگی که در برابر اجتماع خود دارند، غافل ساخته و آنان را به این اندیشه وامی‌دارد که تنها باید در خلوت خود در جست‌وجوی امام غائب بود و تلاش کرد که با به دست آوردن ادعیه، توسلات و ختوماتی راهی برای تشرف خدمت آن حضرت پیدا کرد.^۱ قطعاً اگر این قبیل افراد به آرزوی خود دست نیابند و راهی برای ملاقات با امامشان پیدا نکنند دچار دل‌زدگی و ناامیدی شده و شاید به‌طور کلی از فرهنگ مهدوی روی‌گردان می‌شوند.

خطر دیگری که این قبیل سخنرانی‌ها و آثار دارد این است که اعتقاد به امام مهدی علیه السلام را در نزد کسانی که هنوز به حقایق شیعه و عمق اندیشه مهدوی پی نبرده‌اند، اعتقادی موهوم و آمیخته با خرافه جلوه می‌دهد.

۱. این سخن هرگز به معنای نفی فضیلت تشرف خدمت حضرت صاحب‌الامر علیه السلام و ملاقات ایشان نیست؛ چرا که اگر دیدار آن حضرت فضیلت نداشت هرگز به ما سفارش نمی‌کردند که در هر بامداد و به هنگام تجدید عهد با امام عصر علیه السلام با خدای خود نجوا کنید که: «اللّٰهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ»؛ بار خدایا آن چهره زیبای رشید را به من بنمای. بلکه این سخن ناظر به دیدگاه‌هایی است که ملاقات با امام زمان علیه السلام و تلاش برای رسیدن به آن را به عنوان اصلی‌ترین وظیفه منتظران مطرح می‌کند.

۷-۲. روشنفکر زندگی و تأویل‌گرایی

گروهی دیگر از نویسندگان و سخنرانان که همه جهان پیرامون خود را تنها با عینک مدرنیسم می‌بینند و همه حقایق هستی را با ملاک علوم تجربی و انسانی غربی تجزیه و تحلیل می‌کنند، به ارائه برداشت‌های روشنفکرانه از قیام و انقلاب مهدی پرداخته و شاخصه‌های دموکراسی لیبرال را ملاکی برای ارزیابی حکومت امام عصر^{علیه السلام} قرار داده‌اند. این گروه تلاش می‌کنند که روایات مربوط به ظهور و حوادث پس از آن را به گونه‌ای تأویل و تفسیر کنند که با چارچوب‌های به ظاهر علمی پذیرفته شده از سوی آن‌ها هیچ تهافتی نداشته باشد.

آثاری که براساس دیدگاه‌های این گروه عرضه می‌شوند، از یک سو اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار را در اذهان مخاطبان خود در حد یک اندیشه اجتماعی، چون دیگر اندیشه‌های اجتماعی - که چه بسا در آن جای چون و چرا و نقض و ابرام نیز وجود دارد - تنزل داده و رفته رفته جوانان را نسبت به حتمیت و قطعیت واقعه ظهور و کارآمدی آن دچار تردید می‌کند. و از سوی دیگر این اندیشه را از همه پشتوانه‌های غیبی و الهی خود تهی ساخته و امام مهدی^{علیه السلام} را در قالب رهبر یک جنبش اجتماعی که چون هر رهبر اجتماعی دیگر گرفتار سازوکارهای پذیرفته شده جوامع بشری است، مجسم می‌سازد.

چنان‌که گفته شد هر یک از این دو دیدگاه آثار و پیامدهای مخربی برای اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار داشته و لطمات جبران‌ناپذیری به کارکردها و آثار این اندیشه و فرهنگ وارد می‌سازد. از این رو لازم است که مبلغان و مروجان فرهنگ مهدوی با درایت و تیزبینی از غلبه این قبیل دیدگاه‌ها بر فعالیت‌های خود جلوگیری و با آثار زیانبار آن‌ها مقابله کنند.^۱

۱. برای مطالعه بیشتر در زمینه آسیب‌شناسی باور مهدوی ر.ک: «آسیب‌شناسی تربیتی مهدویت»، خسرو یاقری، مجله انتظار، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۰.

زدودن مطالب ضعیف و باورهای نادرست

چنانکه می‌دانید وعده به ظهور امام مهدی علیه السلام به عنوان عدالت‌گستر موعود از همان سال‌های آغازین ظهور اسلام؛ یعنی عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آغاز شد و در عصر امامت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام به اوج خود رسید. با توجه به این موضوع بود که رفته رفته مجموعه قابل توجهی از روایات در ارتباط با موضوع تولد، غیبت و حوادث پیش و پس از ظهور امام مهدی علیه السلام شکل گرفتند که راویان و محدثان شیعه و اهل سنت سینه به سینه نقل یا در کتاب‌های خود ثبت نموده بودند. اما حوادث مختلف سیاسی، اجتماعی که در طول تاریخ اسلام و در عصر خلافت امویان و عباسیان رخ داد موجب شد که اولاً برخی از روایت‌های نقل شده از معصومین با دقت و صراحت کافی به ما منتقل نشوند و ثانیاً گروه‌ها و اقشار مختلف از جمله: دستگاه خلافت و صاحبان قدرت و منصب، گروه‌های معارض و داعیه‌داران خلافت و حکومت، مخالفان شیعه،

افراد متأثر از آموزه‌های یهودی و... با اغراض و انگیزه‌های مختلف به جعل^۱ (وضع)، تحریف^۲ و تدلیس^۳ در این مجموعه روایات - به ویژه روایات نقل شده از طریق اهل سنت - دست بزنند تا بتوانند یا این روایات را بر خود منطبق کنند؛ یا به وسیله آن‌ها با جریان و خط اصیل امامت مقابله کنند؛ یا اینکه با ارائه چهره‌ای مخدوش، خونریز و خشونت طلب از امام مهدی علیه السلام مردم را از انتظار آن حضرت بر حذر دارند.^۴

از سوی دیگر جذابیت و گیرایی خاصی که در موضوع منجی گرایی و مباحث

۱. «جعل» در لغت به معنای ساختن، قرار دادن، نهادن، مبدل ساختن، دیگرگون کردن و از حالتی به حالت دیگر درآوردن آمده است (ر.ک: علی اکبر دهخدا، همان، ج ۵، ص ۶۸۳۵) و در اصطلاح علم حدیث به معنای ساخت حدیث دروغین است، شایان ذکر است که در کتابهای «علم الحدیث» یا «علم الدراية» به جای این واژه بیش تر از کلمه «وضع» استفاده می شود. به حدیث دروغین و حدیثی که راوی، خود آن را ساخته باشد، حدیث مجعول یا موضوع می گویند. (ر.ک: کاظم مدیر شانه چی، همان، ج ۲، ص ۸۹؛ سید رضا مؤدب، همان، ص ۱۱۳).

۲. معنای لغوی «تحریف» گردانیدن سخن و چیزی از جای خود است و معنای اصطلاحی آن کم و زیاد کردن در سند یا متن حدیث یا نهادن حرفی به جای حرف دیگر است. گاه به جای این اصطلاح از کلمه «تصحیف» استفاده می شود. شایان ذکر است که تحریف یا تصحیف گاه به صورت غیر عمدی و به دلیل اشتباه راوی یا کسانی که از کتاب های حدیثی نسخه برداری کرده اند رخ می دهد و گاه به صورت عمدی با هدف تغییر در معنای حدیث. به حدیثی که در آن تحریف و تصحیف رخ داده، معرّف و مصحّف می گویند. (ر.ک: کاظم مدیر شانه چی، همان، ص ۶۵ و ۶۶؛ سید رضا مؤدب، همان، ص ۶۴ و ۶۵).

۳. «تدلیس» در لغت، پنهان کردن و پوشیدن عیب کالا بر خریدار معنا می دهد. (ر.ک: علی اکبر دهخدا، همان، ج ۴، ص ۵۷۳۷) و در اصطلاح علمای حدیث به معنای پوشاندن و مخفی کردن عیب حدیث است. به این گونه که راوی در سند حدیث عملی انجام دهد که موجب اعتبار آن شود؛ مانند اینکه راویان ضعیف را از سند حدیث حذف کند، یا از کسی روایت کند که او را ندیده یا از او خبری شنیده است. به حدیثی که در آن تدلیس صورت گرفته، حدیث «مدلّس» می گویند. (ر.ک: کاظم مدیر شانه چی، همان، ص ۸۵؛ سید رضا مؤدب، همان، ص ۱۰۵).

۴. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۱۷-۲۲۶؛ محمد صادقی، «تأملی در روایت های علایم ظهور»، فصلنامه انتظار، ش ۸ و ۹ و ۱۰، تابستان و پاییز و زمستان ۱۳۸۲؛ جمعی از نویسندگان حوزه، چشم به راه مهدی علیه السلام، مقاله «بررسی نشانه های ظهور» اسماعیل اسماعیلی، ص ۲۴۱-۳۱۳.

مربوط به آینده و آخرالزمان وجود دارد موجب شده که در طول تاریخ خرافات^۱ و اندیشه‌های موهوم بسیاری بر حول این باور و اعتقاد اصیل شکل گیرد که این روند در عصر حاضر نیز متوقف نشده و به دلیل گرایش شدید مردم به فرهنگ مهدوی، هنوز هم کسانی گاه - به گمان خودشان - با انگیزه‌های خیرخواهانه و گاه با انگیزه‌های سودجویانه، به ترویج خرافات و اندیشه‌های موهوم در میان مردم می‌پردازند.

با توجه به همین شرایط بود که چندی پیش حضرت آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی، از مراجع عظام تقلید، در پایان درس خارج خود، با ابراز نگرانی از رواج خرافات در جامعه فرمودند:

اخیراً در محراب مسجد جمکران یک تشکیلات شیشه‌ای سبزرنگ و چراغ و... درست کرده‌اند که کم‌کم به صورت امامزاده‌ای درآمده است... مردم برای بوسیدن این شیشه صف می‌کشند به شیشه‌ها دست می‌کشند و به خودشان می‌مالند، کسانی هم هنگام دور شدن عقب عقب می‌روند مثل کاری که در حرم امامان و امامزاده‌ها می‌کنند... بعضی‌ها هم فاتحه می‌خوانند، عده‌ای تعظیم می‌کنند، بعضی از عوام هم می‌گویند اینجا قبر حضرت ولی عصر علیه السلام است... حتماً چند سال دیگر هم فردی پیدا می‌شود و کتابی می‌نویسد که ۷۰ نفر از اوتاد در اینجا دفن شده‌اند... هر کس مرتکب این کار شده اشتباه کرده است، این ضربه‌ای به مسجد جمکران است... مسجد جمکران، مسجدی خالص از هرگونه خرافات بود، آمده‌اند آلوده‌اش کرده‌اند.^۲

۱. «خرافه» در لغت به معنای سخن بیهوده، حدیث باطل و افسانه و اسطوره، کلام پریشان و بیهوده که قابل اعتماد نباشد، گفته‌ها یا عقاید بی‌بنیان و وهمی، سخن بیهوده، رک: علی اکبر دهخدا، همان، ج ۶، ص ۸۶۴۲، محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲. هفته‌نامه ۱۹ دی، شماره ۲۶۶، یکشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۸۲.

لازم به یادآوری است که در پی این تذکر روشنگرانه حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی، تولیت محترم مسجد مقدس جمکران اقدام به جمع آوری موارد یاد شده نمود و در حال حاضر این مسجد کاملاً از این مظاهر خرافه پاکسازی شده است.

با توجه به آنچه گفته شد بر همه مؤسسات، مراکز و کانون های فرهنگی مهدوی لازم است که با ژرف اندیشی و احاطه کافی بر معارف مهدوی، اولاً این معارف را از هرگونه روایت ضعیف و احیاناً مجعول و مخرف و همچنین از باورهای خرافی پالایش کنند و ثانیاً در حد توان جلوی عرضه این گونه مطالب را بگیرند.

توجه به کارکردهای مجالس و مراسم مهدوی

جشن‌ها و مراسمی که به نام امام عصر علیه السلام و برای بزرگداشت یاد ایشان برپا می‌شوند، فرصت مناسبی برای تجدید پیمان با آن امام، یادآوری تکالیف و رسالت‌های ما نسبت به آن حضرت، ترویج فرهنگ انتظار و آماده‌سازی جامعه برای ظهور یگانه منجی عالم بشریت است. اما متأسفانه در سال‌های اخیر بسیاری از این جشن‌ها و مراسم کارکرد اصلی خود را از دست داده و به مجالسی خنثی، بی‌محتوا و گاه ضد انتظار و مروج سکون و رکود تبدیل شده‌اند. حتی در مواردی دیده شده است که در این جشن‌ها و مراسم اعمالی صورت می‌گیرد که بخلاف شرع آشکار و برخلاف خواسته حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا له الفداء است. اعمالی چون پخش موسیقی‌های مبتذل، اختلاط زن و مرد، اسراف و تبذیر، اجرای نمایش‌های سخیف و بی‌محتوا و

در این شرایط وظیفه گروه‌ها و تشکل‌های فعال در حوزه فرهنگ مهدوی دو چندان شده و بر آن‌ها لازم است که ضمن تلاش برای حفظ کارکرد اصلی مجالس و مراسم مهدوی از هر عملی که بر خلاف احترام و قداست این گونه مراسم و مغایر با خواسته‌های امام عصر علیه السلام است جلوگیری کنند.

توجه به بیانات حضرت آیه الله العظمی صافی گلپایگانی که خطاب به دومین همایش «مهدویت؛ جهان آینده و استراتژی انتظار» صادر شده در این زمینه راهگشاست. ایشان می‌فرماید:

از این برنامه‌ها که به عنوان جشن و مجالس چراغانی، شادباش، مدیحه‌سرایی، سخنرانی و همایش برگزار می‌شود، باید در جهت اهداف عالی آن وجود مقدس و حجة الله یگانه زمان، بهره‌برداری شود و پیرامون شخصیت منحصر به فرد آن ولی خدا و ابعاد و اطراف و خصائص مأموریت بزرگی که بر عهده آن حضرت است و در حقیقت مکمل بعثت همه انبیا و رسالات آسمانی است، تبلیغ کنند که همه این برنامه‌ها موجب خشنودی و رضایت خاطر آن حضرت است و نیز همگان را از کارها و اعمالی که باعث نگرانی و رنجش خاطر آن حضرت می‌شود، برحذر نمایند.^۱

با امید به این که خداوند متعال به همه ما توفیق فعالیت تبلیغی مهدوی، همراه با معرفت و خلوص کامل و به دور از هرگونه افراط و تفریط عطا فرماید.

گشودن زوایای جدید در طرح مباحث مهدوی

فراگیر شدن شور و شوق انتظار در جامعه ما و گرایش گروه‌های مختلف اجتماعی به ویژه اقشار فرهیخته و تحصیل کرده به مباحث مهدوی، ضرورت پرداختن عالمانه و متناسب با خواست و نیاز گروه‌ها و اقشار مختلف اجتماعی به این مباحث را دو چندان ساخته و رسالت مراکز، نهادها و گروه‌های فعال در این حوزه را سنگین‌تر نموده است. بدیهی است که در شرایط حاضر نمی‌توان تنها با طرح مطالب و مباحث سنتی مهدوی آن‌هم در قالب‌ها و اشکالی که پیش از این مرسوم بوده، نیاز روز افزون جامعه به این مباحث را پاسخ داد. از این رو بر مبلغان فرهنگ مهدوی لازم است که با گشودن زوایای جدید در طرح مباحث مهدوی و پرداختن به موضوعات مختلف اجتماعی از منظر فرهنگ انتظار، ارائه این‌گونه مطالب و مباحث را هم از نظر محتوا و هم از نظر قالب دچار تحول سازند.

امروزه می‌توان از منظر علوم مختلف انسانی؛ از جمله جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد و حتی از منظر هنرهای تصویری چون سینما به ارائه مباحث مهدوی پرداخت و با طرح موضوعات و مسائل جدیدی که تا کنون در این حوزه مطرح نبوده توجه مخاطبان را جلب نمود. موضوعات و مسائلی چون آینده جهان و جهان آینده، اقتصاد جهانی، عدالت اجتماعی، حکومت جهانی، جهانی شدن، آثار روانی و تربیتی انتظار، آسیب‌شناسی اجتماعی انتظار، منجی‌گرایی در سینما و....

البته ورود به این حوزه نیازمند دقت، ژرف‌نگری و احاطه به مباحث مهدوی از یک سو و علم و اطلاع کافی از مبانی علوم مورد نظر از سوی دیگر است و همین‌رو لازم است کانون‌ها و مجامع مهدوی که قصد ورود به این حوزه را دارند، پیش از هر اقدامی با کارشناسان شناخته شده و مورد اطمینان مشورت نمایند، تا خدای نخواسته به دام التقاط یا ابتدال گرفتار نشوند.

پرهیز از تعیین وقت برای ظهور

در فصل اول این کتاب در بیان نقش سازنده انتظار گفتیم که: انتظار منجی از سویی عاملی برای پایداری و شکیبایی در برابر سختی‌ها و مشکلات عصر غیبت و از سویی دیگر عاملی برای پویایی و تحرک شیعیان و آماده‌باش همیشگی آنان است. براساس تعالیم ائمه معصومین علیهم‌السلام منتظر باید هر لحظه آماده ظهور باشد و زندگی خود را چنان سامان دهد که هر زمان اراده خدا به ظهور تعلق گرفت بتواند با سربلندی در پیشگاه حجت خدا ظاهر شود.

به عبارت دیگر انتظار ظهور حجت در آینده‌ای نامشخص هم بیم‌دهنده و هم نویدبخش است. بیم‌دهنده است؛ زیرا منتظر با خود می‌گوید شاید همین سال، همین ماه و یا همین روز ظهور رخ دهد پس باید آماده حضور در پیشگاه حجت خدا و ارائه اعمال خود به آن حضرت باشم. و امیدبخش است؛ چرا که منتظر می‌اندیشد شاید در آینده‌ای نزدیک ظهور رخ دهد و سختی‌ها و مشکلات او به

پایان برسد و لذا باید پایداری و مقاومت ورزید و تسلیم جریان‌هایی نشد که در پی غارت سرمایه‌های ایمانی و اعتقادی‌اند.

با توجه به مطالب یاد شده، می‌توان گفت که تعیین زمان برای ظهور برخلاف مفهوم و فلسفه انتظار است و چه بسا منتظر را به سستی و یا ناامیدی بکشد؛ زیرا وقتی گفته شود که تا فلان زمان مشخص، هر چند آینده‌ای نه چندان دور، ظهور به وقوع نخواهد پیوست، ما به طور طبیعی دچار سکون و رکود می‌شویم و به این بهانه که هنوز تا ظهور فاصله داریم؛ از به دست آوردن آمادگی لازم برای ظهور خودداری می‌کنیم.

از سویی دیگر اگر ظهور به هر دلیل در زمانی که به ما وعده داده شده رخ ندهد ما دچار ناامیدی و یأس می‌شویم و چه بسا که در اصل اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان نیز دچار تردید شویم. این نکته‌ای است که در روایات نیز مورد توجه قرار گرفته است.

از جمله در روایتی که فضیل بن یسار از امام محمد باقر علیه السلام نقل کرده، آن حضرت در پاسخ این پرسش که «آیا برای این امر (برخاستن قائم علیه السلام)، وقت (مشخص) وجود دارد، فرمود:

كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، كَذِبَ الْوَقَاتُونَ، إِنَّ مُوسَى عليه السلام، لَمَّا خَرَجَ وَافِدًا إِلَى رَبِّهِ وَاعَدَهُمْ ثَلَاثِينَ يَوْمًا، فَلَمَّا زَادَهُ عَلَى الثَّلَاثِينَ عَشْرًا قَالَ قَوْمُهُ: قَدْ أَخْلَفْنَا مُوسَى فَضَعُوهَا مَا صَنَعُوا...^۱

کسانی که برای این امر وقت تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند (آن حضرت سه مرتبه این سخن را تکرار کرد و آنگاه فرمود:) زمانی که موسی علیه السلام قومش را

۱. محمد بن یعقوب الکلبینی، همان، ج ۱، ص ۳۶۸-۳۶۹.

برای رفتن به قراری که با پروردگارش داشت ترک کرد، به آن‌ها وعده داد که تا سی روز دیگر برمی‌گردد، اما زمانی که خداوند ده روز دیگر بر آن سی روز افزود، قومش گفتند: موسی خلاف وعده کرد پس آن کردند که کردند... داستان ارتداد قوم یهود و گوساله پرست شدن آن‌ها در پی تأخیر ده روزه حضرت موسی در تاریخ مشهور است و این هشدار است به همه کسانی که در پی تعیین وقت برای ظهورند.

آنچه در روایات امام باقر علیه السلام در مورد فلسفه تعیین نشدن وقت ظهور آمده بود، به بیانی دیگر در روایتی که از امام موسی کاظم علیه السلام نقل شده، آمده است. آن حضرت در این زمینه می‌فرماید:

فَلَوْ قِيلَ لَنَا: إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَكُونُ إِلَّا مِائَتِي سَنَةٍ أَوْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سَنَةٍ لَمَسَّتِ الْقُلُوبُ وَارْجَعَتْ غَائِمَةُ النَّاسِ عَنِ الْإِسْلَامِ، وَلَكِنْ قَالُوا: مَا أَسْرَعُهُ وَمَا أَقْرَبُهُ تَأَلُّفًا لِقُلُوبِ النَّاسِ وَتَقْرِيبًا لِلْفَرَجِ.^۱

اگر به ما گفته می‌شد: این امر [ظهور قائم] تا دویست سال و یا سیصد سال دیگر واقع نمی‌شود؛ دل‌ها سبخت می‌شد و بیشتر مردم از اسلام برمی‌گشتند، اما گفته‌اند: این امر چه با شتاب پیش می‌آید و چه نزدیک است! تا دل‌های مردم الفت گیرد و فرج نزدیک احساس شود.

بنابراین همه باید تلاش خود را متوجه اصل قضیه انتظار فرج، منتظر نگه‌داشتن مردم، حفظ شادابی و سرزندگی انتظار در آن‌ها و یادآوری وظایف منتظران کنند و از پرداختن به موضوع زیان‌ظهور و تعیین وقت برای تان خودداری نمایند.^۲

۱. همان، ص ۳۶۹، ح ۶.

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: ابراهیم شفیعی سروستانی، «زمزمه‌های ظهور»، موعود، سنال سوم، شماره ۱۸، بهمن و اسفند ۱۳۷۸.

پرهیز از طرح مطالب سست، واهی و بی اساس

مروری اجمالی بر صدها کتاب روایی، کلامی، تاریخی و... که محققان و دانشمندان شیعه و اهل سنت از سال‌ها پیش از تولد و غیبت امام دوازدهم تاکنون در این باره نگاشته‌اند^۱ و نگاهی گذرا به هزاران روایتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام در زمینه موضوعات مختلف مرتبط با امام عصر علیه السلام وارد شده،^۲ نشان می‌دهد که اعتقاد به امام مهدی علیه السلام به عنوان آخرین حجت الهی و متجلی

۱. تنها در کتاب الذریعه مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی افزون بر چهل کتاب و رساله با عنوان «الغیبه» معرفی شده که از سوی فقها، متکلمان و محدثان بزرگ شیعه در طی قرون متمادی به رشته تحریر درآمده است. در کتابنامه‌هایی هم که در سال‌های اخیر به چاپ رسیده نزدیک به دو هزار کتاب که در زمینه مباحث مهدوی نوشته شده‌اند معرفی شده است. رک: علی اکبر مهدی‌پور، کتابنامه امام مهدی علیه السلام.
۲. چنان که پیش از این گفته شد در کتاب منتخب الاثر حضرت آیه الله صافی گلپایگانی، نزدیک به ۱۳۰۰ روایت و در کتاب معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام نزدیک به دو هزار روایت از طریق شیعه و اهل سنت در زمینه مباحث مختلف مرتبط با امام مهدی علیه السلام نقل شده است که البته این ارقام صرف نظر از روایات مشابه و تکراری است.

آخرالزمان، در معارف اسلامی از چنان مبانی و پایه‌های عقلی و نقلی استوار و خلل‌ناپذیری برخوردار است که راه هرگونه انکار و تردید را بر مخالفان این اندیشه می‌بندد و مدافعان این اندیشه را نیز از دست یازیدن به مطالب سست، واهی، خیالی و خواب و رویاهای بی‌اساس برای اثبات حقیقت این اندیشه بی‌نیاز می‌سازد.

حضرت آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی، از مراجع عظام تقلید، در پیامی به «دومین جشنواره برترین‌های فرهنگ مهدویت» در این زمینه می‌فرماید:

در اینجا تذکر این نکته را لازم می‌بینم که در این وادی اهل فکر و تحقیق باید معارف را به صورت ناب و خالص و به دور از هرگونه حشو و زواید در اختیار مردم قرار دهند. باید از بیان امور سست و واهی و چه بسا کذب که اساس اعتقاد مردم را متزلزل می‌کند اجتناب نمایند. در تثبیت حقیقت امامت هیچ نیازی به بیان رویاهای کاذب و حوادث غیرصحیح نیست. باید در منابع از جذبه‌های واقعی ولایت و آثار و کرامت‌های مسلم‌الثبوت و حقیقی آن استفاده نمایند و به بیان دیگر باید به دنبال تحکیم عقاید باشیم و نه فقط برانگیختن احساسات، که آن امری است غیر پایدار و گذرا.^۱

تکیه بر مطالب سست و بی‌بنیادی چون خواب و رویا برای ترویج و تبلیغ فرهنگ مهدوی، نه تنها مردم را همواره در سطحی نازل از ایمان و آگاهی قرار می‌دهد، بلکه اعتقاد و باور آن‌ها را نیز بسیار شکسته و آسیب‌پذیر می‌سازد؛ زیرا مردمی که تنها با بیان یک خواب و رویا جذب فرهنگ مهدوی می‌شوند، یا وقوع اندک خدشه‌ای در این نقل‌ها دچار تزلزل و سردرگمی می‌گردند.

با عنایت به مطالب یاد شده بر همگان لازم است که در تبلیغ و ترویج فرهنگ مهدوی، به نحو شایسته‌ای به نکات زیر توجه کنند:

۱۲-۱. تلاش در جهت دفاع عقلانی از اندیشه مهدوی و فرهنگ انتظار و تبیین هر چه بهتر و دقیق‌تر مبانی این اندیشه و فرهنگ؛

۱۲-۲. دقت و مراقبت کامل در نقل مطالب و مباحث مهدوی، به ویژه حکایت‌های مربوط به تشریفات، و توجه به منابع و مستندات مطالب و مباحث نقل شده؛

۱۲-۳. پرهیز از مطرح ساختن خواب و رؤیاهایی که پایه و اساس محکم و متقنی ندارند، هر چند بسیار جذاب و اثرگذار باشند.

پرهیز از اغراض جناحی و گروهی

در سال‌های اخیر با گسترش فعالیت‌های مهدوی در جامعه، خیل وسیعی از مردم، از گروه‌ها و اقشار مختلف اجتماعی و با گرایش‌ها و تمایلات متفاوت سیاسی، بیش از پیش به فرهنگ مهدوی روی آورده و به حضرت مهدی علیه السلام به عنوان پایان بخش همه ناامیدی‌ها و ناامردی‌ها و آخرین ذخیره شیعه برای رهایی همه جهان از تیرگی‌ها و پلیدی‌ها دل بسته‌اند. از این رو بر همه مراکز، مؤسسات، هیأت‌های مذهبی و کانون‌هایی که به فعالیت‌های مهدوی مشغولند، لازم است که در فعالیت‌های خود تنها رضایت حضرت صاحب الامر علیه السلام را در نظر داشته باشند و از درآمیختن این موضوع با هرگونه اغراض و گرایش‌های جناحی و گروهی خودداری کنند؛ زیرا در این شرایط هر حرکتی که در جهت کسب منافع جناحی و گروهی و بهره‌برداری سیاسی و حزبی از این گرایش ناب و خالص مردمی صورت گیرد، موجب از دست رفتن آخرین امید مردم، بدبین شدن آن‌ها به فعالیت‌های مهدوی و در نتیجه پراکنده شدن آن‌ها از پیرامون مهم‌ترین محور وحدت امت اسلامی می‌شود که این خود خطایی جبران‌ناپذیر و گناهی نابخشودنی است.

پرهیز از موضوعات و مباحث کم‌اهمیت یا بی‌اهمیت

چنانکه پیش از این نیز گفته شد در معارف اسلامی شناخت امام از جایگاه و اهمیت به سزایی برخوردار است تا آنجا که وقتی شخصی از امام حسین (ع) می‌پرسد:

يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ يَا بَنِيَّ أَنْتَ وَأُمِّي فَمَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟

ای فرزند رسول خدا، پدر و مادرم فدایت، معرفت خدا چیست؟

آن حضرت پاسخ می‌دهند:

مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ.^۱

شناخت اهل هر زمان نسبت به امامی که باید از او فرمان برند.

حال این پرسش مطرح می‌شود که شناخت امام زمان - که همه ما موظف به کسب آن هستیم - چه محدوده‌ای دارد و چه موضوعاتی را شامل می‌شود؟ در

۱. محمدباقر المجلسی، همان، ج ۲۶، ص ۲۶۰، ح ۳۸.

پاسخ این پرسش می‌توان گفت: چنانکه از روایت یادشده نیز به دست می‌آید، شناخت امام عصر علیه السلام مقدمه‌ای برای اطاعت اوست و از این رو ما تنها موظف به شناخت آن دسته از موضوعات و مسائل مرتبط با امام عصر خود هستیم که ما را به اطاعت او نزدیک‌تر و از مخالفت او دورتر می‌سازد یا بر آمادگی و شوق ما برای حاضر شدن در پیشگاه آن حضرت و اطاعت از اوامر و نواهی ایشان می‌افزاید. و شناخت هر آنچه که دانستن آن هیچ تأثیری در اطاعت ما نسبت به آن امام ندارد، در دایره تکلیف ما داخل نمی‌شود.

با توجه به آنچه گفته شد، مروجان و مبلغان فرهنگ مهدوی باید همه توان خود را صرف پرداختن به موضوعاتی چون: ویژگی‌ها و خصائص امام، ضرورت وجود امام و حجت الهی، جایگاه حجت در عالم هستی، مفهوم، ضرورت و فضیلت انتظار، وظایف منتظران، چگونگی تحقق ظهور، ویژگی‌های جهان پس از ظهور و... نمایند و از پرداختن به موضوعات و مسائل کم‌اهمیت یا بی‌اهمیتی که دانستن آن‌ها وظیفه و تکلیف مردم نیست و تأثیری هم در اطاعت آن‌ها نسبت به امام زمان علیه السلام ندارد، خودداری کنند و آذهان مخاطبان خود را درگیر این‌گونه موضوعات و مسائل نسازند. موضوعات و مسائلی از این دست که محل زندگی و اقامت عصر علیه السلام کجاست، آیا آن حضرت زن و فرزند دارد و آیا...؟

کتابنامه

۱. ابن طاووس، السيد علی بن موسی، إقبال الأعمال، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ق.
۲. ابن طاووس، السيد علی بن موسی، مصباح الزائر، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، لإحياء التراث، ۱۴۱۷ق.
۳. ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵+۳ج، چاپ اول: بیروت، دار احیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۱۶ق.
۴. الاربلی، ابی الحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، ۳ج، چاپ دوم: بیروت، دارالأضواء، ۴۰۵ق.
۵. امام خمینی، سید روح الله الموسوی، شئون و اختیارات ولی فقیه (ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع)، چاپ اول: تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵.
۶. امام خمینی، سید روح الله الموسوی، کتاب البیع، نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۹۴ق.
۷. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، چاپ مجدد هم: قم، شفق، ۱۳۷۸.
۸. باقری، خسرو، آسیب شناسی تربیتی مهدویت، مجله انتظار، شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
۹. البحرانی الحسینی، السيد هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب العلمیه.
۱۰. البرهان القوری، علی بن حسام الدین المتقی، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، ۱۶ج، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.
۱۱. بنی هاشمی، سید محمد، معرفت امام عصر علیه السلام، چاپ اول: تهران، نیک معارف، ۱۳۷۵.
۱۲. پور طباطبائی، سید مجید، در جست و جوی قائم: معرفی ۱۸۵۲ جلد کتاب پیرامون احوالات حضرت بقیه الله الأعظم امام زمان علیه السلام، چاپ اول: قم، مسجد مقدس صاحب الزمان قم (جمکران)، ۱۳۷۰.
۱۳. جرّ، خلیل، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طینیان، ۲ج، چاپ نهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.

۱۴. جمعی از نویسندگان مجله حوزه، چشم به راه مهدی علیه السلام، چاپ سوم: قم، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۲.

۱۵. حائری یزدی، شیخ علی، چهره درخشان امام زمان (ترجمه الزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب علیه السلام)، مترجم: سید محمد جواد مرعشی نجفی، ۳ ج، چاپ اول: قم، علمیه، ۱۴۰۱-۱۳۹۹ ق.

۱۶. البحر العاملی، محمد بن الحسن، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ۷ ج، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، مترجم احمد جنتی، چاپ اول: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۶.

۱۷. الحرانی، ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبة، تحف العقول عن آل الرسول، چاپ دوم: قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۳.

۱۸. حکیمی، محمد، در فجر ساحل، تهران: آفاق، ۱۳۷۵.

۱۹. حکیمی، محمدرضا، خورشید مغرب (غیبت، انتظار، تکلیف)، چاپ اول: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.

۲۰. خادمی شیرازی، محمد، مجموعه سخنان، توقیعات و ادعیه حضرت بقیه الله علیه السلام، چاپ دوم: قم، رسالت، ۱۳۷۷.

۲۱. خادمی شیرازی، محمد، نشانه‌های ظهور او، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۸.

۲۲. الخوری الشرتونی اللبنانی، سعید، أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، ۳ ج، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ ق.

۲۳. دستغیب، سید عبدالحسین، گناهان کبیره، ۲ ج در یک مجلد، چاپ سیزدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹.

۲۴. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، چاپ اول از دوره جدید: تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

۲۵. راز و نیاز منتظران: دعاها، زیارت‌ها و نمازهای ویژه حضرت صاحب الزمان، چاپ اول: تهران، موعود، ۱۳۸۰.

۲۶. رازی، محمد، تحفه قدسی در علائم ظهور مهدی موعود (ترجمه کتاب الغیبه شیخ طوسی)، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۰.

۲۷. الراغب الاصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشی، بیروت، دار الکلمات العربی، ۱۳۹۲ ق.

۲۸. رکنی، محمد مهدی، نشانی از امام غایب، عجل الله تعالی فرجه، بازنگری و تحلیل توقیعات، مشهد، آستان قدس رضوی.
۲۹. سلیمان، کامل، روزگار رهایی (ترجمه یوم الخلاص)، ۲ ج، ترجمه علی اکبر مهدی پور، چاپ سوم، تهران، آفاق، ۱۳۷۶.
۳۰. شفیعی سروسستانی، ابراهیم، «اصلی ترین فروع»، موعود، سال هشتم، شماره ۴۶، مرداد و شهریور ۱۳۸۲.
۳۱. شفیعی سروسستانی، ابراهیم، «زمزمه های ظهور» موعود، سال سوم، شماره ۱۸، بهمن و اسفند ۱۳۷۸.
۳۲. شفیعی سروسستانی، ابراهیم، شناخت زندگی بخش (گفتارهایی در شناخت آخرین حجت حق)، چاپ اول، تهران، موعود عصر، ۱۳۷۸.
۳۳. شفیعی سروسستانی، اسماعیل، درآمدی بر استراتژی انتظار، ۲ ج در یک مجلد، چاپ اول، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۱.
۳۴. شکوری، ابوالفضل، فقه سیاسی اسلام، چاپ دوم: قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۳۵. شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۶. شیخ صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ۲ ج، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، مترجم منصور پهلوان، چاپ اول: قم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۸۰.
۳۷. شیخ صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ۲ ج در یک مجلد، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۳۸. شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، مصباح المتهجد، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
۳۹. شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، کتاب الغیبة، تحقیق عیاد الله الطهرانی و علی احمد ناصح، چاپ دوم: قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۷ ق.
۴۰. شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، کتاب الغیبة، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، بی تا.
۴۱. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ۲ ج، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، علمیه اسلامیه، بی تا.

۴۲. شیرازی، سید حسن، کلمة الإمام المهدی علیه السلام، مترجم سید حسن افتخارزاده سبزواری، چاپ اول: تهران، آفاق، ۱۴۰۷ ق.

۴۳. صادقی، محمد، «تأملی در روایت های علائم ظهور»، فصلنامه انتظار، ش ۸، ۹ و ۱۰، تابستان، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.

۴۴. الصافی گلپایگانی، لطف الله، امامت و مهدویت، ۲ ج، چاپ اول: قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵.

۴۵. صافی گلپایگانی، لطف الله، معرفت حجت خدا (شرح دعای اللهم عزّنی نفسک)، چاپ اول: قم، حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۷۵.

۴۶. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام، ۳ ج، چاپ اول: قم، مکتب المؤلف، ۱۴۲۲ ق.

۴۷. صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی - قدس سره)، ۲۱ ج، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.

۴۸. الطبرسی، أبی علی الفضل بن الحسن (امین الإسلام طبرسی)، إعلام الوری بأعلام الهدی، ۲ ج، تحقیق مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، چاپ اول: قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۷ ق.

۴۹. الطبرسی، أبی منصور احمد بن علی بن أبی طالب، الاحتجاج، تحقیق ابراهیم البهادری، محمد هادی به، به اشراف: جعفر سبحانی، ۲ ج، چاپ اول: قم، اسوه، ۱۴۱۳.

۵۰. الطهرانی، الشیخ آقابزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ۲۴ ج، چاپ دوم: بیروت، دارالأضواء، بی تا.

۵۱. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ۲ ج، چاپ پنجم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

۵۲. الغروی، محمد، المختار من کلمات الإمام المهدی علیه السلام، ۳ ج، چاپ اول: قم، مؤلف، ۱۴۱۴ ق.

۵۳. فقیه ایمانی، مهدی، شناخت امام یاراه رهایی از مرگ جاهلی، چاپ اول: قم، مؤلف، ۱۴۱۲.

۵۴. فیض الإسلام، سید علینقی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، بی جا، بی تا، بی تا.

۵۵. الفیومی، احمد بن محمد بن علی المقرئ، مصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر للرافعی، ۲ ج در یک مجلد، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۵۶. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور (ترجمة الإمام المهدی علیه السلام من المهد إلى الظهور)، ترجمه حسین فریدونی، چاپ اول: تهران، آفاق، ۱۳۷۶.

۵۷. القندوزی، حافظ سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة، ۳ج، تهران، اسوه، ۱۴۱۶ق.
۵۸. قیومی اصفهانی، جواد، صحیفة المهدی، چاپ سوم: قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷.
۵۹. الکفعمی، تقی الدین ابراهیم بن علی، المصباح، تهران، ۱۳۴۹.
۶۰. الكلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ۸ج، چاپ چهارم: تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.
۶۱. الكلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی (اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی و علمی)، ۴ج، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع)، بی تا.
۶۲. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه کتاب عصر الظهور، مترجم، عباس جلالی، چاپ پنجم: تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۶۳. گروه حدیث پژوهشکده باقر العلوم (عج)، فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع): ترجمه کتاب موسوعة کلمات الإمام الحسین (ع)، چاپ ششم: قم، معروف و مشرقین، ۱۳۸۱.
۶۴. ماهنامه فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی موعود.
۶۵. مجتهدی، سید مرتضی، صحیفه مهدیه: مجموعه مهمی از نمازها، دعاها و زیارت‌هایی که از ناحیه مقدسه امام زمان (عج) صادر شده و یا... ترجمه محمدحسین رحیمیان، چاپ سوم: قم، الماس، ۱۳۸۱.
۶۶. المجلسی، محمد باقر (علامه المجلسی)، بخار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۱ج، چاپ سوم: بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۶۷. المجلسی، محمدباقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ۲۶ج + ۲ج مقدمه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۶۸. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمة، (همراه با ترجمه فارسی)، ترجمه حمیدرضا شیخی، ۱۵ج، چاپ دوم: قم، دارالحديث، ۱۳۷۷.
۶۹. مدیر شانه چی، کاظم، علم الحديث و درایة الحديث، ۲ج در یک مجلد، چاپ پانزدهم: قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۷۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ سیزدهم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۷۱. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم (عج)، ۲ج، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، چاپ دوم: تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۴۱۲ق.

۷۲. مهدی پور، علی اکبر، کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام: معرفی بیش از ۲۰۰۰ عنوان کتاب مستقل به زبان های مختلف، ۲ ج، چاپ اول: قم، مؤسسه چاپ الهادی، ۱۳۷۵.
۷۳. مهدی موعود، (ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار علامه المجلسی)، ترجمه علی دوانی، چاپ چهاردهم: تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۷۴. میرجهانی، سید حسن، نواهب الدهور فی علائم الظهور، ۲ ج در چهار مجلد، کتابخانه صدر، ۱۳۶۹.
۷۵. میرجهانی طباطبائی، سید محمد حسن، ولایت کلیته، تحقیق و تصحیح سید محمود لولاکی، چاپ اول: قم، الهادی، ۱۳۸۲.
۷۶. المؤتمر العامی لألفية الشيخ المفید، مصنقات الشيخ المفید رحمته الله، ۴ ج، چاپ اول: قم، ۱۴۱۳ ق.
۷۷. مؤدب، سید رضا، علم الحديث: پژوهشی در مصطلح الحديث یا علم الدراية، چاپ اول: قم، احسن الحديث، ۱۳۷۸.
۷۸. مؤسسة المعارف الإسلامية، معجم أحادیث الإمام المهدی علیه السلام، تحت اشراف: علی الکورانی، ۵ ج، چاپ اول: قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۱ ق.
۷۹. النجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۴۲ ج، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۸۰. النعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم بن جعفر، کتاب الغیبة، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، مترجم محمد جواد غفاری، چاپ دوم: تهران، صدوق، ۱۳۷۶.
۸۱. النعمانی، محمد بن ابراهیم کتاب الغیبة، تهران، مكتبة الصدوق.
۸۲. نوری، میرزا حسین، نجم الثاقب، قم، آستان مقدس صاحب الزمان (جمله کران).
۸۳. واحد پژوهش و تحقیق مؤسسه فرهنگی موعود، پیشگوئی ها و آخر الزمان، مجموعه مقالات، چاپ سوم: تهران، موعود عصر علیه السلام، ۱۳۸۲.
۸۴. همدانی، دبیرالدين صدر الاسلام علی اکبر، بیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی (تکالیف الأنام فی غیبة الإمام، علیه الصلوة والسلام)، چاپ اول: تهران، بدر، ۱۳۶۱.
۸۵. الیزدی الحائری، شیخ علی، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب علیه السلام، ۲ ج، چاپ دوم: قم، مكتبة الرضی، ۱۴۰۴ ق.